



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۱۲	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۱۲
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجم شنبه ۷ فروردین ماه ۱۳۰۹ مطابق ۲۶ ایشوال ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج ۰ دوازده تومان رقیبه تک شماره يك قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه هفتم فروردین ماه ۱۳۰۹ (بیست و ششم شوال ۱۳۴۸)

نهرست مذاکرات

۳ [موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱ [نوبت صورت مجلس
۲ [شور اول لایحه مالیات بر شرکتها و تجارت و غیره

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل کردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز چهار شنبه ششم فروردین ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس - آقای کازرونی

بحرین و غیره باشد یا نباشد از تأدیبه گمرک و سایر مالیاتها معاف

است در زمان ورود و غیر از این بنده مقصودی نداشتم

و استدعا میکنم اصلاح شود

رئیس -- در صورت مجلس نظر دیگری نیست؟

نمایندگان - خیر

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

[۲ - شور اول لایحه مالیات بر شرکتها و تجارت و غیره]

رئیس -- خبر کمیسیون قوانین مالیات را چه راجع به مالیات

بر عایدات مطرح است.

کازرونی - بنده همچو فهمیدم در صورت مجلس ذکر

نمودم که بنده عرض کرده ام مروراید هائی که از آبهای

معلق بایران وارد بندر لنگه میشود از تأدیبه مالیات

آن است در صورتیکه بنده تصور نمیکنم همچو عرضی

نموده باشم اگر چنانچه عرض بنده اینطور استماع شده

نداشته باشم یا از بنده است یا از مستمعین بنده هیچوقت

آبهای خلیج فارس تفکیکی قائل نبوده و نیستم مقصودم

آن بوده است مروراید های وارده به بندر لنگه اعم

اینکه متعلق بانواع ایران مثلا ساکنین جزیره قشم

* عین مذاکرات مشروح صد و دوازدهمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

خبر کمیسیون:

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۵۶۸۰۳ مورخه ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ دولت را با حضور آقایان وزیر مالیه و عدلیه تحت شور و مذاقه قرار داده خبر ذیل را تنظیم و تقدیم مجلس مقدس شورای ملی می نماید

ماده ۱ - از تاریخ اجرای این قانون مالیاتهای ذیل بمبزان و ترتیبی که در مواد آتی ذکر می شود ماخوذ خواهد شد

دستی - خوبست ماده بماده خواننده شود و مطرح شود

رئیس - مافعی ندارد چون قبلاً توزیع شده است . مذاکره در کلیات است . آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده ناچارم از اینکه همه وقت عقاید خودم را تعقیب کنم ما در مملکت مان منابع عایدات زیادی داریم و البته برای ما امکان دارد که از راههای دیگری غیر از راه مالیات تحصیل عایدی کنیم مثلاً از راه استخراج معادن و از راه ایجاد کارخانجات و غیره حالا شاید آقایان بفرمایند که در تمام دنیا معمول است و کسی که در یک مملکتی میخواهد با کمال راحتی زندگانی بکند البته باید مالیات هم بدهد که او را حفظ کنند بنده هم با شما موافقم ولی ما یک منابع عایداتی داریم که در دنیا مثلش نیست در امریکا هم مثل این منابعی که ما داریم نیست و چون ما این منابع را داریم باید از امروز توجه دولت و مردم را برگردانیم در اینکه عایداتشان را از کسی بگیرند و باید عایداتشان را از منابع ثروتی که خداوند در این مملکت ایجاد کرده است تهیه نمایند بنده که بعقیده خودم و بوجدان خودم راضی نمیشوم که این منابع ما در زیر زمین بماند و ما همش در صد دبر آئیم که از این و آن پول بگیریم برای اصلاحات مملکتی . اگر ما این منابع ثروت را نداشتیم خوب

میگفتیم مجبوریم اما حالا که داریم چرا نباید استخراج کنیم و از آنها استفاده کنیم همه روزه یک لایحه مالیاتی بمجلس آوردن بنده بهیچوجه عقیده ندارم - ما باید کاری کنیم که اول مردم را صاحب ثروت کنیم اگر بنا باشد هر روز یک مالیاتی تحمیل کنیم روز بروز برتر آنها افزوده میشود بنده چند روز قبل هم عرض کردم و امیدوار بودم که در بودجه امسال یک قلم برجست بزرگی بجهت استخراج معادن و آوردن کارخانجات داشته باشیم ولی متأسفانه هیچ نداشتیم یک جزئیاتی بود که روز هم آقای وزیر عدلیه توضیح دادند توجه فرمودند که چیزی برای این منظور نبود خوب بجهت منابع عمومی بود آیا نتیجه بجهت ما از حیث استخراج معادن نداشت ما از امروز بایستی متوجه کنیم دولت و مجلس را بتحصیل عایدات از منابع ثروت و معادن و کارخانجات از ترویج فلاح و تشویق اینها و یک عایدات سرشاری بدست بیاوریم تا اسباب تشویق دیگران هم بشوند اینکه ما یک قدم در این خصوص برداریم آنوقت بخوایم عایدات خودمان را از مردم بگیریم این نظر بنده است و امید وارم آقایان هم با بنده همعقیده هستند و روزی همین فکر عمل کنند ما تمام نباید بفکر این باشیم که از مردم بگیریم و بنده بکلی چیزی از کسی گرفتن بد میدانم از کسی نباید چیزی گرفت مگر بقدر احتیاج و الا پولی فلانکس دارد من بیایم از او بگیرم این کار خوبی نیست بعدمی آئیم در مواد این لایحه بعضی استثنائات دارد که بنده عقیده بآنها ندارم مثلاً آمده اند نظرمان را که اینها از جانشان برای ما مضایقه نکرده اند مثلش کرده اند در صورتیکه اینها هم بایستی مثل دیگران باشند بلکه مقدم باشند زیرا اینها با جان خودشان بازی میکنند و بالاخره اگر این یک چیز شرافتمندانه نیست باید آنها هم بدهند اگر نیست دیگران چرا بدهند و بالاخره بنده بعضی عرایض دیگری هم دارم که در ضمن مواد بعد از آقایان میرسانم

وزیر عدلیه (آقای داور) - بیانات نماینده محترم

اصول که ایشان در مسائل مملکت داری دارند کاملاً تطبیق میکند و آن اصول عبارت از این است که بنده از تمام فرمایشاتی که در این دوره ها افتخار داشتیم از ایشان بشنوم و شنیده ام این است که اول باید از برای مملکت کار کرد دوم اینکه باید سعی کرد مردم متمول شوند سوم اینکه خرج نباید کرد چهارم آنکه از مردم چیزی نباید گرفت اگر یک همچو اصل کلی را از نقطهها و بیانات ایشان در نیاوردید آنوقت بنده اقرار میکنم که فرمایشات ایشان صحیح است میفرمایند از مردم چیزی نباید گرفت و روی این اصول میگویند که باید در مسائل اقتصادی قدم زد باید معادن استخراج کرد مایک منابع ثروتی داریم که امریکا هم ندارد بنده بشما قول میدهم که بنده نمیدانم که منابع ثروت این مملکت تا چه اندازه مهم است و ثروت ما چه چیز است آقا میدانید خوشا بحالتان برای اینکه منابع ثروت این مملکت مخصوصاً آنهایی را که آقا بفرمائید اینها را با فکر دیمی نمی شود حل کرد بلکه باید یک متخصص بیاورند و ببینند که این منابعی که آقا میفرمایند هست یا نه و آیا واقعاً همینطور است که ما تصور میکنیم که یک معدن بزرگی هست که این اندازه قابل باشد که در آنجا مخارجی بکنند و آنرا استخراج بکنند یا نه مادام که این مسئله صحت پیدا نکند ممکن است شما کوههای آهن داشته باشید ولی بدرد نخورد همینطور در قسمت های دیگر منابع ثروت ما هنوز معادن مملکت خودمان را اطلاعی ازش نداریم و هنوز نمیدانیم چه منابعی داریم مگر بطور اجمال بعد نمیدانیم این معاون کدام قسمتش قابل استخراج و دارای منافع است که مادرش اقدام کنیم پس اولین قدمی که باید روی مسائل اقتصادی برداشت عبارت از این خواهد بود که ما یک اشخاصی را که اهل فن باشند اهل اطلاع باشند بیاوریم و ثروت تحت الارضی ما را اینها مطالعه بکنند حساب کنند و ببینند که معادن ما چیست اگر بناشد این کار را نکردیم روی یک اصل کلی خوش بودن و گفتن اینکه ما منابع ثروتی

داریم که هیچکس ندارد این برای همین خوب است که یک کسی از نقطه نظر کلی یک حرفی زده باشد (فیروز آبادی استخراج بکنید) بله آقا میگویند بکنید اما اینجا که رسیدیم آقا عقب میروند و میگویند خرج دارد اینکار را که نمیشود با یک سه چهار نفری کرد که ما بگیریم و بنیم در کدام یک از کوره قصبه های این مملکت یک آدم مسفی هست که ادعا میکند و میگوید در فلانجا مامعدن داریم این را نمیشود مملکت گرفت بلکه باید رفت و یک اشخاصی را که در دنیای خارج دارای یک اطلاعات و تخصص قطعی باشند و مسلم باشد که وقتی اینها یک حرفی زدند و اظهار کردند فلان معدن دارای فلان قسم جنس هست و فلانقدر فایده دارد و آن نوشته و امضای آنها را در هر جای دنیا بدهید بگویند که بله میشود در این مملکت آمد و پولها ریخت و استفاده هم کرد (فیروز آبادی - بکنید) آقا اجازه بدهید ما هم میخواهیم بکنیم اما اینکار خرج دارد و این خرجی که باید برای اینکار بکنیم این را بایستی از همین راه مالیات بدست بیاوریم تا در راه معادن خرج بکنیم و الا بدون پول که معدن نمیتوانیم استخراج بکنیم مگر پس از یک خرجهایی و جمع آوری یک اطلاعاتی خوب آقا می فرمائید آن خرجها را هم از راه استخراج معادن بکنید آقا این ممکن نیست عملی نیست بنده با شما تعارف نمی کنم حسن نیت شما را بنده و همه آقایان تصدیق داریم اما انصاف بدهید که شما این حسن نیت را گاهی یک صورتهائی بآن میدهید که قوه فلک هم نمیرسد که یک راهی از برایش درست کنند شما میفرمائید استخراج معدن بکنید و از معدن استخراج نشده هم همان خرج را در بیاورید این هیچ ممکن نیست آقا و یکی از مسائل مشکل است مثل اینکه کسی بخواهد ثابت کند دایره مربع را شبیه یک همچو مسئله ایست بالاخره حل این مسئله را از بنده میخواهید ولی بنده که نمیتوانم حل کنم هیچکس هم نمیتواند از معدن استخراج نشده پول در بیاورد و خرج کنند عرض کنم که ایران آنچه که ما هم

امیدوار هستیم و تصور میکنیم دارای يك منابع ثروتی است این را هم كاملاً معتقد هستیم كه بهترین قسم و بهترین طرز مملكت داری عبارت از این است كه آدم سعي كند كه افراد مملكت كار كنند و از راه كار زوت پیدا كنند بعد از آن ثروشان مخارج مملكت را هم به تناسب استعدادشان بدهند اینهم كاملاً مسلم است اما چیزی كه هست يك قسمت زیادی از كارهای دنیا را (اگر بخواهیم همه اش را) اول باید يك خرجی را كرد تا آن كار انجام شود. آقا میفرمائید ما در كارهای اقتصادی كار كنیم بنده گمان میکنم يكوقت در یکی دو سال قبل شاید در همین مجلس شاید در مقابل اظهارات خود آقا بوده است كه بنده عرض كردم مسائل اقتصادی يكمقدمانی دارد كه آن مقدمات در درجه اول خیلی بطور روشن مربوط به مسائل اقتصادی نیست ولی بالاخره آن مقدمات نتیجه اش يك قدمهای اقتصادی است این را باید تصور كرد كه تمام اقداماتی كه در يك مملكت شده است و تأثیر در زندگانی اقتصادی داشته است و ضرورت داشته است تا آن مقدمات صورت خارجی پیدا نكرده ممكن نبوده است كه يك قدمهائی برداشت البته نباید آمد و آن قدمها را يكمرتبه هیچ گرفت و گفت قدم اقتصادی نبوده است تصدیق بفرمائید كه اوضاع اقتصادی مملكت ما وقتی كه امنیت درش نباشد امكان ندارد كه شما بتوانید يك قدم درش بر دارید تمام فرمایشات آقا و تمام عرایض بنده و تمام كتابهائی كه آقا ممكن است در این خصوص بنویسند و بنده بخوانم تمام اینها را جمع بكنیم رو بهمرفته در يك مملكتی كه درش امنیت نباشد كه اگر شما بخواهید از يك نقطه اش بيك نقطه دیگری حرکت بكنید پنج فرسخ راه را با كمال ترس و لرز حرکت كنید با تمام این نطق ها و بیانات نمیتوانید يك قدم اقتصادی بردارید پس قدم اول عبارت از امنیت است بعد از آن اطمینان در معاملات كه باید مردم اطمینان داشته باشند كه اگر اختلافی پیدا شد از روی آن اصول حل شود اگر شما آن اطمینان را ایجاد نكردید هیچوجه ممكن نیست قدم اقتصادی بر

این معادن خوبست وقتی كه معلوم شد منابع ما خوبست با فلان كار اقتصادی ما خوبست آنوقت حقتان را بگردید این نمیشود ما باید پول را از حالا تهیه كنیم و مسلم است كه بعد نتیجه خواهد داد خیلی بیش از اینکه ما امروز خرج کرده ایم و این پول را از منابع اقتصادی خوابیده زیر زمین نمیشود خواست پس چطور ما میتوانیم این پول را از آنجا در بیاوریم قبل از این كه يك مخارجی کرده باشیم و بالاخره بایستی از جای دیگری در بیاوریم وقتی كه خواستیم از جای دیگر در بیاوریم آنوقت میائیم روی این مردم و میگوئیم كه شما ما افراد این مملكت هستید و میخواهید مملكت شما ترقی كند و میخواهید در این مملكت كار پیدا شود كه از راه كار کردن دارای ثروت بشوید از برای این كار مثل اینکه شما در زندگانی خودتان وقتی میخواهید يك نتیجه بگردید اول يك سرمایه میگذارید یا اینکه تا وقتی كه میخواهید يك عایداتی پیدا كنید میائید از احتیاجات ضروری خودتان میزیدید و يك پولی پیدا بكنید و كنار میگذارید تا اینکه بعد ازش فایده ببرید امروز شما باید يك مقداری از عایدات خودتان از سرمایه خودتان را كنار بگذارید یعنی هر كسی بساید و مطابق استطاعت خودش كك كند ما بتوانیم يك سرمایه تهیه كنیم و يك زندگانی از آن تهیه كنیم كه بعد از آن فایده ببرید ما غیر این كار دیگری نمیتوانیم بكنیم امسال ما چقدر در بودجه ای این مسائل ذخیره داریم يك میلیون از برای چه بزاریم؟ (فیروز آبادی - بانك) خیر این سرمایه اقتصادی است بدون اینکه شرح داده شود این ارقام مربوط به است بجهت اینکه يك ارقام مختلفه دارد پانصد هزار تومان برای بانك فلاحی است پانصد هزار تومان اضافه است اگر شما بخواهید این دو میلیون بشود باید در مالیات هم كه ما حالا دو میلیون پیش بینی میکنیم كسر از این هم پیش بینی نمی كنیم موافقت كنید پس تصدیق

بفرمائید كه ما يك مقصودی داریم یعنی آن مقصودی را كه شما را هم بمقصود خودتان میرساند مقدمات و وسایل آن را باید فراهم كنیم شما اگر نتیجه را میخواهید باید مقدماتش را هم قبول كنید. اگر خیر بگوئید كه ما همینطور می نشینیم و امیدوار هستیم اگر انشاء الله از زیر زمین حالا همیشه هم بنا نیست كه برود پی كار كار كه نشد ندارد شاید يكوقتی آمد و شد و ما هم كردیم و شد آقا روی این اصل نمیشود داخل عمل شد پس بنا بر این باید بیایند و يك قدری همراهی بكنند و يك مقداری از آن چیزی كه استفاده میکنند بدهند تا اینکه آن كارها بشود آقا میفرمائید كه مردم ندارند ما از آنهاست كه ندارند چیزی نخواستیم شما این لایحه را بردارید از سر تا تهش ملاحظه بكنید به بینید چه میگوید؟ میگوید شركتها و مؤسسات تجارتي اینها از پنجهزار تومان عایدات تا فلان مبلغ صدی فلاتقدر و از يك میلیون فلاتقدر بدهد يك میلیون عایدی باید داشته باشد تا فلاتقدر بدهد وقتی كه نداشته باشد كه از او چیزی نمیگیرند میگوید مستخدمین دولت از سی و پنج تومان تا پنجاه تومان صدی نیم بدهند میفرمائید ندارند خوب بنده ارزش نمیگیرم باصطلاح وقتی كه شما بیائید و نگاه كنید ببینید يك قسمت زیادی از مردم را ما معاف كردیم از همین طبقه مستخدمین چنانكه ملاحظه میفرمائید گفتیم کسانی كه تا سی و پنج تومان دارند معاف تو بخیر و ما بسلامت چیزی از تو نمیخواهیم خوب حالا يك کسی كه پنجاه تومان دارد این چه عیبی دارد كه يك صدی نیم بدهد چه ضرر بزرگی خواهد بود؟! همینطور البته بالا رفتیم وقتی كه عایدات بالا رفت حالا اگر اشخاصی را شما میخواهید بگوئید نباید ازشان چیزی گرفت چنانكه در ضمن فرمایشتان فرمودید كه من خوشم نمی آید از کسی چیزی بگیرند بله در زندگانی های شخصی همینطور است اگر کسی چیزی ندارد نباید ارزش گرفت ولی عمل دولت مربوط بعمل اشخاص نیست دولت كه گدائی نمیخواهد بكنند دولت با افراد مملكت خودش میگوید آقا

شما اگر تا این درجه استطاعت دارید برای این کار هائی که ما میخواهیم بکنیم و بالاخره منفعتش را هم شما خواهید برد بیائید و یکقدری فداکاری کنید و یکقدری کمتر خرج کنید در بعضی قسمتهای زندگانی نان و بالاخره این را بدهید برای همان کار هائی که شما خودتان از آن کارها بیشتر استفاده میکنید شما باید بدانید که در هیچ جای دنیا باندازه مردم ایران کم مالیات نمیدهند همه جای دنیا به تناسب خودشان مالیات میدهند ما هم میخواهیم که بیائیم تخمیلات را زیاد کنیم ما هم میخواهیم بیائیم و باندازه که لازم است خرجهای مفید کنیم بر فرض که يك پولهای زیادی داشته باشیم نمی آئیم اینها را خرج بکنیم تا يك استفاده کلی برایش در نظر بگیریم پس ما بقدر ضرورت تقاضای خرج میکنیم و بهمان اندازه هم از مردم توقع داریم و وقتی که شما تصور بفرمائید (حالا در يك قسمت هایش آقایان بخواهند پس و پیش کنند بخارند) ولی بنده تصور میکنم اصولاً هیچ مالیاتی بعقیده بنده متناسب تر و عادلانه تر از این مالیات نیست که آن اشخاصی که ندارند و عایداتشان کم است آنها را کنار میگذاریم و آن کسانی که دارند ما آنها را طبقه بندی کردیم و گفتیم تا آن حدی که ضروری است و هر کس بخواهد زندگانی ملایم و عادی و مختصر بکند برای او لازمست آنرا کنار گذاشتیم برای اینکه سی و پنج تومان در این مملکت برای يك زندگانی خیلی عادی ملایم و با قناعت کافی است و از طرف دیگر هم ما میخواهیم که هر يك طبقات زیادی از افراد مردم يك تخمیلی کرده باشیم از اینکه گذشت ما آمده ایم و به تناسب استعداد مالی آنها از آنها میگیریم و بنده خیال میکنم که وقتی نگاه کنیم هیچ مالیاتی متناسب تر و عادلانه تر از این قسم مالیاتی که نسبت با استعداد باشد نیست شما اگر نخواهید این قسم مالیات را قبول کنید آنوقت باید بروید روی آن حرف خودتان که اصلاً هیچ نگیرید خوب اگر يك مملکتی بتواند بدون مالیات خرج کند و زندگانی کند

و کارهایش را انجام بدهد چیزی از کسی نمیتواند دل متأسفانه تا بحال فکر بشر به آن نرسیده است اما راجع به نظامیان که فرمودید چون اینها با جان خودشان بازی میکنند در پول دادن باید مقدم باشند بنده وارونه اثر را میگیرم میگویم چون آنها جان نثاری میکنند نباید پول بدهند مثل اینکه شما روی يك اصل دیگری معتقدید که ما نباید تحمل به کسی بکنیم این مطابق فکر خود من است ولی ضد فکر بنده است. چکار میشود کرد در فکری است که نمیشود اینها را با هم تطبیق کرد. بنده معتقدم که ما در زندگانی اقتصادی و اداری و سیاسی ماضی خودمان بایستی سعی کنیم از دنیائی که پیش از ما کرده است و تجربه کرده است اصولش را بگیریم و از روی آن تقلید کنیم تقلید را نباید صرفاً تقلید کرد باید در اصول تقلید کرد ساعت اگر میخواهید بسازید مثل دیگران بسازید باید مثل دیگران که ساخته اند بسازید. ما هم اگر مملکت داری میخواهید بکنید باید همانطور که دیگران کرده اند بکنید و الا اگر با افکاری که ما خودمان داریم و تجربیاتی که ما خودمان داریم بخوانیم زندگانی کنیم نمیشود. اگر امروز ما میخواهیم و اندر در دین ممالکی بشویم که میتوانند کار کنند اگر ما بخوانیم حرف بزیم با دیگران بطوریکه دیگران با هم حرف میزنند اینها ما يك قدمهائی برداشته ایم يك کارهائی کرده ایم که میتوانیم بگوئیم امروز این مملکت زنده است (صحیح است) این برای اینست که اصول را قبول کردیم شب میفرمائید اصول را قبول بکنیم شما اصلاً میگوئید تقلید را بگذاریم کنار و خودمان کار کنیم اینجایك جملی است که بنده و شما اصلاً از يك کوچکی که خیر از توله يك خیابان هم نمیتوانیم راه برویم و باید شما آن طرف و من اینطرف راه بروم و بالاخره استنباطی را که آقا فرمودند و ما آمده ایم قبول کرده ایم برای این است که منطق داشت منتهی وارونه آن منطق آقای نظیر هم نیست در سایر ممالک دنیا هم نظیر دارد و گمان میکنم اکثریت مجلس هم در اینخصوص با بنده همراه باشند

نظامیان را استثناء کنیم و وقتی که جان نثاری میکنند دیگر از شان مالیات نگیریم
رئیس -- آقای طلوع

محمود رضا طلوع - بنده هم معتقدم باید از مردم مالیات گرفت ولی برای چه البته از مردم باید مالیات گرفت برای رفع حوائج مردم بنده نمیدانم هیئت دولت از اوضاع عمومی این مملکت مستحضرند از حالت روحیه مردم اطلاع دارند بعقیده بنده اگر اطلاع میداشتند يك چنین لایحه تقدیم مجلس نمیکردند (آقا سید یعقوب صحیح است) در این چند روز اخیر تا بحال ده میلیون اضافه عایدات رأی داده ایم بنده حاضرم ثابت کنم مطابق ارقام از چند روز قبل تا امروز ماده میلیون اضافه عایدات رأی داده ایم من نمیدانم چه قضایای مهمی پیش آمد کرده که ماده میلیون اضافه عایدات باید رأی بدهیم؟! اگر تراکت اجازه میداد بنده از اوضاع عمومی مملکت و از حالت روحیه تمام طبقات مملکت در این جا شرح میدادم ولی متأسفانه تراکت بنده اجازه نمیدهد...
زوار - تراکت شما اجازه نمیدهد؟ بگوئید آقا (صدای زنگ)

طلوع - بله از نقطه نظر موقعیت فعلی مملکت نمیگویم بالاخره موافق این هستیم که باید این ده میلیون عایدات را از همین مردم فقیر گرفت ولی برای چه؟ چه قضایای مهمی در این مملکت پیش آمد کرده که این پولها لازم است و ششده میلیون اضافه عایدات میگیرید؟... (زوار ضحیاجات) شما میگوئید ما وزارت اقتصاد معین کرده ایم بنده هم موافقم بنصده هزار تومان برای بانك فلاحی خلیل خوب بقیه این مبلغ را برای چه میگیرید بچه صرف میسازید گذشته از همه اینها خود آقای وزیر عدلیه هم در موقعیکه لایحه بودجه مطرح بود (بنده هم اجازه خواسته بودم متأسفانه مذاکرات کافی شد) خودشان فرمودند که ما يك میلیون و هشتصد هزار لیره بنام نظیر در این مملکت پول داریم يك دولتی يك مملکتی

که يك میلیون و هشتصد هزار لیره بنام ذخیره داشته باشد نباید ده میلیون تخمیلیك ملتی بکنند. بعقیده بنده اینها عادلانه نیست و بعلاوه بنده از این لایحه چیزی نمی فهمم. مقصود لایحه مالیات بر عایدات است خوب اینکه شکل تدوین و تنظیم آن نیست اگر بنام بودجه آورده اند حق الثبت هشتصد هزار تومان و حق التجاره فلاقتدر اینها را ما می بینیم بعلاوه این را مامیگوئیم شما میخواهید از تمام طبقات مالیات بگیرید يك عدد مالیات ارضی میدهند يك عدد را هم عایداتشان را بطبقات آورده اید طبقه منحصر بفرد نیست شما از يك طبقه تجار بخصوص میخواهید مالیات بگیرید؟ این لایحه این را نشان میدهد که شما از طبقات مردم میخواهید مالیات بگیرید حالا بنده اینقدر عجول نیستم اگر يك قضایای مهمی پیش آمده است اگر میگوئید يك تخارجی داریم این را بیائید بگوئید و مالیات را از مردم بگیرید اقلأ ملت ایران بگویند که چون يك پیش آمد های بزرگی کرده بود این مالیات را بر ما تخمیل کردند حالا کار بعمل جریان قانونی این موضوع ندارم مخصوصاً متأسفم که که آقای وزیر مالیه در مجلس تشریف ندارند که عرض کنم هم بر خلاف قانون الان در خود کیلان مالیات میگیرند الان همین مالیات توتون با اینکه تخمیل بزاعین بود بر مالکین بود ولی گفتند که لازم است و مجلس رأی داد که منی سه تومان بگیرند الان متحد المال شامصدر میکنید چیز غریبی است متحد المال صادر میکنید که منی سه تومان بگیرند با یکمن هشت قران اضافه این چه پولی است از مردم میگیرند مجلس که رأی نداده است جریمه از مردم میگیرند؟ مأمور گذاشته اند توی تمام ده کسوره های کیلان که مالیات بگیرند تومانی يك قران هم قبض میدهند جریمه میگیرند پول میگیرند از مردم. مالیات را میگیرند تومانی يك قران هم آقای وزیر عدلیه قبض میدهند جریمه میگیرند از مردم چرا میگیرند؟ بالاخره اینها قسمت هائی بود که بنده می خواستم عرض کنم آقای فیروز آبادی این جا می فرمایند معادن و اینها

بنده اینها را از آمال خود میدانم و خیلی هم مقدس است اما بنده خیلی عجله برای اجرای این آمال ندارم ولی پول از مردم میگیرند باید برای مردم خرج کنند ما هنوز ولایات مهمان مؤسسات قانونی ندارند و از حقوق قانونی و از حقوق مدنی محرومند بنده از جاهای دیگر اسم نمی برم از حدود گیلان خودمان عرض میکنم لنگرود که چهل هزار جمعیت دارد با اطراف و توابعش که هشتاد هزار جمعیت دارد نه صلحیه دارند نه عدلیه دارند نه نظمیة دارند که شب اگر سارقی آمد مال التجاره يك کسی را برد يك پلیسی باشد که جلوگیری کند. آقا بندر است شب نجار آنجا چه میکنند صبح ها باید مال التجاره خودشان را کول حمل بگذارند بیاورند در حجره های خودشان شب ها باز کول حمل بگذارند ببرند منزل. مگر آقا قانون برای يك طبقات متمازه است؟! قانون برای تمام مردم است و باید عموم استفاده ببرند حالا از نقطه نظر صحیه و سایر قسمت ها هیچ جسارت و عرضی نمیکنم ولی آقا اینها گرفتاریهایی است که ما داریم بالاخره باید يك ترتیبی بفرمائید که همانطور که از يك پیر زن در يك ده کوره بنام يك تومان مالیات میروید صد تومان عوارض و جریمه و فوق العاده میگیرید اقلایس يك کاری هم بکنید اگر يك دزدی آمد پنج تومان پول او را برد اقلایس يك پلیسی باشد که بداد او برسد ما هیچ نداریم فقط در مرکز و شهر های مهم این مملکت در ولایات مهم این مملکت بله يك مؤسسات قانونی دارد ولی اغلب ملت ایران از حقوق مدنی و مؤسسات قانونی محرومند (زوار - این مملکت دویست کرور خرج دارد) آنقدر ها خرج ندارد آقا بالاخره مال مردم است پول از مردم میگیرند بایستی برای مردم کار کنند بالاخره در این جا نوشته اند تجار درجه اول فروش پنجاه هزار تومان بنده نمی فهمم در عمل چه میکنند الان يك عده اشخاص هستند در بندر پهلوی صبح ها میروند بیرون شهر روزی پنزده هزار تومان بیست هزار تومان برنج میخرند و میفروشند ولی چقدر استفاده میکنند از هر خرواری يك قران میگیرند اینها در سال اگر ملاحظه بفرمائید

دویست هزار تومان فروش میکنند ولی هزار تومان هزار و دویست تومان استفاده نمیکند از هر خرواری يك قران میگیرند شما با اینها چه معامله میکنید. و بالاخره بنده نمیدانم در عمل چه خواهد شد با این فشاری که فلان از طرف مأمورین مالیه در ایالات و ولایات هست طرز اجرا و عمل این چه خواهد شد آیا هر کسی آمد پنجاه هزار تومان صد هزار تومان فروش کرد و پنجاه تومان یا صد تومان استفاده کرد آن هم باید دویست و پنجاه تومان بدهد این بعقیده بنده عادلانه نیست بعلاوه بعقیده بنده يك جزائی هم در ماده هفت دارد که نوشته است از يك تاده برابر جریمه میشود....

یک نفر از نمایندگان - سه برابر

طلوع - خیر ده برابر ماده را الان میخواهم..

عدل - ماده سیزده است

طلوع - نه آن ماده نیست. ماده هفت است بله این است نوشته است اشتغال بمشاغل مذکوره در مواد ۴ و ۵ بدون تحصیل جواز ممنوع بوده و متخلفین جریمه معادل سه تاده برابر حق جواز محکوم خواهند شد بعد يك مدتی را هم معین کرده است الان که هیچ قانونی معین نشده هیچ طرز تادیبه مالیات در ایران معین نشده هر امین مالیه هر پیشکار مالیه با فکر شخصی خودش اعلان میکند تا پانزده روز شما باید مالیات بدهید در صورتی که هیچ موقع گرفتن نیست و هیچ قانونی با حق نداده است مأمور میفرستند در خانه های مردم مخصوصاً در همین چند روزه چند نفر از اهالی رشت آمده بودند در همین چند روزه ایام عید در گیلان حاصل برنج دست آمده بوده است و متاسفانه يك بازار آزادی دارد که باید آنها در بازار ببرند و بفروشند ولی عجالة خریداران در برنج همین طور مانده آنها باید محصول را بفروشند مالیات بدهند خود امین مالیه آنجا هم میداند ولی نام خانه های محترمین و تمام خانه های مالکین ملک مأمور گذاشته اند و با فشار و سر نیزه مالیات میخواهند حالا

چه شکل میگیرند دیروز برای بنده صحبت میکردند و بنده نمیتوانم عرض کنم بعد خود رئیس مالیه پیشکار مالیه میگوید من اینمدت را تشخیص دادم شما نیامدید حالا باید ده برابر جریمه بدهید بنده نمیدانم چطور باید این پول را گرفت خوب در هر صورت این بعقیده بنده بحث تولید زحمت برای مردم خواهد شد. و يك کشمکش بین مردم و امنای مالیه خواهد شد و ثروت بنده باید برود برای اینکه او میگوید این مدت را من معین کرده بودم نو نیامدی من چه دلیلی در مقابل دارم که باو ثابت کنم بنده باید باو قسم بدهم و بگویم قسم را مقدس بشمار او میگوید من اینطور تشخیص دادم تو دیر آمدی این بعقیده بنده عملي نیست. یکی هم مأمورین و اعضاء ادارات دولتی است چیز غریبی است حقیقه چیز غریبی است. آقا مطابق قانون اساسی مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست البته مجلس شورای ملی است قوه مشتمله است قوه مجریه است ولی جزء قانون اساسی چیست البته تشکیلات و ادارات مشروطیت است اداراتی که مشروطیتند. طبقات منوره مملکت ما از مدرسه بیرون آمده ما همین اعضاء ادارات دولتی هستیم بنده حقیقه زحمت کشیده اند مدرسه رفته اند تحصیل کرده اند بالاخره طبقات متجدد ما هستند اینها را باید اتم استخدام کرده ایم مستخدم را که می آورید حقوق بدهید آنوقت بعنوان مختلف از حقوقش میکاھید بنده نمیدانم اگر شما مستخدم لازم دارید بگوئید من الان مبلغ حقوق بشما میدهم که اقل از این مطمئن باشد بخش راحت باشد این حقوق را بگیرد و مطابق بعد المال شما هشت ساعت هم کار کند ولی انواع و اقسام تفضیلات برای اعضاء ادارات درست می کنید تمام تقاعد میگیرید این جا هم اینطور هشتاد نفر هم وزارت پست تلگراف منتظر خدمت میکنند متقاعد کند اگر يك حقوق زیادی هم داشت او را متقاعد کردید يك چیزی بود بعلاوه اینها هفتاد هشتاد نفر

که نیستند هفتصد نفر هشتصد نفر هستند برای اینکه عائله دارند اینها همه را بیکار کرده اند با چه حقوق. اگر يك مدیر کل بود بیکار میگردید يك پول زیادی میشد ولی اینها که پنجاه تومان شصت تومان حقوقشان است تقاعدش چقدر میشود حالا بنده کار ندارم دولت است اینها هم مأمورینش هستند یکی هم موضوع بروات تجارتی است در ماده سه این يك توضیحاتی که خواستم داده شود نوشته است: بانك ها و سایر مؤسسات صرافی به تناسب نیم در هزار از بروات و اوراق تجارتی که میفروشند مالیات بخواهند برداخت. بنده خواستم برای اینکه بهتر بفهمم خواستم يك توضیحات کاملتری در اینموضوع داده بشود. اوراق و بروات تجارتی دست بدست گردش میکند ممکن است که بنده تاجر يك ورق از دست بنده میروند اینها پنجاه دست هم اگر بخواهد رد و بدل بشود باز هم هر هزار تومان باید پنجاه تومان بدهد یا نه...؟

یک نفر از نمایندگان - خیر

طلوع - بعقیده بنده اگر اینطور باشد این هم خیلی خوب است برای خاطر اینکه ممکن است اصلاً این اصل قضیه را از بین ببرد و این قدر بگردد که اینها اساساً مستهلك شود و بالاخره بایستی واضح باشد حالا دیگر چه عرض کنم عرض کردم خواستم يك توضیحی در این باب داده شود

وزیر عدلیه - بنده این را بطور خیلی جدی عرض میکنم که اگر آقا بتوانند بارقم ثابت کنند که در این چند روزه نمیدانم بموجب کدام يك از لوائح است که ده میلیون آقا رأی داده اند (طلوع - ثابت میکنم) خوب اگر ثابت کردند بنده این لایحه را از طرف دولت مسترد میدارم (طلوع - پشت همین تریبون بنده ثابت میکنم) (صدای زنگ) اجازه بدهید بالاخره حساب و ورقم يك چیزی است که ما سرمان میشود اگر آقا

توانستند بفرا بمانند که ما بواسطه مالیاتهای جدیدی که عرض کنم نمیدانم چه چیز است يك لايجه راجع بحق الثبت وسائط نقلیه آمده است این جا شور اولش امروز گذشته است و اینها يك مالیاتهای بوده است که میدادند و حالا يك مبلغی اضافه شده که ما هشتصد هزار تومان پیش بینی عایدات آن را کرده ایم دیگر چیزی نیامده است . ده میلیون عایدات را اگر ما توانسته ایم اینجا گذرانده باشیم بطور قاجاق همچو معلوم می شود دیگر بنده بشما قول میدهم که برای راحتی فکر شما و فکر آقایان دیگر این لايجه را پس میگیریم و می گوئیم آقا ما ده میلیون داریم عجلتاً این را خرج کنیم تا به بینیم بعد چه می شود ولی متأسفانه اینطور نیست (طلوع) بنده در پشت تریبون ثابت می کنم) این لايجه را هم اگر آقایان اضافه کنند بر لايجه مالیات قبل آنوقت در همان حدودی است که ما تقریباً پیش بینی کرده ایم فرض بکنیم دویست هزار تومان بالاتر با پائین تر يك تیکه از بیانات آقا (که البته بنده يك یاد داشت هائی برداشته ام) يك قسمت از فرمایشاتشان این بود که فرمودند اگر بنده بخواهم در اینجا اوضاع مردم را عرض کنم بنده تصور میکنم اینجا مثل تمام نقاط دنیا مملکت داراي افراد مختلف طبقات مختلف است ممکن است اشخاصی باشند که اوضاع روحیشان بد باشد ولی اکثریت ملت ایران تصور میکنم با همه آن قدمهایی که از برایش برداشته شده است اگر واقعاً يك اشخاصی بگذارند نه اینکه تبلیغات بنده دیگران را به درد دل انداخته باشد اگر اوضاع روحی شان را از شان بپرسید خیلی خوبست و آنوقت شما در اینجا بی اضافی میفرمائید ولی هیچ جا نتوانسته اند روحیات تمام طبقات را خوب بکنند ما هم نمیتوانیم بکنیم . اما راجع بذخیره مملکت ذخیره مملکتی آقا برای نیست که اگر در هر دفعه آدم يك احتیاجی پیدا کرد يك احتیاج جاری پیدا کرد فوراً دست بیندازد بذخیره (خنده نمایندگان) شنیده اید که میگویند فلان شخص خیلی پول داشت و نمیخورد .

جواب داده شد چون نمیخورد آن پولها مانده بود و البته اگر نمیخورد که پول نماند پس ذخیره برای این نیست که ما هر دقیقه برویم دست کنیم برداریم اگر اینطور باشد در مدت کمی از بین خواهد رفت علاوه آقا میدانند که در درجه اول ذخیره مملکتی بایستی از برای تبدیل پول نقره بطلا بماند (نمایندگان - صحیح است) و این را اگر بخواهیم هر روز بيك کاری بزنیم و خرج کار دیگر بکنیم آنوقت خودتان تصدیق میفرمائید که ما نمیتوانیم این کار را عملی کرده باشیم . در بیانات آقا مختصراً همچو اشاره بود که این آیا مالیات بر عایدات است چه چیز است بنده عرض میکنم اسمش را چکر داريد این این است که ملاحظه میفرمائید (خنده نمایندگان) مالیات بر عایدات اسمش را میخواهید بگذارید اما از تمام طبقات میگیریم این را من خیال میکنم که شما که بافکارتان آشنا هستم باید این را مثل بنده معتقد باشید که حتی الامکان باید از تمام طبقات این مالیات را گرفت و بهترین مالیات این است که تمام طبقات درش شرکت بکنند منتهی تا يك عده اشخاصی را آیدم چون دارائیشان خیلی کم است سرمایه شان خیلی کم است و بجز ضروری خودشان نمیتوانند برسند آنها را کنار گذاشته ایم ولی از بقیه میگیریم . بله باید تمام طبقات بگیریم دلیل ندارد که يك مملکتی یکعده از افرادش کار کنند جان بکنند زحمت بکشند نوی آذرب تمام این مالیات هارا رو بهمرقعه ما تا بحال بیشتر رفیقان عمده اش را از محل فلاحت و زراعت می گرفتیم خوب چه دلیل دارد بنده تجارت می کنم آقا و متأسفانه بنده با کمال تأسف این را عرض می کنم بنده که تجرم بودم از این مالیات باز خودم ندادم بنده روی چشم خوارم کهید . بالاخره بمصرف کشنده نحلیل میشود . حالا آدمم خودم دادم چه اشکالی دارد عرض کنم که حتی این مالیات بکیش این است که ما سعی کرده ایم که افراد مملکت را شرکت داده ایم و همه میفهمند که مخارج عمومی را مخارج مفیده مملکت را باید تمام افراد

مملکت باندازه استطاعت خودشان بدهند و الا برویم بيك طبقه بگوئیم که چون تو يك کسی هستی که باید زمین شخم بزنی و از زمین پول بیرون بیاوری و زراعت کنی ما هم از این زمین تو مالیات میگیریم اما اگر يك کسی دارای يك سرمایه است و از این راه میتواند چندین هزار تومان عایدی پیدا کند او هیچ نباید بدهد . بایک کسی طبیب است این آقا تشریف میبرند سر مریض پول بگیرند و بالاخره عایدات هم دارند زندگانشان هم خیلی خوبست خوب باید مالیات هم بدهند . آن قسمت اخیر از بیانات آقا را میخواهم جواب عرض کنم که میفرمائید چرا از مستخدمین میگیرند بنده گمان میکنم بی لطفی بکنند پس اگر ما آدمیم از يك اشخاصیکه يك عایدات منظمی دارند يك دارائی دارند مالیات گرفتیم علت اینکه مستخدمین را کنار بگذاریم چه چیز است بالاخره اینهم يك کسی است که نسبت باغلب افراد مملکت يك عایدات منظم تر و ثابت تری دارد و سهلتر از همه هم وصولش میشود بجهت اینکه در همان موقعی که میخواهند بهش بدهند پیش کسر میکنند ما يك همچو عایدی صحیح حسابی بی زحمت از دست بدهیم چرا ؟ البته در قسمتی که آقا اشاره کردند که يك اشخاصی هستند که ظاهراً فروششان خیلی زیادست و منفعتشان خیلی کم ممکن است اینجا يك پیشنهادی بدهد مملکتی در قسمت دلالها و کسانی که حق العمل کار هستند يك دقتی بکنیم و واقعاً نمی خواهیم بیائیم بگوئیم يك کسیکه سالهزار تومان عایدی دارد دویست تومان مالیات بدهد بنده این را با آقا موافقم که هر جائی که هست ما را توجه کنند تا نتیجه برسیم . در این قسمت بنده با آقا موافق هستم و چون شور اول است ممکن است پیشنهاد مید در کمیسیون هم خودتان تشریف بیاورید صحبت کنیم به نتیجه برسیم و لابد در سر مواد مذاکره خواهند کرد برای اینکه بنده وقت عزیز مجلس را از دست شما نگرفته فرزند وقتشان را تلف نکنم این را میگذارم برای همان مشایخ مربوطه .

رئیس - آقای طهراني

طهرانی - عرض کنم تصور میکنم بهترین مالیاتها مالیات بر عایدات است برای اینکه يك مالیات عادلانه است و بنده که در این لايجه خودم را جزو مخالفین نوشته ام برای این است که در طرز تنظیم لايجه بعضی عرایض داشتم که در فرا کمیون ممکن نشد حل شود و البته آقایان هم همه میدانند که بنده بر خلاف دیسیپلین رفتاری نمیکنم اگر مطالبی داشته باشم در فرا کمیون خیلی سخت تر و شدید تر صحبت میکنم و با آقایان هم حل میشود و بعد در مجلس ساکت هستم ولی این لايجه چون در تنظیم موادش اشکالاتی دارد که آنجا نتوانستم عرض کنم این است که خواستم بلسان مخالفت و بمنوان مخالفت در مجلس اظهار کرده باشم که خاطر آقایان متوجه باشد اولاً در قسمت شرکت انتفاعی در ماده دو در تبصره که مینویسد: آلهائى که محصولاتی در ایران تهیه میکنند و این را باخارج میبرند و در خارج آن را پول میکنند عایدات از آن در خارج اخذ میکنند بنده نفهمیدم که با آنها چه معامله میکنند مثلاً فرض کنید يك مواد خامی فرض بفرمائید قوزه پنبه يك شرکتي است قوزه میبرد از این جا و این قوزه را عیناً حمل میکند میبرد در خارج پوستش را میگیرد و پنبه بهترش میکند دولت از این شرکت چون این قوزه را آنجا میبرد و پنبه خالص بعمل میآورد دولت از آن قوزه چه میگیرد قوزه را اینجا قیمت میکنند میبرند مخصوصاً در شرکت نفت جنوب در نفت سیاهی که از ایران خارج میشود آن مواد اولیه میخواهیم بفهمیم این نفت سیاه را قیمت میکنند این نفت سیاه همینطور که خارج میشود کشتی کشتی این را قیمت میکنند و از آن مالیات میگیرند یا خیر این را خواستم توضیح بدهند برای اینکه نوع تجارتها و نوع کسبی که در مملکت ایران است اکثر آنها شاید دو نك سه نك سه ربعش دست شرکت های خارجی است البته يك مالیاتهایی که شامل اشخاص و افراد خارجی که در این مملکت انتفاع میبرند خیلی مفید است و باید

ما این مالیات را تصدیق کنیم برای اینکه مالیات بر عایدات است و از کسانی که عایدات دارند از عایدات آنها گرفته میشود قسمتی را که بنده عرض داشتم ماده راجع بتجار و اصناف است که خیلی بی رویه تنظیم شده است برای اینکه اولاً دولت باید فکر کند در وضع این قانون چون با تمام مردم تماس پیدا میکند شاید با نصف بیشتر مردم تماس پیدا میکند این تماس مأمورین دولت با مردم با يك چنین لایحه و اجرای این را باید دولت خودش فکر کند که در آتی چه محظوراتی ممکن است خودش مبتلا شود و ممکن است مردم را مبتلا کند بالاخره دولت و مردم و ملت یکی هستند از وضع مالیات و در اجرا باید يك ترتیبی يك وضعیتی را اتخاذ کرد که نه اسباب تنفر مردم بشود و هم دولت موفق شود به تحصیل عایداتی که بمردم هم صدمه وارد نیاید. مسئله تجار همانطور که آقای طلوع هم این جا يك اظهاراتی کردند شما نمیتوانید تجار حق العمل کار را دلال حساب کنید یعنی بگوئید اینها دلال هستند و يك ماده دلالی برایش درست کنید خیر اینطور نیست نوع تجار ایرانی همان دلال هستند همان حق العمل کار هستند اصلاً ما تاجر نداریم در مملکت این را که نباید پنهان کرد ملاحظه کرد باید صریح گفت بنده در بازار ارانه میدهم يك تاجری که در روز بدست هزار تومان سی هزار تومان معامله کند شاید واقماً ده تومان نفعش نباشد (آقا سید یعقوب - صحیح است) بنده این را بشما ارائه میدهم بیست فقره در سال صد فقره در سال که معامله میکنند پنج فقره نفع پنج فقره ضرر میکنند و آنوقت از دویست هزار تومان شاید هزار تومان هزار و دویست تومان پیدا کند و این بطور خوب انداز تاجر درجه اول دویست و پنجاه تومان تاجر درجه دوم صد و پنجاه تومان این مالیات بر عایدات نیست و این سبب میشود که این يك قسمت مردم هم که دلالی می کنند اینها هم از بین میروند بمالوه شما مالیات بر عایدات در شرکتها قائل شده اید که عایدات آنها را حساب کنید حالا اگر چنانچه يك تاجری دفتر منظم داشته باشد يك

کاسی قبول کند که دولت يك دفتر پلمب کرده منظم بهش بدهد که معاملاتش را مطابق نظر دولت در دفتر ثبت کند و مطابق او مالیات بدهد چه اجباری دارد؟ شما بگوئید خیر حتماً تو باید سالی آنقدر بدهی خیر میکوبد مالیات بر عایدات را من قبول دارم مطابق مقررات در آن دفتر منظمی که تو بمن میدهی من مطابق معمول مالیات بتو میدهم پس از تجار و اصناف هم يك عده هستند که اگر دولت يك دفتر منظمی بآنها بدهد وارد کنند و از عایداتشان هم بدولت مالیات بدهند هیچ حرفی هم ندارند یکی هم راجع بوکلای عدلیه وقتیکه خود آقای وزیر عدلیه دفتری برای آنها تنظیم کرده اید و سه تا دفتر بآنها میدهند تا آنها مطابق نظامنامه وزارت عدلیه هر وکیل باید آن کثرتانی را که با موکل خودش می بندد يك سند در دوسیه عدلیه بگذارد یکی هم پیش موکلش یکی هم پیش خودش آنوقت این تقسیم بندی که وکیل درجه اول و دوم و سوم صد و بیست تومان این بدهد شصت تومان او بدهد یعنی چه خوب ممکن است شما از روی عایداتش مطابق نظامنامه مالیات بگیرد و اغلب وکلای عدلیه که در طهران که مرکز مهم مملکت است استفاده می کنند یکی دو ناسه چهار تا ما بتوانیم پیدا کنیم وقتی از اینها خارج شویم همه این يك معامله کردی و خوردی است کارهای روزانه است باید از صبح تا شام زحمت بکشند و پنجقران بگنومند دو تومان پیدا کنند بروند گذران کنند و این مالیات نسبت بوکلا باین ترتیب بعقیده بنده عادلانه نیست یکی در قسمت اطبا خوب شما اداره صحیه داربد حرف این نیست که يك طبیب مجازی بگوید من طبیب درجه اول هستم این اصلاً برای دولت بد است شما صحیه داربد دیپلم دارند تحصیلا نشان معلوم است اجازه را از صحیه میگیرند و صحیه آنها را طبیب درجه اول میکنند شما چطور مالیات آنها را درجه اول میدانید البته این را هم ممکن است اداره صحیه معلوم کند و طبیب درجه اول و دوم و سوم معین شود و نوعاً اطبا درجه

اول عوایدشان در تمام مملکت معلوم است يك تحمیلی بآنها بکنید و از عایداتشان يك چیزی بگیرید همه موافقت ضرری ندارد برای اینکه مالیات بر عایدات است ولي قسمت دیگر از اطبا همین طور گرفتارند بنده شما را میگردانم در طهران اغلب مردم و مرضائی که باطبا مراجعه میکنند هفته دو قران بطیب میدهند شما فکرتش را بکنید که اینها را مانع میشوید از طبابت چطور میشود وصول کرد؟ اینها يك قضایائی است که راجع باطبا باید تعدیل شود و رسیدگی شود و یکی هم در مسئله جریمه بقول خودتان که در فرا کسیون با خود هیئت دوات مذاکره میکردیم این قانون برای آزمایش است میخواهید آزمایش کنید به بینید مالیات بر عایدات را بچه ترتیب میشود وصول کرد و بعد هم در نظر دارید که مالیات بر عایدات را بمجلس بیاورید و این مواد گفته را که تنظیم کرده اید از بین ببرید بنابراین این نظری که خودتان اظهار میکردید این فرمایشی را که میکردید خودتان این منظور را دارید و آزمایش میخواهید بکنید این جریمی را که قائل شده اید يك بهانه دست مأمورین دولت و امنای مالیه داده اید که هر کس معلوم شد اظهارنامه اش بر خلاف است یا دیر جواز گرفت باید جریم بدهد آخر شما فکر کنید شما در تماس هستید با مردم شما خودتان اظهار میکنید که ما این عایدات را میخواهیم برای اینکه اقتصادیات مملکت را اصلاح کنیم برای اینکه ملت ثروتمند شوند برای اینکه مردم چیزدار شوند برای اینکه موفق شوید بيك اصلاحاتی این از قدم اول از مرحله اول ببخشید اعلان جنگی است که دولت میدهد بمردم و شما در اجرای این دچار محظور میشوید بنده بکلی مخالفم با این سه برابر جریمه بنده این را البته اگر در يك محکمه در جائی معلوم شود آن هم در يك محکمه قانونی نه کمیسیون وزارت مالیه اگر معلوم شد يك چیزی را که برای او مجوز شده بر خلاف او اظهار کرده خود او بدهد یا يك برابر و نیم بدهد دیگر سه برابر از کجا بدهد چرا

خارج کرده است فرض بفرمائید که بنده این جنسی را که اینجا در آورده ام هزار تومان فرض کنید دو مؤسسه است يك تجارخانه فروش دارد در خارج خود آن تجارخانه خارج البته يك منفعتی باید برایش حساب کرد يك مقدار هم در ایران خرج کرده است و در آن قسمت هم نفعی میرسد راجع بآن قسمت فروش و نفعی که باید ببرد در خارج او را باید بگذاریم کنار و بعد عایدات خاصی که باقی می ماند آن قسمتی است که ما باید عایدات خودمان حساب کنیم یعنی فوایدی که از حیث بدست آوردن محصول در ایران بدست آورده خوب البته در بعضی تجارنها یک قدری پیچیده تر می شود باید نشست و يك حسابهایی کرد و يك ترتیبی دارد این را در عمل بنده خیال نمیکنم اشکال بزرگی باشد و نتوانیم حل کنیم . راجع بمسئله طبقه بندی و اینها که فرمودید يك قدری اشکال دارد و ممکن است که پایه را بر عایدات قرار داد بنده متأسفانه نمیتوانم موافقت با نظر آقا بکنم برای این که اتفاقاً بنده در چند سال پیش در وقتیکه شرافت عضویت مجلس را داشتم و مخبر کمیسیون قوانین مالیه بودم و مالیات بر عایدات را بطور مفصل و مشروحی هم بود پیشنهاد کرده بودند اینجا در همانوقت بنده احساس کردم و استنباط کردم و بالاخره آمدند با بنده عده از آقایان تجار مذاکره کردند کاملاً نقطه مقابل عقیده آقا را دارند عقیده شان این است که طبقه بندی ولو اینکه يك معایبی هم داشته باشد این بهتر است از برایشان تا اینکه حساب روی عایدات بشود حالا اگر آقا در این طبقه بندی نظری داشته باشند عرض کردم نظر ها را نباید حالا بحث کرد بایستی پیشنهاد داد و بعد بیاید در کمیسیون و راجع باینکه بطور حق العمل کار میکنند یا بطور دلالی است آنرا هم همینطور که عرض کردم در ضمن مواد باید پیشنهاد داد و راجع بوکلای عدلیه که میفرمائید اینها يك عوایدی دارند که معلوم است اساساً اگر آقا شما آمدید و برید کار را روی عایدات در همه موارد خیلی دقیق خواستید بشوید آن تماس و زحمتی را که خیال

میکنید از برای عملی کردن قانون پیش خواهد آمد و دولت با مردم تماس زیاد پیدا میکند برای اینکه شما آنوقت مجبورید تناسب قائل شوید که از فلاقتدر عایدات باید فلاقتدر بدهد تا فلاقتدر فلاقتدر آنوقت بایستی که داخل شوید در جزئیات کار مردم ما اینطور نمیخواهیم ما میل نداریم که در زندگانی خصوصی و تجاری افراد مداخله کنیم حتی الامکان می بینید که بوجدان يك خودشان واگذار کرده ایم و ملاحظه میکنید که در این تذکری که کمیسیون داده بود و نگرانی که بنده دیدم در آقایان هست آنجا موافقت کردیم و بعضی از اقسام تنبیه را نوشته شده است در ماده که این قبیل تفصیلات نموده است که مردم بدانند ما نمیخواهیم محاسباتشان را دست بزنیم و تفقیص کنیم و از این بابته کاملاً خیالشان راحت باشد اگر بنا شد شما بخواهید واقعاً پایه مالیات را روی عایدات بگذارید و در تمام موارد هم بخواهید تناسب را قائل شوید و با تفقیص این عمل را از پیش ببرید آنوقت بنده تصور میکنم تمام مشکلاتی را که ایشان میگفتند در عمل پیش خواهد آمد و مشکل خیلی شدیدی که الان نیست ما این جا باطبا گفتیم که شما وقتیکه اظهار نامه میدهید عایدات خودتان را در نظر بگیرید اگر عایداتش کم است اگر در هفته چهار قران بقول آقا بهش میدهند خوب ضرورتی ندارد که بگوید من طبیب درجه اول هست میشود طبیب درجه سوم و میدهد سالی شش تومان يك مبلغ فوق العاده نمیدهد در قسمت وکلا و اطبا بنده عقیده ام این است که این جا هم بایستی بگویم چون يك سوء تفاهمی دارد ایجاد میشود آقا خیال می کنید که در درجه بندی ما از روی لیاقت یا از نقطه نظر معلومات و فضل است خیر آقا ما که روی فضل و معلومات عایدات نمی بندیم که بگوئیم مثلاً فلان آن دکتر است و تحصیلاتش خیلی عالی است این باید صد و بیست تومان بدهد ممکن است عایداتش کم باشد مالیات بر فضل نیست (افسر - بر نفع است) مالیات بر منافعی است که میبرند ممکن است بکنند از نقطه

نظر دیپلم طبیب درجه اول باشد و بکنند دیگر هم طبیب درجه سوم باشد و بالاخره عایدات آن طبیب درجه سوم بیشتر باشد تا آنکه درجه اول است الان در همین شهر پایتخت و مرکز (در ولایات هم هست) اطبایی هستند که سالهای سال تجربه دارند و طرف رجوع يك عده زیادی از مردم هستند و عایداتشان هم خیلی زیاد است ولی مشکل است برای بنده و آقا که بگوئیم درجه سوم هستند . این را بنده اینجا میگویم که خیال نکنید مثلاً درجه درجه علمی است و کلا هم همینطور کلا درجه بندی مخصوصی دارند و روی همان هم خواهد بود درجه اول هم ممکن است بشود از نقطه نظر عایداتش بل فقط در صلحیه حق داشته باشد . اینجا يك كلمه بفرمایند که فرمودند و حال آنکه می دانم که مقید هستند و وقتی صحبت می کنند طوری نباشد که زنده باشد خصوصاً وقتی که بنده ارادتمند هم مدافع هستم يك مرتبه گفتند مواد گزیده ' نه ' بنده قبول نمی کنم طهرانی - مواد را عرض نکردم عایدات را گفتیم و می توانم حتماً عرض کنم که شما هم وقتی که میفرمائید برای احترام مجلس و احترام قانون ممکن نیست گزیده باشد کسی که يك قانونی را يك دولتی میآورد بيك مجلسی از نقطه نظر احترام مجلس و احترام خودش ممکن نیست که در آن گزیده بداند (طهرانی - سوء تفاهم شد) و آقا البته قصد آن این نبوده است و باین معنی و این عبارت باشد .

جمعی از نمایندگان - کافی است .

آقا سید یعقوب - چه حرفی است . ماده باین بزرگی که رسید کافی است . مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده میخواهم توجه بدهم مجلس آقای وزیر عدلیه بکنند است و جواب همه را میخواهد بعد حلاله هم خسته شده است ولی تصدیق می فرمائید که

این يك مالیاتی است که تمام افراد مملکت در آن شریکند بنده برای اینکه مستحضر بشوید مالیاتها را تماماً در نظرتان می آورم عوایدی هم که در این مملکت دستشان است نظرات می آورم عده مالیات دهنده را هم در این مملکت در نظر آن می آورم فرمایشات آقای وزیر عدلیه را هم یکی یکی جواب بدهم آنوقت بگوئید مذاکرات کافی است . استدعا میکنم از اکثریت با بنده موافقت کنند يك یادداشتهایی آقای وزیر عدلیه در جواب مخالفین بیان کردند بنده هم یادداشتهایی کرده ام موافقت با بنده بکنید در کلیات عرایض را عرض کنم دیگر رأی با اکثریت است . . .

عده از نمایندگان - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اینجا بنده وجدان اکثریت را شاهد قرار میدهم و همینجور افراد مملکت را طبقات مردم را هم دخیله میدهم در نظر شما ها اولاً آقایان نمایندگان نگاه کنید عده مملکت ما چقدر است عده جمعیت ما از بندر پهلوی گرفته تا قصر شیرین از جلفا تا بهبهان عده جمعیت ما به بینیم چقدر است حالا ما بگوئیم چهل کروریم شوخی است مسلماً شوخی است سی کرور هم شوخی است آن عده که جغرافیا و دانایان معین کرده اند در حدود بیست کرور بیست و پنج کرور است (دکتر حسن خان - خیر هشت و نه است) هشت و نه حالا بنده چون خجالت میکشم بگویم مملکت ما آنقدر است این جور میگویم . این مملکت را آقا بیائید تقسیم کنید بعداً مالیات بده بچه های ما تا سن هفده سال هیجده سال که نباید مالیات بدهند پیر مرد ها هم که داخل در جمعیت ما نیستند آن اشخاصی که دارای يك امتیازاتی بوده اند که مالیات نمیدهند نباید قائل شویم عده مالیات بده مملکت ما چقدر است در حدود هراندازه بنده تحدیدش نمیکنم تعینش نمیکنم که ملتفت باشد چه لایحه ما گرفتارش هستیم و میخواهیم رأی بدهیم این يك مسئله مسئله دوم میفرمائید که

مملکت ایران مالیات نمیدهند این عده که در حدود هفت کرور یا هشت کرور بیشتر نیستند که باید مالیات بدهند الان بنده مدلل میکنم که صد کرور مالیات میدهند. آقای افسر به بنده حمله نکنید اگر مدلل نکردم صد کرور اینها مالیات میدهند اینهایی که آمدند مالیات وضع کردند ما خواب نیستیم بیداریم. اینجا بنده صورتش را بشما میدهم مالیات بر ارزاق گندم خرواری دوازده تومان ما خرواری بیست و چهار تومان پول بهش میدهم مالیات گمرک هشتصد هزار تومان بود حالا رسیده است بیه بیست و یک کرور این مالیات بیست و یک کرور بر که تخمیل میشود. غیر از بر بنده و جنابعالی و تمام افراد مملکت برکی تخمیل میشود مالیات بر مسکن عرض میکنم این مالیات بر مستغلات مالیات بر مسکن نیست مالیات بزراعت، کدام است؟ مالیات مستقیم مالیات جنسی مالیات بر زراعت نیست مالیات مراتع مالیات بر زراعت نیست مالیات بر لباس، لباسهایی که هست که داخل در همان مالیات است مالیات بر فضول عیش مثلا قلیان کشیدن چای خوردن سیگار کشیدن، اگر کسی عادت داشته باشد به ترابک خوردن، مالیات بر ترابک، مالیات بر دخانیات، مالیات بر قند و شکر و چای، مالیات بر گردش و راه رفتن آخر تو میخواهی سوار اسب شوی باید مالیات بدهی، چشم بنده خواستم بنظر اکثریت بیآورم که آقای وزیر عدلیه میفرماید این مملکت مالیات نمیدهد مدلل کنم که هفت کرور جمعیت با اینکه استخراج معدن برایشان نکرده اند حالا سر استخراج معدن که آن حملات سخت را به بیچاره آقای فیروز آبادی کردند آنرا هم بنده عرض میکنم با آنکه وسائل تحصیل عوائد بدستشان نداده اند چگونه؟ همان شخصی که زمان حضرت آدم بوده همان گاو هائی که در زمان کیومرث نشان ما داده اند بهمان میگویند باید زراعت کنید این ترتیب زراعتان این ترتیب صنایعمان کدام وقت دولت تشویق کرده است یک کارخانه مگر آقایان آذر باجانی در روزنامه نخواندید کبریت آذربایجان موقوف شد کجا دولت مساعدت کرد

کلاب بود راپرت مستر بونه هم بود يك دفعه دیدیم يك منحه تاریخ ایران بکلی از بین رفت (با حرارت) مسئله آن نوب کفی چطور شد این ترتیبات چه شد. آن مارتن کجا رفت راپرت مستر بونه چه شد؟ این تفصیلی که راجع باینها بود چه شد؟ این دولت در دوره هفتم هیچ صحبت در این باب کردند آقای وزیر عدلیه میفرمایند که مادر پرگرام و بودجه مان این را قرار دادیم مگر آقا بودجه هائی که سابق میآوردند اینجا ششصد هزار تومان مقتصد هزار تومان تشخیص دادند کدام يك از اینها موقع عمل آمد. اینکه آقای طلوع یا آقای فیروز آبادی میفرمایند این که وقتی که ما دیدیم دولت يك قدم بر دارد ما سه قدم نسبت باو میرویم. مکرر بنده این موضوع را همیشه گفته ام آن چیزی که در دست دولت است سه چیز است تأمین حفظ الصحة و معارف تأمین مسافرتی کاملاً داریم در تحت سر نیزه قشون ما بحمد الله تأمین هست اما در تأمین قضائی هنوز خود آقای وزیر عدلیه هم تصدیق میکنند که موفق نشده است بسط فکر تأمین قضائی را آقا در لنگرود فرمودند ایالت فارس را در جغرافی نگاه کنید يك ایالت سراسر چهل و هشت منزل خاک دارد به بینید چند جاش شعبه نظمیه دارد چند جاش عدلیه دارد چند جا نماینده صحیه دارد چند جا پست امنیه دارد. بنده آقا ان دیگر را که وکلای ایالت هستند مسلم فرقی نمیکند خراسان و فارس و آذربایجان همه جا در نظرم یکی است منتهی فارس بهتر نظرم هست گرچه من تشکر میکنم نماینده های خراسان بن آقای افسر بنده میدانم چه قدر زحمت کشیده است تأسیس مؤسسات کرده است شهد الله ملک خراسان بد قدر دانی کند از زحمتشان ولی بنده موفق شده ام توانسته ام این نیاخت فارس است امسال بعد از

رفتن این امیر لشکر و توجه کردن و بر داشتن و خلع اسلحه کردن امنیت طریقی هست اما کجا تشکیلات قضائی درش داده اند و همینطور امنیت هائی که بتوسط امنیه و نظمیه میدهند. این مسئله اول مسئله دوم معارف است خیلی خجالت میکشم در این صورت تشکیلات معارفی که امروز در روزنامهجات منتشر شده است آقایان نگاه کنید آن معارفی که ما زحمت میکشیم و میخواهیم ملت در تحت این معارف ترقی بکنند این کودتا چیست که در آورده اند دانایانی که بوده اند چنان کودتا کرده اند و سنگ قلاب کرده اند انداخته اند اینها را که بروند آن دنیا این تشکیلات معارف است گرچه اساساً بنده يك اعتقادی دارم که تشکیلات معارف ایران باید مثل تشکیلات اساس معارف انگلیس یا آلمان باشد یعنی از آن وتیره که اتکالی بنفس باشد تحصیلات بطوری باشد که آلهائی که از تحصیلات فارغ هستند توجه بوزارتخانه نداشته باشند استقلال ذاتی پیدا کنند دارای عزم ثابت شوند اما این تشکیلی که شده است خراب کرده است نه اینکه خواسته است این را بهم بزند اصل اساس تشکیلات معارف خراب کرده است عرض کنم وقتی که آمد و این مدیرها و این ادارات و این اشخاص مستحضر شوند آنها را بهم ریختند اساس تأسیس دولت و توجه دولت این سه چیز است بعد از آنکه این سه چیز واقع شد ملت خودش تعقیب میکند و تاریخ هم بما نشان میدهد که هر وقت ملت ایران دارای این سه اصل بوده است همیشه کنتی رانی داشته اند در آن موقعی که کشتی رانی توسط باد بوده است و بان ترتیب بوده است همیشه ایرانیها متفرق در بلاد دنیا بوده اند همیشه در نقاط دیگر دنیا دارای تجارتخانهها و شرکت ها بوده اند چنانچه الان در لندن در آمریکا در جای دیگر است. چرا بعلمت اینکه طبیعت ملت ایران يك طبیعتی است دنیا گرد و لازمه طبع دنیا گرد این است که بروند عقب ثروت وقتی که این سه اصل محقق شد برای ملت مات ترقی میکند بنده عرض میکنم تها زحمت

که این کارخانه کبریت که آن بد بخت ها در آذر باجیان ایجاد کردند کمک بکنند کجا دولت مساعدت کرد که آن کارخانه که حاج رحیم آقای قزوینی آورده است تشویق کند کجا يك شرکتی يك امتیازی يك تشویقی کرده است که ما بگوئیم عواید بدستشان داده ایم و حالا باید مالیات بدهند صد کرور مالیات میدهم آنوقت به آقای فیروز آبادی میگوئید شما میگوئید چطور شیر بی دم و سر و اشک که دید شما می خواهید راه آهن داشته باشید همدچیز داشته باشید اما مالیات ندهید کی فیروز آبادی گفت مالیات ندهند صد کرور مالیات میدهم در مقابل این صد کرور مالیات آن چیزی که اینجا برای ما وسائل حرکت بدهد و ببرد بسعادت ثروتی آن چه چیز است (زوار - همه چیز) آقای زوار از دولت و وزراء که نیستند جواب نمینخواهد بدهید (خنده نمایندگان) آن چیزی که میبرد مارا رو بثروت او چه چیز است؟ آن کسی که مارا رو بسعادت صنعتی و تجارتی تشویق و تحریص بکند آن چه چیز است؟ این يك مسئله را که بحضور آقایان عرض کردم اما مسئله معادن حالا خوب در نظر آقایان میآورد که خدای احد واحد شاهد است که غیر از خیر مملکت و علاقه بسعادت دولت اسلامی هیچ مقصودی نداشته و نداریم خیلی هم خوشحال هستیم که سر این عقیده بودیم شویم (فیروز آبادی - صحیح است) مگر آقایان نظر نمیکنند که مستر بونه و مستر کلاب آمدند اینجا و راپرت نسبت بمعادن ما دادند از قبیل معدن آهن معدن مس معدن سرب معدن ذغال سنگ معادنی که در ایران یافت نمیشد. کدام يك از این راپرتها برداشتنده و رفتن کردند تا اینکه ملت بداند که چه ثروت خدادادی در زیر این خاک است هیچ صحبتی از این شده است عشق سر شاری بيك میل وافری آمدیم و آن متخصص آهن ذوب کفی که مارتن باشد آورده اینجا و خواندید چه قدر خوب نوشته بود آن بیچاره روزنامه ستاره جهان که کارخانه آهن ذوب کنتی يك شرکتی را از گرسنگی نجات میدهد. این آمد این راپرت

مملکت ایران مالیات نمیدهند این عده که در حدود هفت کرور یا هشت کرور بیشتر نیستند که باید مالیات بدهند الان بنده مدلل میکنم که صد کرور مالیات میدهند. آقای افسر به بنده حمله نکند اگر مدلل نکردم صد کرور اینها مالیات میدهند اینهایی که آمدند مالیات وضع کردند ما خواب نیستیم بیداریم. اینجا بنده صورترش را بشما میدهم مالیات بر ارزاق گندم خرواری دوازده تومان ما خرواری بیست و چهار تومان پول بهش میدهم مالیات گمرک هشتصد هزار تومان بود حالا رسیده است بیه بیست و یک کرور این مالیات بیست و یک کرور بر که تحمیل میشود. غیر از بر بنده و جنابعالی و تمام افراد مملکت برکی تحمیل میشود مالیات بر مسکن عرض میکنم این مالیات بر مستغلات مالیات بر مسکن نیست مالیات بزراعت، کدام است؟ مالیات مستقیم مالیات جنسی مالیات بر زراعت نیست مالیات مراتع مالیات بر زراعت نیست مالیات بر لباس، لباسهایی که هست که داخل در همان مالیات است مالیات بر فضول عیش مثلا قلیان کشیدن چای خوردن سیکار کشیدن، اگر کسی عادت داشته باشد به تریاک خوردن، مالیات بر تریاک، مالیات بر دخانیات، مالیات بر قند و شکر و چای، مالیات بر گردش و راه رفتن آخر تو میخواهی سوار اسب شوی باید مالیات بدهی، چشم بنده خواستم بنظر اکثریت بیآورم که آقای وزیر عدلیه میفرماید این مملکت مالیات نمیدهد مدلل کنم که هفت کرور جمعیت با اینکه استخراج معدن برایشان نکرده اند حالا سر استخراج معدن که آن حملات سخت را به بیچاره آقای فیروز آبادی کردند آنرا هم بنده عرض میکنم با آنکه وسائل تحصیل عوائد بدستشان نداده اند چطور؟ همان شخصی که زمان حضرت آدم بوده همان گاو هائی که در زمان کیومرث نشان ما داده اند بهمان میگویند باید زراعت کنید این ترتیب زراعتان این ترتیب صنایعمان کدام وقت دولت تشویق کرده است یک کارخانه مگر آقایان آذر بايجانی در روزنامه نخواندید کبریت آذربایجان موقوف شد کجا دولت مساعدت کرد

کلاب بود راپرت مستر بونه هم بود يك دفعه دیدیم يك صفحه تاریخ ایران بکلی از بین رفت (با حرارت) مسئله آن ذوب کفی چطور شد این ترتیبات چه شد. آن مارن کجا رفت راپرت مستر بونه چه شد؟ این تفصیلی که راجع باینها بود چه شد؟ این دولت در دوره هفتم هیچ صحبت در این باب کردند آقای وزیر عدلیه میفرماید که مادر پرگرام و بودجه مان این را قرار دادیم مگر آقا بودجه هائی که سابق میآوردند اینجا ششصد هزار تومان هفتصد هزار تومان تشخیص دادند کدام يك از اینها بموقع عمل آمد. اینکه آقای طلوع یا آقای فیروز آبادی میفرمایند این که وقتی که ما دیدیم دولت يك قدم دارد ما سه قدم نسبت باو میرویم. مکرر بنده این موضوع را همیشه گفته ام آن چیزی که در دست دولت است سه چیز است تامین حفظ الصحه و معارف تامین سفرتی کاملاً داریم در تحت سر نیزه قشون ما بحمدالله همین هست اما در تامین قضائی هنوز خود آقای وزیر عدلیه هم تصدیق میکنند که موفق نشده است بسط فکر همین قضائی را آقا در لنگرود فرمودند ایالت فارس را در جغرافی نگاه کنید يك ایالت سراسر چهل و هشت منزل خاک دارد به بینید چند جاش شعبه نظمیه دارد چند جاش عدلیه دارد چند جا نماینده صحنه دارد چند جا پست امنیه دارد. بنده آقایان دیگر را که وکلای ایالت هستند مسلم فرقی نمیکند خراسان و فارس و آذربایجان همه جا در نظرم یکی است منتهی فارس بهتر نظرم هست گرچه من تشکر میکنم نماینده های خراسان بیشتر از ماها موفق شده اند که خدمت کنند بوطنشان این آقای افسر بنده میدانم چقدر زحمت کشیده است تأسیس مؤسسات کرده است شهد الله ملک خراسان قدر دانی کند از زحماتش ولی بنده موفق کدام نتوانسته ام این ایالت فارس است امسال بعد از

رفتن این امیر لشکر و توجه کردن و بر داشتن و خلع اسلحه کردن امنیت طریقی هست اما کجا تشکیلات قضائی درش داده اند و همینطور امنیت هائی که بتوسط امنیه و نظمیه میدهند. این مسئله اول مسئله دوم معارف است خیلی خجالت میکنم در این صورت تشکیلات معارفی که امروز در روزنامهجات منتشر شده است آقایان نگاه کنید آن معارفی که ما زحمت میکنیم و میخواهیم ملت در تحت این معارف ترقی بکند این کودتا چیست که در آورده اند دانایانی که بوده اند چنان کودتا کرده اند و سنگ قلاب کرده اند انداخته اند اینها را که بروند آن دنیا این تشکیلات معارف است گرچه اساساً بنده يك اعتقادی دارم که تشکیلات معارف ایران باید مثل تشکیلات اساس معارف انگلیس یا آلمان باشد یعنی از آن و تیره که اتکالی بنفس باشد تحصیلات بطوری باشد که آنهاست که از تحصیلات فارغ هستند توجه بوزارتخانه نداشته باشند استقلال ذاتی پیدا کنند دارای عزم ثابت شوند اما این تشکیلی که شده است خراب کرده است نه اینکه خواسته است این را بهم بزند اصل اساس تشکیلات معارف را خراب کرده است عرض کنم وقتی که آمد و این مدیرها و این ادارات و این اشخاص مستحضر شوند آنها را بهم بچینند اساس تأسیس دولت و توجه دولت این سه چیز است بعد از آنکه این سه چیز واقع شد ملت خودش تعقیب میکند و تاریخ هم بما نشان میدهد که هر وقت ملت ایران دارای این سه اصل بوده است همیشه کشتی رانی داشته اند در آن موقعی که کشتی رانی توسط باد بوده است و بان ترتیب بوده است همیشه ایرانها متفرق در بلاد دنیا بوده اند همیشه در نقاط دیگر دنیا دارای تجارتخانه و شرکت ها بوده اند چنانچه الان در لندن در آمریکا در جای دیگر است. چرا بملت اینکه طبیعت ملت ایران يك طبیعتی است دنیا گردد و لازمه طایع دنیا گردد این است که بروند عقب ثروت وقتی که این سه اصل محقق شد برای ملت مات ترقی میکند بنده عرض میکنم تمام زحمات

شما نسبت بان سه اصل باشد شما برای آن سه اصل قدم بردارید و این اندازه که مالیات میدهیم برای این سه اصل است شما این مالیاتی که الان میگیرید (خطاب به وزیر عدلیه - حیف که تشریف نداشتید) صد کرور صد و بیست کرور مالیات است کفایت این سه اصل را نمی کند! شما این صد و بیست کرور را بردارید و این اصل اساسی را ترتیب بدهید که مملکت را ترقی میدهد وقتی که ما دیدیم بیل را از دست مردم گرفتید و عوضش تراکتور دادید وقتی که دیدیم دولت کارخانه تبریز را که خراب شده است و یک شخص ایرانی آورده است آنرا تشویق کرده است و فلان شرکتی را که تأسیس شده است دولت او را تشویق کرده و تقویت کرده فلان فرد ملت که امتیاز گرفته است امتیاز او را محترم شمرده است او را دولت تقویت کرده است مسلماً آنوقت میدانیم که امروز دولت کاملاً متوجه اقتصادیات است آنوقت هر مالیاتی که بیاورید با سلام و صلوات رأی میدهیم اما وقتی که این سه اصل متزلزل است تصدیق بفرمائید که از روی میل رأی داده نمیشود (بنده خودم را عرض نمیکنم) این است که این لایحه خرج است باید ورقه بدهیم ورقه سفید است با قیام و قعود نیست ورقه باید بدهید آنوقت این ورقه که در بیاوریم با اعتماد دولت آنوقت بنده عرض خواهم کرد یک اصل دیگر اصل اساس تمام افتخارات دوره های پارلمان این بود که مالیات اضافی که در سابق بود و آن مالیات قدیم بود ما آن مالیات را بهمزدیم حالا دومرتبه مالیات اصناف باین اسم آمده است خواستم بدانم بعد از آن که در مقام عمل آمد چه ترتیب و چه شکل می شود اینهم یکی از چیزهایی که کاملاً محل نظر است یک تربیتی که آقایان کردند خوب است این مسئله را دولت در نظر بگیرد ببیند که عواید را یعنی آن کسانی که تحمیل بر دیگران هستند در تمییز در زندگانی خودشان تحمیل بر دیگران هستند آن کسانی که استفاده های کلی

میبند غیر از این مالیاتی که عرض کردم صورتش خیر وحشتناک است یک ملت هفت کرور اینهمه مالیات میدهد حقیقه وحشتناک است این هم چون آقای وزیر عدلیه بودند میفرمایند من نمیدانم چه چیز است این صورت را بنده نوشته ام میدهم خدمتشان آنوقت می دهند برای اینها یک مالیاتی معین کنند بنده کاملاً موافقم اما اینطور و باینصورت قدم برداشتن بالاخره خیر سخت است
 وزیر عدلیه - بنده نمیخواهم در این موقع که زن تنک است و چون آقایان هر کدام یک اظهاراتی کرده و بنده هم یک جوابهایی دادم در اینموقع هم که شروع کردند بفرمایش بنده نبودم اینجا و اطلاع ندارم از اینکه چه گفتند ولی بروم هر وقت میتوانم تصور کنم که یک مسائلی بوده است در ردیف همان مسائلی که آقایان دیگر فرمودند و بنده هم جواب داده ام و بنا بر این دیگر جواب میدهم و بالاخره راجع باینکه در موقع وضع کردن یک مالیاتی این موضوع ها را آوردن داخل در یک لایحه مالیاتی بنظر بنده اینقدر مربوط نمیدانم بالاخره اگر اکثریت مجلس با این لایحه موافق است رأی خواهد داد و اگر موافق نیست البته رأی نخواهد داد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 رئیس - کافی است؟ (بلی) آقایانی که موافق بودید در شور مواد هستند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:
 ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون مالیاتهای قبلی بمیزان و ترتیبی که در مواد آتی ذکر میشود مأخوذ خواهد شد
 رئیس - آقای فهیمی
 فهیمی - موضوع ماده اول این لایحه در حقیقت راجع بتمام مواد است و بالاخره این مسئله وضع مالیات بر عایدات یکی از مسائلی است که بنده همیشه طرفدار

م و منظر بودم ام که یک روزی مالیات مستقیم این مملکت صورت وضع مالیات بر عایدات بگیرد عوائد یک ما هم برخلاف آنچه بعضی از آقایان مذاکره بودند آقای فیروز آبادی آقای طلوع برای احتیاجات مملکت کافی نیست یعنی احتیاجات ما هنوز کامل نیست منظوریکه باید باشد نیست تشکیلات مملکتی مافوق العاده است. ما در سال شاید قریب دو میلیارد بودیم بودیم میکنیم اما همه آقایان تصدیق میفرمایند که روز تشکیلات نظمی ما در ولایات کامل نیست عدو ان غیر کافی حقوقشان غیر کافی باید توسعه پیدا کند کیلات عدلیه هنوز کافی نیست خیلی باید زیادتر بود و همینطور سایر تشکیلات دیگر. مخارج این کیلات را هم البته اهالی مملکت باید بدهند کسی دیگر که خارج نباید بیاید تک برای تشکیلات مملکت ما بکنند تک اهالی فرع استفاده ایست که از تشکیلات مملکت میکنند و استفاده اینها از تشکیلات مملکت انتفاع و عوائدی است که سالیانه از کار خودشان میکنند پس تک اهالی به تشکیلات مملکت باید به عوائدی باشد که از آن مؤسسات میبرند بهمین سبب هم هست که همیشه مالیات مستقیم را بر روی افراد اشخاص قرار داده اند وقتی که این اصل را ما میبینیم باید ببینیم که برای وضع مالیات ملاحظاتی را باید در نظر بگیریم یکی اینست که بیست طوری وضع شود که هیچوقت سرمایه را از دست نبرد مالیات نباید طوری باشد که سرمایه خشک کند بجهت اینکه ثروت پول در مملکت یا دست اشخاص است یا در دست دولت. در دست اشخاص بصرف از زیاد منابع ثروت عمل فلاح و تجارت صنایع میرسد در دست دولت برای تشکیلات و احتیاجات مملکتی است پس اگر مالیات بی اندازه یعنی از اندازه استعداد اشخاص وضع بشود مثل یک خانه ایست که اعتبارات خرید مواد اولیه و اجزا اشخاص را بصرف از زیاد مهندس و مدبر برساند در

حقیقت سرمایه اصلی و آن استفاده را که منظور است از کار بردار نباید از نظر دور کرد در مالیات هم باید همین موضوع را در نظر داشت و بعلاوه پیش بینی باید کرد طرز سهولتی را که برای وصول مالیات و برای تشخیص مالیات باید در دست گرفت که باصطلاح و بعبارة اخری مزاحمت و اختلاف عقیده مابین مؤدی مالیات و مأمور وصول مالیات کمتر بشود. آقای وزیر عدلیه در جواب فرمایشات آقای فیروز آبادی فرمودند که ما البته یک مسائلی را باید حتی الامکان تقلید بکنیم که کسانی که مطلب را کاملاً تجربه کرده اند عمل کرده اند و کاملاً معایبش را ملتفت شده اند ما هم از آنها اقتباس کنیم البته این اقتباس نه این است که عیناً کلمه بکلمه کپی بکنیم آن چیزی را که آنها کرده اند یعنی عملیات آنها را سر مشق قرار بدهیم برای کار خودمان و مطابقه کنیم با مقتضیات مملکت خودمان این مسئله مالیات بر عایدات یکی از آن مسائلی است که این نکته حقیقه باید در اینجا ملاحظه بشود مالیات بر عایدات را بوضعی که فعلاً از زمان بعد از جنگ باینطرف تقریباً یک صورت واحدی که در نظر گرفته اند و مالیات میگیرند این است که عوائد را بچند طبقه مختلف تقسیم میکنند و عوائد خالص هم یک مالیاتی وضع میکنند نه بصورت تصاعدی بصورت تناسبی یک مالیات تصاعدی ثانوی وضع میکنند که آن چیز دیگری است ملاحظه ای که در این امر هست که تصاعدی نمیکند این است که اولاً یکی از اشکالات بزرگ در این امر این است ماهورینی که در اجرا (تصدیق میفرمائید) برای تعیین تفاوت یک درجه بیک درجه دیگر داخل است خود این یک اسباب زحمت فوق العاده است بنده این اشکالات را عرض میکنم برای همین است که چون اول عرض کردم همیشه آرزومند بوده ام که مالیات بر عایدات باین شکل بر قرار شود و البته بنده خیلی مایل هستم که این آرزوی بنده عملی بشود و بموقع اجرا گذاشته شود و به محظورات بر نخورد این است که این عرایض

را برای تذکر خاطر آقای وزیر عدلیه عرض می کنم بنده عقیده ام این بود که در اولین وهله که ما مالیات بر عایدات وضع میکنیم شکل تصاعدی نباشد بشکل تناسبی واحدی باشد مثلاً میفرمائید تا صد هزار تومان فلاقتدر و تا صد هزار و یک تومان فلاقتدر حالا تشخیص مابین صد هزار تومان و صد هزار یک تومان مابین مالیات بده و مالیات بگیر خودش ملاحظه بفرمائید که چقدر اسباب زحمت خواهد شد که او بگوید من صد هزار تومانی هستم او بگوید نیستم اگر این اختلاف نباشد البته بد نیست و این اختلاف البته در تمام طبقات می شود بخصوص تصدیق بفرمائید که هنوز در ادارات مالیه ما اشخاصی که کاملاً آشنا بوضعیات مالیات باشند نداریم باید متدرجاً تهیه کنیم ما باید فرض بکنیم که در عمل اشکالی پیش نیاید که از پیشرفت این کار خوب جلوگیری بکند شاهد مثال هم قانون انحصار تریاک در موقعی که میگذشت اشکالاتی بنظر آقایان رسیده بود بوزارت مالیه هم اظهار کردند خوبست همه آن ملاحظات را پیش بینی بکنیم که بزحمت نیفتیم ولی موافقت نکردند و دیدند که چقدر ضرر و زحمت هم از برای مردم و هم از برای دولت ایجاد شد که سه ماه چهار ماه است فکر تغییر آن صورت مالیات انحصار را دارند. بنده میخواهم در این موضوع این شکل را اگر دولت این مالیات را بخواهد از صورت تصاعدی بصورت تناسبی در بیاورد این مقدمه و وسیله خواهد شد که بتوانند متدرجاً از برای یک مدتی یک احصائیه صحیحی از منابع عایدی تحصیل کنند (ضیاء - توضیح زیاد تری بدهید) بدون اینکه زحمات زیادی داشته باشند مقصود بنده این است که اینکه درجه بندی کرده اند لازم نیست. بگوئید از عایدات خالص از فلان حد که تجاوز کرد صدی فلان گرفته می شود یک میزان ثابت برای کلیه در نظر بگیرید چون در عایدات بهمان دلیلی که اول عرض کردم اول باید حد اقل معیشت را معین کرد بعد از آن حد که تجاوز کرد یک دست کرد که دیگر مأمورین وظیفه نداشته باشند

بلاخره مالیات باید حتی الامکان سهل الوصول باشد مالیات را بر هر طبقه یا طبیب یا وکیل میگذارید باید سهل الوصول باشد مثلاً در فروش معین کرده اند پنج هزار تومان با چقدر اینجا بکفداری در تناسب بی انصافی کرده اند آیا تصور نمی فرمائید که ممکن است یک تاجری مطابق دفاتر خودش پنجاه هزار تومان تا صد هزار تومان فروش داشته باشد ولی وقتی باصل معامله رسیدگی کنیم می بینیم که از سرمایه هم ضرر کرده است. ممکن است بگویند ولی یک تاجر پنجاه هزار تومان ممکن است فایده برده اند و بعلاوه یک تاجر ممکن است با پنجاه هزار تومان سرمایه در عرض سال یکمرتبه معامله نکند و یک تاجر بگویند ممکن است در عرض سال پانزده هزار تومان بیست هزار تومان معامله بکند اینجا البته با همدیگر تفاوت دارند یک طبقه را در این جمع از سرمایه و منافع هر دو مالیات گرفته ایم و یک طبقه را از عایدی تنها و شاید یک طبقه دیگر را هم فوق العاده با آنها مساعدت کرده ایم این است که بنده نظرم بطور کلی بود برای اینکه دولت در این دوره موفق بشود بوضع مالیات بر عایدات غرضش این است که اساس این مالیات را بر روی عایدات خالص بگذارد ثانیاً طرز تصاعدی نباشد میزان واحد معینی قرار ندهد که پس از وضع یک میزان اقلی برای امرار معیشت این مالیات بدهند و بایستی یک میزان ثابتی برای همه برقرار بکنند یک شرایط سهلتری هم برای تخمین و تفاوت مابین عایدات خالص و عایدات کلی داشته باشد اینجا هم ملاحظه مردم شده است و هم دعوت آنها است برای شرکت در مخارج دولت و هم برای اجرا کار مأمورین دولت سهلتر میشود شاید بفرمائید که عایدات را ما بچه وسیله تشخیص بدهیم ما میخواهیم حتی الامکان تراحم و مساعدت کتر داشته باشیم با مالیات دهندگان اگر چه برای این کار هم یک احوال و شرایطی هست اما عرض میکنم آن برای تعیین تخمین میزان فروش چه شرایطی مقرر بدارند. با مسامحه است یا همراهی است یا هر چه هست اینجا مقید کرده اند بدانند اظهار نامه همان اظهار نامه

را هم برای عایدی هم ممکن است قرار دهند. برای اظهار نامه که برای فروش میدهند چه اقداماتی دولت میکنند که آیا صحیح است یا نیست همان کاری را که عجله در نظر گرفته اند برای دادن مالیات هم همان نظر را بگیرند. مسلماً اگر این کار را بکفداری با متانت و عاقلانه تر و از روی دقت عمل کنند یکی از منابعی است که عایدات بسیار کافی بدولت خواهد داد بدون اینکه یک فشارهای زیادی بمردم وارد بیاید. البته بمردم تحمیل خواهد شد مالیات باید بدهند ولی باید بدانند که این مالیاتی که بیک نسبت معینی از عایدات آنها گرفته میشود و برای شرکتی که حتماً باید در مخارج بکنند مالیات باید بدهند اگر مردم بگویند که البته مملکت معارف میخواهد نظمیه میخواهد عدلیه میخواهد اما پولش را ما میخواهیم بدهیم این حرف نا حسابی است و البته مسموع نیست ولی البته طوری هم نباید باشد که بیش از اندازه استعداد بمردم تحمیل بشود و بهترین وسیله برای تعیین استعداد برای مالیات البته عوایدی است که دارند یک آدمی که هیچ چیز ندارد نه او از مملکت هیچ استفاده میکند نه مملکت از او کاری هم ندارد اما بنده که احتیاج دارم بتمام مؤسسات این مملکت بیشتر باید پول بدهم البته باید کمک بکنم و هر قدر احتیاج بنده زیاد تر است بیشتر باید کمک بکنم زیاد بودن احتیاج هم فرع بر این است که بنده دارایی ملک باشم دارای علاقه باشم دارای ثروت باشم دارای تجارت باشم آنوقت احتیاجم هم به امنیت راه ها به نظمیه بامنیت شهرها بعدلیه به همه چیز زیاد تر است و باید کمک بکنم پس از این حیث برای هیچکس نباید نگرانی باشد ممتنها این است که در اجرا بمناسبت اینکه ما هنوز اشخاص کافی و مطلع به اصول این قبیل مالیاتها نداریم حتی تصدیق بفرمائید که در وزارت مالیه ما هنوز اشخاصی را نداریم که کاملاً آشنا باشند باین قبیل مالیاتها بنده میدانم که خود آقای وزیر مالیه و آقای وزیر عدلیه و شاید آقای وزیر دربار و دیگران شهد الله زحماتی در تدوین لایحه کشیده اند و هیچ کمک دیگری از ادارات نشده باشد

مأمور نباشند به ببینند این شخص درجه اول می شود درجه دوم می شود درجه سوم میشود چون این یک موضوع اختلافی است مابین مأمورین و مودیان مالیاتی هر وقت در ابتدا اختلافی کمتر باشد البته قانون بهتر اجرا خواهد شد. دیگر آنکه برای تشخیص آن مواد متعلق بهمانها و طرز رسیدگی موادی تهیه کرد و یک ترتیب دیگری در نظر گرفت تنها کافی نیست که بزور مجازات جریمه بخواهیم یا اصولی را منظم بکنیم اساساً تصمیمات اداری و جریمه های اداری باید طوری باشد که خود آنها تا یک حد زیادی باقی بماند باشد و انبیا اسباب اشتباه کاری بشویم اگر ما بدانیم که ناچاره بیچاره را تشخیص خواهند داد اشکالی ندارد اگر بگوئیم فقط اظهار نامه بدهند بدون اینکه دولت و مأمورین حتماً را داشته باشند که کترین ابرادی بگیرند این وضع مالیات نخواهد شد. البته هیچکس راضی نخواهد شد که تعیین زیادی بر او بشود و اگر بگوئیم خیر دولت حق دارد برود همه قسم تحقیق و تفقیص بکند اینجا هم اسباب زحمت تولید می شود پس باید این اصل را پیش برد کرد یا مثلاً در یک جای دیگر برای تعیین عایدات خالص میفرمائید که نوشته شده است پس از وضع مخارج که برای حصول آن عایدی شده است بعقیده بنده باید در قانون معین کرد که تا چقدر است زیرا برای مخارج حتمی آن عایدی ممکن است یک صورتی بدهند که یک چیز هم باید دستی داد پس باید معلوم شود که چه عوایدی را باید موضوع کرد و عایدات خالص قرار داد و از آن گذشته در اینجا ملاحظه بفرمائید یکجا مالیات بر عایدات است برای یکجابر فروش و یکجابر سرمایه. برای یک طبقه یک شکل است و برای طبقه دیگر شکل دیگر است که این لایحه را دولت تنظیم میکنند یک صورت منظم تری باین بدهد که در عمل هم مأمورین ملزم نباشند که هر کدام بروند و بیک رشته تعقیب کنند با بدانند آدم با نبودن اشخاصی که متخصص در جریان این امور باشند ما کار خودمان را هر قدر سهلتر بکنیم بهتر است

و البته در يك همچو لواجی محتاج باین است كه يك مطالعه كاملی در تمام وضعیات مملكت در تجارت مملكت در اصناف و تجار مملكت کرده باشند و از این گذشته يك نکته دیگری كه میخواهم عرض كنم اینست كه تفاوت بین تجار و اصناف هم در اینجا لازم نخواهد بود وقتی كه شما بنویسید عواید خالص تفاوتی كه يكدسته را تاجر بگوئیم و يكدسته را اصناف بگوئیم اینهم از بین میروند غرض عرض بنده اینست كه بهر شكل كه هست حتی الامكان این اختلاف طبقات را چه از حیث طبقات و چه از حیث تصاعد و چه از حیث طبقات مختلف هر قدر بتوانیم كمتر كنیم برای اجرای مقصود و برای پیشرفت عمل سهلتر خواهد بود امیدوارم كه برای شور دوم دقت بفرمایند عرایض بنده را شاید بعضی از اینها را مورد قبول قرار بدهند و طوری بكنیم كه در ابتدای امر برای اجرای این قانون بيك محظوراتی بر نخوریم و مثل مسئله انحصار نشود.

وزیر عدلیه - از نقطه نظر هر حسابی كه بكنیم مالیات تصاعدی نسبت به مالیات تناسی بهتر است وقتی بنامند بنده پنجاه تومان دارم شما می توانید بگوئید كه از این پنجاه تومان صد نيمش را بده بجهت اینکه این مبلغ زیادی نیست و از برای معیشت خودت این مقدار كفايت مي كند ولي وقتی بنامند بنده آن هزار تومان دوم را پیدا كردم و بعد هزار تومان دهم را پیدا كردم این را بچه خرجهایی میزنم ؟ بخرجهایی كه دیگر آن ضرورت را ندارد پس بنا بر این از آن هزار تومانهای بعد برای اینکه بصارف خیلی ضروري نيمرسد و بآن این اندازه ها احتیاج نیست باید از آن مالیات بیشتری گرفت و روی این اصل بوده است كه این كار را کرده اند و انصافاً خیلی سهلتر هم هست هیچوقت اشكال بین مؤدی مالیات و مالیه در سر این پیدا نمی شود در سر میزان عایدات پیدا می شود اگر میزان عایدات را هر دو با هم توافق کردند آنوقت حسابش يك حساب

ساده است و اشكالی ندارد بنده بقدری مطالب را واضح میدانم كه گمان می كنم يك سوء تفاهمی شده است كه نماینده محترم این سوال را کرده اند و برای جلوگیری از اختلاف بین مأمور مالیه و مؤدی مالیات و همه اینها آمده اند این راه را پیدا کرده اند در صورتی كه اختلاف من با مالیه سر این است كه من آبا صد هزار تومان عایدی دارم با جبر و اینکه این صد هزار تومان را چه جور باید مالیاتش را حساب كرد این حسابی كه هر محاسب كم اطلاعی هم میتواند حساب كند . عرض كم راجع به مخارج وصول عایدات این ممكن است آقا يك پیشنهادی بفرمایند اگر يك تریبی بهتر ازین ترتیبی كه ما در نظر گرفته ایم بنده در كمسیون طرف توجه خواهد شد مثلاً اینکه فرزند را قرار ندادیم و عایدات را قرار ندادیم بچه دلیل اینست كه در آن موقع كه سابقاً در آن دوره لایحه مالیات بر عایدات را آورده بودیم با اكثر تجار كه صحبت می كردیم میدیدیم كه اغلب تجار مایل بودند كه از عایدات گرفته نشود این يكی دوم اینكه بدون اینکه يك تقطیس زیادی لازم باشد بكنند تحقیق زیادی بكنند فروش را زودتر میشود میزانش را معین كرد عایدات را بنده فروشم چقدر است در سال زودتر می شود تعیین كرد تا بخواهم بدانم چقدر فایده برده ام و بعد تقاضای عمیقی كرد كه نهما میخواهیم این كار را دوباره امتحان و تجار بكنیم و نه مصلحت است . در ضمن آقا فرمودند كه در فروش ممكن است ضرر كند خوب آقا این ضرر مالیات هم روی آن ضرر های دیگر . میفرمایند يك تریبی صد هزار تومان فروش میکند سه هزار تومان بكنند ضرر میکند خوب این ضرر مالیاتی هم روی آن ضرر چه عیب دارد كه ایشان آمده باشند و صد تومان هم ضرر مالیاتی داده باشند و ثانیاً اگر این ضرر یعنی ضرر بیست سال است كه خوب مثل ضرر های دیگر بكنند بكنند این تاجر يك ضرر دیگری هم داشته باشد و بیست و پنج خرج زیادی داشته باشد در آن سال برای ایشان

از صد هزار و يك تومان تا يك ملیون تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمآزاد از صد هزار تومان صدی سه و نیم هر ۳٪ از يك ملیون و يك تومان به بالا نسبت به مآزاد از يك ملیون تومان صدی چهار ۴٪ مالیات خواهند داد ب - در صورتیکه مركز اصلی آنها در خارج ایران باشد . از عوائد خالص كه از عملیات یا محصولات بدست آمده در ایران تحصیل می شود (بتناسبی كه فوقاً ذكر شد) مالیات خواهند پرداخت .

تبصره - عایدات خالص عبارت است از مجموع عایدات پس از وضع مخارجی كه برای تحصیل عایدات لازم است رئیس - آقای كیا .

كیا نوری - میخواستم عرض كنم كه ماده ۳ مینویسد شركتهایی كه . . . و میخواستم يك توضیحی آقای وزیر عدلیه مرحمت بفرمایند یا این كه اینجا توضیح داده شود مثلاً يك شركتهایی هم هست مثل شركتهای خانوادگی كه يك پدری سرمایه تجارتی خودش را برای پسرهایش گذاشته است به این شركتهای سهامی هم اطلاق میشود یا نه ؟

وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم كه توضیح زیادی لازم نباشد مقصود شركت تجارتی است ، شركت سهامی نیست . يك شركتهایی است كه در این ماده ذكر شده است كه معلوم است و در هر صورت مقصود كلیه شركتهای تجارتی است .

رئیس - آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - در این موضوع كه آقای كیا

ذكر كردند و آقای وزیر عدلیه جوات فرمودند بهتر بود كه مطابق قانون شركتها باشد بنده اینجا نگاه كردم كه میگردید شركت سه قسم است ، شركت سهامی و شركت ضمانتی و شركت مختلط خوب است اینجا توضیح داده شود كه شركتهایی كه مطابق با قانون شركتها تاسیس می شود این موضوعی كه در جواب آقای كیا فرمودند و بنده از آن فهمیدم بعد مسئله این است كه میخواهم

كلائی - ختم جلسه .
جمعی از نمایندگان - تنفس .

رئیس - از طرف جمعی از آقایان هم تقاضای تنفس شده است (صحیح است) و چون بنده این نظر و علاقه بطور مساوی در اغلب آقایان می بینم اگر تصویب نمایند تنفس داده شود بقیه مذاکرات برای عصر سه بعد از ظهر

(در اینموقع بیست دقیقه بعد از ظهر) جلسه برای سه تعطیل و پس از سه ساعت و نیم مجدداً تشکیل گردید) رئیس - ماده دوم قرائت میشود :

ماده ۲ - شركتهای انتفاعی و كارخانجات باستثنای شركتها و مؤسسات صرافی دیگر .

۱ - در صورتیکه مركز اصلی آنها در ایران باشد . از پنجاه هزار تومان تا صد هزار تومان عایدات خالص لایحه خود ۳٪ .

عرض کنم که در این قانون هست تفتیش کردن در دفاتر اینها ممنوع است آیا بمجرد دادن اظهار نامه اکتفا میشود یا یک ترتیبات دیگری است؟ آنهم خوب است در این قسمت اشاره شود یا اینکه در آن تبصره که بعد می آید میگویم همین صحبتی که آقای طهرانی کردند شما موافقت کنید چون در واقع آنچه معلوم است نظردولت در تنظیم این لایحه عجالتاً بر سهیل آزمایش است که یکقدری مردم عادت کنند باین جور مالیات و فقط همانطور اکتفا میشود که هر جور اظهار به بدهند قبول شود و الا در موقع عمل مشکل میشود که ما اجازه بدهیم بمامورین که وارد دفاتر شوند این را توضیح بدهند وزیر عدلیه - راجع به قسمت اول توضیح دادم و آقا فرمودید قانع شدید در هر صورت باز ممکن است پیشنهاد بفرمائید که مطلب روشن شود. اما راجع به قسمت دوم با حذف تبصره بنده نمیتوانم موافقت کنم ولی در قسمت تفتیش بنده لازم میدانم که اینجا بطور صریح عرض کنم که مقصود ما تفتیش دفاتر و اسناد و اوراق تجارته نیست ولی با وجود این ممکن است یک چیزهایی که بدون اینکه ما تفتیش کنیم معلوم شود فرض بفرمائید یک تاجر بی بدون این که ما در دفاترش تفتیش کرده باشیم یک وقت یک معامله کرده است و در اثر یک اختلافی کارش بیاید به عدلیه معلوم شود که در سال قبل مطابق آنچه اظهار به داده است این معامله شاید ده برابر آن بوده است بمناسبت همان دعوائی که کرده است و بیک قرائن دیگری اگر این مسئله معلوم شد ما البته بایستی با اعتراض کنیم که چرا بایستی مالیات خودت را ندهی ولی ما نمیخواهیم در دفاتر و اسناد تفتیش کنیم و صریحاً هم آن جا قید شده است.

رئیس - آقای عدل موافقت میکنید؟

عدل - بلی.

ت هر کس که برسد؟ فرض کنید یک براتی دست رسیده است و من خواستم آنرا بیک کسی دیگر بدهم و آن کس بیک نفر دیگر دست هر کس که رسید بد این مالیات را بدهد اگر قسمت اول است که بنده مخالف نیستم ولی اگر در هر قسمت است که از هر دست بدست دیگر که میرود یک هزاری نیم باید بدهند گمان میکنم دیگر چیزی از او باقی نخواهد ماند.

وزیر عدلیه - خیر فقط همان دفعه اول است.

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم.

رئیس - آقای طاهری.

دکتر طاهری - بنده سؤالی میخواستم راجع باین

ماده یکم در اینجا می نویسد بانک ها و سایر مؤسسات

برای هر ورقه چک (بدون رعایت مبلغ) یک صد

مالیات تمبر خواهند پرداخت.

رئیس - آقای افسر.

افسر - موافقم.

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم.

رئیس - آقای فرشی

فرشی - در این ماده مینویسد: بانک ها و

مؤسسات صرافی بتناسب نیم در هزار از بروات و

تجارتی که میفروشند مالیات تمبر خواهند پرداخت ولی

معین نمیکند که اوراق تجارته که فعلاً در میان صرافان و بانک

تجار معمول است مثلاً برواتی میفروشند سی و یک

و شصت و یک روزه و نود و یک روزه این بردن

بمحل وصول برسد از دست پنجاه نفر میگردد یعنی

و فروش میشود این هزاری نیم را که این جا ذکر

است در همان دفعه اول باید تمبر بچسبانند یا این

حواله میدهد این دو موضوع خواستم این جا مذاکره شود تا اینکه مطلب واضح شود که در موقع اجرا اشکالی پیدا نشود

وزیر عدلیه - در قسمت برات فروش ...

بعضی از نمایندگان - بلندتر بفرمائید

وزیر عدلیه (بشت کرسی نطق) - البته تاجری که

جنسی میفروشد البته برات میدهد و برات نمیفروشد

آن کسی معامله براتی میکند که پول را میگیرد ولی یک

کسی است که معامله صرافی می کند و برات فروشی

می کند آن کس مسلم است که مشمول این ماده است

فرض بفرمائید یک کسی باشد که در ضمن تجارت های دیگر

خودش تجارت و صرافی برات هم می کند البته او هم

مشمول این ماده است برای اینکه بکنفر آدمی است که

دو قسم کار می کند یکی معاملات تجارته و یکی هم

معاملات صرافی ولی یک وقتی یک تاجر است یک جنسی

میفرستد فرضاً بلندن برای پول آن جنس او برات میکند

البته او برات فروش نیست بنده یک کسی هستم که حواله

کرده ام که پول آن جنس را در فلان موقع بدهند حالا

وقتی که من این پول را میبرم در بانک و تنزیل میکنم

بانک است که این معامله برات و صرافی را میکند

دکتر طاهری - ببانگ نمیبرند به کس دیگر میفروشند

وزیر عدلیه - بالاخره آنجائی که پول او پرداخته

میشود ولی وقتی که من انتقال میدهم بیک کسی دیگر

این را نمیفروش گفت من این برات را فروختم یعنی من

یک حواله داده ام بیک کسی که طرف معامله من است

که در رأس سه ماه برات مرا بپردازد و اینجا مسئله اینست

که پول این را کی میدهد بانک میدهد یا مردم میدهند

در هر صورت این مالیات بر عملیات بانکی است و خود

بانک باید بدهد اگر بنا باشد که شما امروز در یک بانک

بانک مؤسسه صرافی رفتید و یک معامله صرافی براتی کردید او

باید برای هر معامله خودش یک پولی بدهد و علامت پرداخت هم

آن نمری است که الصاق میشود و علاوه بر این اگر آقایان نظری دارند راجع بقسمت برات ممکن است بیش از این در اینجا وارد بحث آن نمیشویم پیشنهادی که دارند بدهند و در کمیسیون وارد بحث می شویم و صحبت می کنیم

رئیس -- آقای افسر

افسر -- علی ای حال برای اینکه این موضوع اسباب اشکال نشود فروختن برات از عمل صرافی باید بکلی جدا باشد چون ممکن است تصور شود در میزان فروش کسی که پنجاه هزار تومان متاع می فروشد خواه متاع بفروشد و خواه برات عمل او در اساس فروش است اگر تفکیک شود بهتر است و نایستی این مسئله باجمال واگذار شود

رئیس -- آقای بیات

بیات -- عرضی ندارم

رئیس -- پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طالع

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بعد از کلمه می فروشد اضافه شود: برای یکدفعه

رئیس -- آقایانی که برای ماده دوم پیشنهاد داده اند چون عدول کرده ایم همینطور فرستاده می شود کمیسیون ماده چهارم قرائت می شود:

- ماده ۴ -- تجار برترتیب ذیل مالیات جواز خواهند داد
- ۱ -- تاجر درجه اول سالیانه ۲۵۰ تومان
- ب -- " " دوم " ۱۵۰ " "
- ج -- " " سوم " ۸۰ " "
- د -- " " چهارم " ۳۰ " "

تبصره ۱ -- تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پنجاه هزار تومان باشد تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از سی هزار تومان و منتهی پنجاه

هزار تومان باشد

تاجر درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پانزده هزار تومان و منتهی سی هزار تومان باشد

تاجر درجه چهارم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پنجاه هزار تومان و منتهی پانزده هزار تومان باشد

تبصره ۲ -- تاجری که میزان فروش سالیانه اش از پنجاه هزار تومان تجاوز نمی کند از پرداخت مالیات معاف است

رئیس -- آقای ونوق

آقای سید مرتضی ونوق -- بنده در این ماه

چهار و پنج اشکالاتی دارم که در فرا کمیون صحبت کردم ولی البته تصدیق میفرمائید که این لایحه خیلی مهم است و برای يك جلسه نظریات گفته نمی شود بنده در آن جا يك عریضی کردم و آقای وزیر ملک فرمودند پیشنهاد بدهید خوب بنده در این قسمت يك نظریاتی دارم و پیشنهاد میدهم و موقع آن رسیده است که عریضم را عرض کنم شاید بعد نوبت به بنده زود لاقبل در يك همچو لایحه باید چندین جلسه فرا کین تشکیل شود و همه نظریات در آن جا گفته شود که در مجلس دیگر صحبت نشود بنده يك اشکالاتی دارم در این ماده چهار و پنج که چون مفادش یکی است منتهی ماده ۴ راجع به تجار است و ماده پنج راجع باصناف است این مشکلات را در این ماده عرض میکنم و امیدوارم با بیانات کافی و وافی آقای وزیر عدلیه بنده بتوانم مقاعدت اشکال بنده راجع به تشخیص درجه بندی است. تشخیص درجه بندی را در ماده چهار و پنج فقط فروش قرار داده اند بنده تصور نمیکنم که این عملی باشد هر چند که تشخیص را هم میخواهیم عایدات خالص قرار دهیم بنده عملی نمی شود زیرا که هنوز نمیشود در این ممالک تقبیل عایدات تجار بشود و بيك اشکالات دیگر بر میخیزد

ولی مجرد فروش را اگر بنا باشد ما مأخذ قرار دهیم مکن است يك تاجری یا يك کاسبی که پنجاه هزار تومان در روز هزار تومان فروش کند ممکن است فروش او دخل داشته باشد و ممکن است آن فروشتش ضرر داشته باشد البته شایسته نیست يك کسی که مثلاً در سال ده هزار تومان ضرر کرده است و مطابق این ماده هم مسئول است که مالیات درجه اول را بدهد مالیات بدهد که هم ضرر داده است و هم مالیات بدهد البته يك تاجری که هزار تومان فروش کرده و ضرر داده یا هیچ انتفاع نبرد از او مالیات بگیرند. بنده عقیده ام این است که برای مالیات را از تجار باید گرفت که حقیقه ظلم نشود نسبت به همه علی السوی گرفته نشود. این يك اشکال بنده بود. اشکال دیگر بنده در طرز اجرای این ماده است که ما جور ما میتوانیم از تجار و از کسبه اظهارنامه بگیریم برای این که در قانون مینویسد ده روز پس از تصویب موقع اجرا گذاشته میشود وضع این مملکت را همه بدانیم با این ترتیب چطور ممکن است فوراً اظهارنامه بدهند و معین شود که این تاجر چکاره و چه درجه است این تاجر باید مأخذ فروشش را معین کند و مأخذ فروش را هم بالاخره او نمیتواند معین کند بازار و اصطلاح خرید و فروش معین کند در صورتی که يك جری معلوم نیست که از اول سال ۱۳۰۹ به بعد چه مامله و چه تجارتی را خواهد کرد و چه مالی را خرید و فروش خواهد کرد چه قسم میتواند صورتی بهالیه بدهد از روی آن صورت مالیه از او مالیات بگیرد زیرا ممکن است صورتی بدهد که مطابق سال قبل من پنجاه هزار تومان فروش کرده ام و دولت آن مالیات را از او مطالبه میکند در صورتیکه ممکن است آن مقدار فروش نکند و همچنین ممکن است صورت بدهد که من پنجاه هزار تومان هزار تومان فروش دارم و بیشتر از این فروش کند و این صورت مالیات دولت حتماً نرسیده است. در اینجا بنده این است که اولاً مهلت برای این که مردم اظهارنامه بدهند سه ماه مهلت داده بود زیرا در

تبصره ماده دوازده سه ماه مهلت معین شده بود و هم چنین در ماده ۲ و ۹ ولی متأسفانه در خبر کمیسیون آن تبصره حذف شد و الا در لایحه دولت آن تبصره بود و بنده خواهش میکنم که در این جا موافقت بفرمائید که سه ماه چهار ماه مهلت داده شود که در ظرف این مدت بتوانند تجار اظهارنامه خودشان را به مالیه محل بدهند که چه قدر فروش دارند زیرا همانطور که عرض کردم بعد از تصویب این قانون در این مدت کمی که معین شده است نمیتوانند اظهارنامه بدهند و مالیه های محل هم این همه اجزاء و اعضاء ندارند که بتوانند تمام این اظهارنامه ها را از تجار جمع آوری کنند آنوقت باید بقیه تجار را بگیرند که شما مشمول ماده ۷ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ هستید و متخلفید و باید سه برابر یا ده برابر جریمه بدهید اگر موافقت بفرمائید بنده يك پیشنهادی میدهم که سه ماه چهار ماه مهلت داشته باشند که اظهارنامه های خودشان را بدهند ولو اینکه مالیات این سه ماه را ندهند ولی چون سال اول این قانون است و تازه اجرا میشود مردم هم آشنا بطرز اجرای این مالیات نیستند خوب است يك رفاهیتی در این باب برای مردم باشد دیگر اینکه موافقت بفرمائید و يك پیشنهاد دیگر را قبول کنید که تشخیص فقط فروش نباشد خوب يك تاجر یا کاسبی که بخواهد در این مملکت کسب و تجارت کند يك جوازی بگیرد و مطابق آن جواز يك مالیاتی بدهد یا این که همانطور که آقای یاسانی گفتند طرزی بشود یا این که کمیسیونی تشکیل شود یا اطاق تجارت یا این که خود مالیه محل يك کمیسیونهایی از اشخاص بصیر و تجار و کسبه معلوم و معین کند که آنها خودشان طبقه بندی کنند هر تاجری هر کاسبی که میخواهد تجارت و کسب کند يك وجهی به دولت بدهد منتهی با آن طبقه بندی که عرض کردم درجه اول و دوم و همینطور کسب و اصناف این بعقیده بنده عملی تر است و عایدات دولت هم بیشتر خواهد شد و در طرز اجرا هم دولت دچار اشکالات نخواهد شد و عقیده

بنده این است اگر با این پیشنهادی که عرض کردم موافقت فرمایند بیک اشکالاتی دچار نخواهند شد وزیر عدلیه -- این قسمت که فرمودند که تشخیص درجه بندی فروش نباشد بنده خیال میکردم آقا میفرمایند که تشخیص دیگری باشد بجز فروش دشتی - بلند تر .

وزیر عدلیه -- اگر آقایان بخواهند تمامشان حرف بزنند بنده هر چه بلند حرف بزنم نخواهند شنید - (صحیح است) اگر تشخیص را بخواهند عایدات قرار بدهند باشکالات بر خواهید خورد که خودتان در ضمن بیاناتان اظهار کردید و تصدیق کردید که مشکل تر است و بنده هم تصدیق دارم بهمین جهت هم بود که ما نخواستیم عایدات را مأخذ تشخیص قرار دهیم وقتی که تشخیص فروش نباشد و عایدات هم نباشد تقریباً آنچه که بنده از آخریانات آقا استنباط کردم بدون تشخیص باید باشد آنوقت هم مسلم است که عملی نیست و بنده از آقا میپرسم که روی چه قاعده من خودم را بنویسم درجه اول یا درجه دوم چون هر چیزی باید یک ملاکی داشته باشد یک میزانی داشته باشد تا تکلیف اشخاص معلوم شود اگر یک کسی نوشت درجه سوم در صورتیکه یک کسی بود که از حیث عایدات از حیث منفعت از حیث سرمایه در درجه اول بود این چیز خوبی است واقعاً؟! تشویق مردم به این کار که کسانی که دارای عایدات زیادی هستند چیزی ندهند و تطبقات دیگر نحلیل شود؟ پس ما ناچاریم که یک تشخیص دیگری را قبول کنیم و این هیچ محل حرف نیست؟ دو قسم تشخیص داریم تشخیص را فروش بگیریم یا عایدات؟ تشخیص عایدات را عرض کردم که اشکالش بیشتر است برای این تفتیش بیشتری لازم دارد و ما نمیخواهیم این کار را بکنیم چون ممکن است بگویند که ما خیلی کار کرده ایم ولی عایدی نداشته ایم و منتهی از همه مالیات درجه چهارم گرفته شود و اگر بگوئیم خیر میگویند تفتیش کنید دفاتر را و به بینید

خانهاش، تر باک و سایر امتعه حمل بخارج می کنند و منحصرأ تجارتشان امتعه داخلی است باید برای آنها یک امتیازی قائل شویم یعنی مالیات از آنها کمتر بگیریم و از طرف دیگر تجارت و اصنافی که شغلشان وارد کردن امتعه خارجی است که کراراً در این مجلس خاطر می آید بیشتر آقای فیروز آبادی و آقای آقا سید یعقوب همیشه تذکر میدادند راجع بوارد کردن عملیات کرمافون و سایر اشیاء لوکس (فیروز آبادی - صحیح است) وارد میکنند در این مملکت لااقل آنها بیشتر مالیات بدهند باید یک فرقی بگذاریم ما بین آنها که امتعه خارجی تجارت می کنند و آنها که امتعه داخلی را صادر میکنند این است که بنده در اینموقع موقع را مغتنم ندیده و پیشنهادی تهیه کرده بمقام ریاست تقدیم میکنم وزیر عدلیه - بنده گمان می کنم که آقا یک اشتباهی نموده باشند ما از برای رفع حوائج مملکت یک عایداتی میخواهیم معین کنیم متناسب عایداتی که مردم دارند و معاملاتی که مردم می کنند و نمیخواهیم بفهمیم که این عایدات را از راه دارد که به بینیم این قسمت خیلی مشروع است و کمتر بگیریم و قسمت دیگر کمتر مشروع است بیشتر بگیریم عرض کنم آنچه را که آقا می پسندند یا پسندند هر کس باشد هر چه باشد بالاخره باید از بدانش ما مالیات بگیریم ما دیگر وارد این قسمت نمیشویم و اجناس داخلی صادر می کنند یا یک وارداتی می آورد و بوق صادرات بجای خودش صحیح ولی بالاخره ما که خواهیم که بواردهات هم یک صدمه زده باشیم و مجلس هم نظر را ندارد و ما میخواهیم با مالک دنیا هم درت کنیم یک اجناسی را بهشان می فروشیم و یک اجناسی را هم ازشان میخریم و البته ما باید رفع حوائج مردم را بکنیم این مطلب بجای خودش صحیح است ما باید اجناس داخله خودمان را تقویت کنیم اما وقتی هم که با مال التجاره های خارج نداریم هر تاجری که تجارت وارداتی می کند یک مالیات

مخصوصی از او بگیریم عرض کنم که خوب حالا اگر آقا پیشنهادی دارند بدهند البته ما می بینیم و در این جا هم بنده موقع را مغتنم می شمارم از برای یک تذکری که مربوط است بهمین ماده این طور بنا بود ولی بعد از آن که کمیسیون قوانین مالیه خبرش را تهیه کرد بنا شد با تبادل نظر اکثریت که تفاوت گذاشته شود بین تجار و اصناف و اشخاصی که دلالتی با حق العمل میکنند که در خبر نیست این را هم آقایان ممکن است پیشنهادی بدهند تا در کمیسیون ما روی آن نظر این قسمت مراعات کنیم یا اینکه خود دولت در کمیسیون این کار را خواهد کرد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - این جا در تبصره ماده چهار یک درجاتی

را برای تجار قائل شده اند که بنده می خواهم در این قسمت یک عرایضی عرض کنم اینجا طوری که فرمودند مأخذ را ما فروش قائل شده ایم در روی فروش درجاتی را برای تجار در نظر گرفته اند و روی آن درجات یک مالیاتی ما میخواهیم وضع کنیم اینجا در قسمت دوم تبصره ماده ۴ می نویسد : تاجر درجه دوم کسی است که فروش سالیانه اش بیش از سی هزار تومان و منتهی پنجاه هزار تومان باشد آنوقت باید صد و پنجاه تومان بدهد در تبصره ماده پنج مینویسد : صنف درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از سی هزار تومان و منتهی پنجاه هزار تومان باشد آنوقت او باید صد تومان بدهد و باین تناسب سایر قسمت های درجه سوم و چهارم را هم رعایت کرده اند منتهی در قسمت اصناف کمتر و در قسمت تجار بیشتر بنده میخواستم اینجا عرض کنم حالا که ماخذ را فروش قرار میدهیم بهتر این است که هر دورا ما یک مبلغ قرار دهیم با اینها را ببریم مساوی آن قسمت کنیم و با آنها را مساوی این قسمت عرض کنم در صورتیکه یک صنف مخارج کسی او کمتر از یک تاجر

است و آن تشریفات تجارت خیلی بیشتر است حالا که فروش ماخذ است و از روی فروش تعیین کردید وقتی که هر دو یک مقدار میفروشند و مبلغ فروششان یکی است فلسفه ندارد که تاجر صد و پنجاه تومان بدهد کاسب صد تومان یا او هشتاد تومان بدهد این چهل و هشت تومان این را بنده خواستم عرض کنم که آقای وزیر عدلیه مطالعه بفرمایند و اگر تصدیق بفرمایند که یک تبانی است ممکن است که صورت خوبی نداشته باشد و باید تصحیح کرد.

وزیر عدلیه - آقای بک تذکری دادند و مخالفی نکردند که در اصل قضیه باشد ممکن است پیشنهاد بدهید بروید بکمسیون و مطالعه شود

رئیس - آقای ملک موافقتی؟

ملک مدنی - عرض کوچکی دارم.

رئیس - بفرمائید.

ملک مدنی - بنده اصولاً با این لایحه موافق هستم و مقصودم يك توضیحی است و زیاد نمیخواهم وقت مجلس را بگیرم که آقای وزیر عدلیه متغیر بشوند بنده عقیده‌ام این است اگر ما ماخذ را عایدات قرار بدهیم برای درجه بندی تجار سهل تر است بطوری که عقیده خودتان است عرض کنم که در کمیسیون هم مذاکره شد زیرا ماخذ خرید و فروش بهمان اشکالی که در کمیسیون مذاکره شد و خودتان هم آلا ن مذاکره گردید که يك اشخاصی که در طبقه دلال هستند و حق العمل کاری میکنند آنها را باید مستثنی کرد وقتی که قائل به استثناء هستید به مشکلات زیادی برمیخوریم قسمت دلال و حق العمل کار يك قسمت زیادی از تجار هستند که اساساً هم تاجرانند و تجارخانه دارند و مارک تجارت هم دارند ولی شغلشان شغل دلالی است باین معنی که فرض کنید يك تاجر بروجردی در سال ممکن است پنجاه شصت هزار تومان تریاک برای يك تاجر اصفهانی بخرد این را شما دلال نمیتوانید

تشخیص بدهید و غالب تجار از این درجه هستند و این برخلاف نظری است که دولت راجع به عایدات دارد البته آنرا دولت باید تاجر در نظر بگیرد و وقتی که او را تاجر قائل شدید او در سال شصت هزار تومان که معامله تریاک میکند یا می خرد یا می فروشد این شصت هزار تومان او را هر هزار تومانش پانزده تومان عوائد تجارنی دارد که کلیه هزار و هشتصد تومان دارد که باید مخارج تجاری و مخارج خودش و دفتر دار و سایر عوارض و مخارجی که مربوط است از آن خرج کند و آنوقت تقریباً بیائید هزار تومان برای مخارج خودش بقی می ماند آنوقت از این هزار تومان او باید دو بیست و پنج تومان بدهد این طور که ما در نظر گرفته ایم. بنده عقیده‌ام این است که ما ماخذ را عایدات قرار بدهیم و مخارج نیستیم که دیگر يك اشخاصی هم که دلال هستند امتیاز کرده باشیم زیرا طبقه‌ای هم هستند که از دلالی در سال مبلغ زیادی نفع میبرند که عوائدشان از يك تاجر زیاد تر است و چیزی نمیدهند در صورتیکه خوب حقاً او را باید بدهد اگر يك کسی تاجر است يك عوارضی را برای يك ملک با مور ملکتی باید بدهد یکدلالی که در سال اگر پنج هزار تومان عایدی دارد چه ضرری که دارد او را تاجر درجه دوم شود و صد تومان بدهد. بنده میخواهم این را مخصوصاً عرض کنم که اگر آقایان نظری دارند که اشخاصی که دلالند مستثنی کنند پیشنهاد بدهند برای اینکه فکرشان متوجه این نکته است و در کمیسیون يك قسمی اصلاح کنیم که در مجلس دچار اشکال نشود و یکی هم تجار درجه دوم را همانطور که عرض کردم بلکه بعد تغییر خواهد کرد عقیده بنده این است که صد تومان در نظر بگیریم زیرا با این ترتیب غالب تجار حاضرند با میل بیایند خودشان را معرفی کنند و منتهی اگر قدری دقیق شویم زیاد تر است این دو نظر را بنده داشتم در کمیسیون هم عرض کردم چون آن شب که در فرا کمیسیون مذاکره میشد بنده حضور داشتم خواستم اینجا عرض کنم.

وزیر عدلیه - بنده خیال میکنم که راجع به آن معنی که عایدات را ماخذ بگیریم فروش را ماخذ قرار بدهیم چون مکرر مذاکره شده است و بنده هم دلایل تازه ندارم این است که عرض نمیکند در قسمت دیگر راجع باینکه میزان و طبقه بندی را قدری کمتر کرد و از این تذکرات که فرمودید اینها را ممکن است پیشنهاد بدهید در کمیسیون در خدمت خودتان مذاکره خواهیم کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه بنده کاملاً موافقت میکنم با عقیده آقای ملک و پیشنهادی هم کرده ام خواستم يك بیانی عقیده خودم را عرض کنم شاید شما هم يك نوجهی بفرمائید ما بیائیم و مشخص را نفس فروش قرار بدهیم شاید وضع مالیات اساساً نمیتوانم عرض کنم چون عادلانه این است که راجع به هر چیزی بالسویه شارش باشد بعدالت نزدیک تراست تا بوصول که میفرمائید ما باید نوعی بکنیم که فشارش کمتر باشد. اگر ما بیائیم و این را بر عایدات قرار بدهیم یعنی يك چیز از آمدی است بر این باز آمد بر این دریافتی برای يك ملک يك چیزی وضع کنیم این يك چیزی است که حقیقه عقل و عرف و عادت این را تصدیق دارد باید وضع مالیات بر عایدی باشد من له الغنم فعلیه الغرم که کسی که يك غنیمتی را میبرد از آب و خاک از نیت و آب و عدالت يك منافسی را میبرد لازمه نفع بردن از يك غنیمتی باید يك غرامتی را هم بدهد ما بیائیم و متوجه عایدات شویم نه متوجه بعمل برویم باین معنی وضع مالیات را بر کار نکنیم وضع مالیات بر نفع بکنیم اگر شما بیائید و وضع مالیات را بر کار کنید میشود تعبیر کرد که وضع مالیات بر زحمت بر کار است ولی اگر وضع مالیات بر غنیمت کنید بر نفع بکنید و عواید کنید آنوقت يك چیزی است عقل و عرف و عادت این را استقبال میکند این

است که اگر بتوانیم و موافقت بشود با مطالعه کردن در کمیسیون کاملاً عقیده بنده هم این است که وضع مالیات بر عایدات شود و طریقتش هم این باشد تاجری که در سال عایدات خالص او پنج هزار تومان باشد تاجر درجه اول باشد پنج هزار تومان عایدات خالص دارد که ما در فقه تعبیر بارباح مکاسب می کنیم که بعد از آنکه مؤنه سال خودش را خارج کرد و منافع و مخارجی که از برای کسب خودش خارج کرد آن چیزی که باقی میماند باید پنج یکس را بدهد ما در اینجا اینجور تعبیر می کنیم عایدات خالص بعد از آنکه مخارج سال خودش را خارج کرد و مخارجی که برای کسب خودش است خارج کرد آن چیزی که قلیل است و قانون میگوید باید بدهد درجه اول آنکسی که در سال سه هزار و پانصد تومان داشته باشد درجه دوم آنکه دو هزار تومان داشته باشد درجه سوم آنکه هزار و پانصد تومان داشته باشد درجه چهارم از هزار و پانصد تومان کمتر بگیریم و از هزار و پانصد تومان عایدات ببالا باین ترتیب باشد اینکه عرض کردم باین فلسفه عرض کردم که مشخص را بر فروش قرار داده اید لکن مشخص فروش باشد در واقع میشود گفت مالیات را بر کار وضع کرده اند. این است نظر من و پیشنهاد هم کرده ام وزیر عدلیه - اولاً بنده خیلی تعجب میکنم از اینکه وقتی مالیات بر عایدات بطوریکه آقایان میگویند در این مجلس آمد و مطرح شد يك عده زیادی از آقایان و کلاً و بعد مخصوصاً تمام تجار می گفتند اسم عایدات را نبرید و بیائید طبقه بندی کنید و بعد امروز آقایان می آیند و برای آن طبقه که خودشان اینطور میگویند دفاع میکنند. عزیز من آقای من این حرف را بنده از صبح تا بحال زدم میفرمائید تغییر میکنم تغییر نیست بنده کسی هستم که همیشه در ضمن صحبتیم نهایت احترام را به آقایان نمایندگان میکنم ولی اگر می بینید يك وقتی بنده حرارتم بالا میرود و حق هم (آقا سید یعقوب)

زودتر بفرمائید) برای اینکه مطلبی را که گفتیم و دو مرتبه تکرار میکنم بنده میگویم این مطلب را چقدر باید گفت و از سر گرفت بنده عرض کردم و حالا هم عرض میکنم خودت تاجر هم این طریق را که درجه بندی بشوند ولو آقای طهرانی بفرماید بطور گستره این را بهتر میدانند از اینکه وارد عایدات بشوند. پس بنابراین لازم نیست از برای آن طبقه که خودشان باین ترتیب راضی هستند یک چیزی بر خلاف میلشان پیشنهاد کنیم حالا اگر پیشنهادی آقایان دارند در این زمینه ما عرض کردم بنده روی هم رفته ندیدم هیچ یک از آقایان را که دلیل تازه اظهار کند. بنده هم بدبختانه هیچ دلیل تازه در مقابل نیافتم آقایان میفرمایند عایدات باشد بنده میگویم که فروش باشد آنها میگویند عایدات سهلتر است بنده عرض میکنم که فروش سهلتر است و بالاخره خود طبقه که باید مالیات بدهد باین جور راضیتر است پس برای اینکه تکرار مکرر نشود بهتر این است که آقایان اگر پیشنهاداتی دارند پیشنهادات را بدهند و دیگر داخل این مسئله نشویم. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طهرانی

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم ماده چهار تبصره یک بترتیب ذیل مقرر شود: تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش یکصد هزار تومان و بیشتر باشد تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش پنجاه هزار تومان و از یکصد هزار تومان زیاد تر نباشد تاجر درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش کمتر از بیست هزار تومان نبوده و از چهل هزار تومان زیاد تر نباشد تاجر درجه چهارم کسی است که میزان فروش سالیانه اش از ده هزار تومان کمتر نبوده و از سی هزار تومان زیاد تر نباشد

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت شوکتہ

ایضاً پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمتہ

تبصره ذیل را بآخر ماده چهارم اضافه مینمایم: تبصره ۳ - دلالت از مفاد ماده ۴ خارج و مشمول ماده ۹ نخواهند بود.

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

مقام شامخ ریاست مجلس مقدس شورای ملی ماده ۴ را باین طریق پیشنهاد مینمایم ماده ۴ - تجار به ترتیب ذیل مالیات جواز خواهند داد تجاریکه تجارت آنها و معاملات آنها صدور امتعه مال التجاره ایران است بطریق ذیل مالیات جواز خواهند داد:

- ۱) - تاجر درجه اول سالیانه ۲۰۰ تومان (ب) - تاجر درجه دوم سالیانه ۱۰۰ تومان (ج) - تاجر درجه سوم سالیانه ۵۰ تومان (د) تاجر درجه چهارم سالیانه ۲۵ تومان تجاریکه تجارت و معاملات آنها وارد کردن امتعه خارجی است بطریق ذیل مالیات جواز خواهند داد
- ۱) تاجر درجه اول سالیانه ۳۰۰ تومان (ب) تاجر درجه دوم سالیانه ۲۰۰ تومان (ج) تاجر درجه سوم سالیانه ۱۰۰ تومان (د) تاجر درجه چهارم سالیانه ۵۰ تومان

پیشنهاد آقای فرشی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتہ این نوع اصلاح ماده چهارم را پیشنهاد میکنم تبصره اول - تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه آن بیش از یکصد هزار تومان باشد تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه آن از صد هزار تومان تا یکصد هزار تومان باشد تاجر درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه آن از سی هزار الی صد هزار تومان باشد تاجر درجه چهارم کسی است که میزان فروش آن از پانزده هزار تومان الی سی هزار تومان باشد

پیشنهاد آقای کازرونی

مقام منبع ریاست جلیله - بنده پیشنهاد می کنم که حد اکثر فروش تاجر درجه اول یکصد هزار تومان و باقی نیز بهمین تناسب باشد

پیشنهاد آقای اعتبار

با اینکه مأخذ اخذ مالیات فروش است هیچ فلسفه ندارد که فروش در قسمت تجار و صنف که هر دو در یک عرض و یک مبلغ است بتفاوت اخذ مالیات شود مثلاً قسمت دوم تبصره ماده ۴ مینویسد تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از ۳۰ هزار تومان و منتهی پنجاه هزار تومان باشد و از این طبقه تجار در سال ۱۵۰ تومان اخذ میشود آنوقت در تبصره ۱ ماده ۵ که درجات اصناف معین میشود برای صنف درجه اول که همان مبلغ فروش تاجر درجه دوم را دارد ۱۰۰ تومان مالیات قائل شده اند بهمین ترتیب درجات دیگر متباین است و حال آنکه مبلغ فروش یکی است پیشنهاد میکنم حالا که فروش مأخذ است هر دو در اخذ مالیات در یک عرض واقع شوند

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود. یکی از پیشنهادات مانده است:

پیشنهاد آقای رهبری

مقام منبع ریاست محترم دارالشورای ملی ماده چهارم را این قسم اصلاح میکنم: تاجر درجه اول سالیانه ۲۰۰ تومان تاجر درجه دوم سالیانه ۱۰۰ تومان تاجر درجه سوم سالیانه ۵۰ تومان تاجر درجه چهارم سالیانه ۲۰ تومان

تبصره ماده چهارم را اینقسم اصلاح میکنم

تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از صد هزار تومان باشد. تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از شصت هزار تومان باشد منتهی صد هزار تومان تاجر درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از سی هزار تومان باشد منتهی شصت هزار تومان باشد تاجر درجه چهارم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از

ده هزار تومان باشد منتهی سی هزار تومان باشد
پیشنهاد آقای امیر اسدالله خان عامری

مقام منبع محترم مجلس دامت شوکت
بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۱ بطریق ذیل اصلاح شود:
۱ - تاجر درجه اول کسی است که سرمایه تجارتي
آن یکصد هزار تومان باشد ۲- تاجر درجه دوم کسی است
که سرمایه تجارتي آن پنجاه هزار تومان باشد ۳ - تاجر
درجه سوم کسی است که سرمایه تجارتي آن سی هزار تومان
باشد ۴ - تاجر درجه چهارم کسی است که سرمایه
تجارتي آن ده هزار تومان باشد

رئیس - باز يك پیشنهادی رسیده است

پیشنهاد آقای بزرگ نیا

مقام منبع ریاست دامت شوکت
تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش
بیش از صد هزار تومان باشد - تاجر درجه دوم کسی
است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پنجاه هزار
تومان باشد الی آخر

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود :

ماده ۵ - اصناف بترتیب ذیل مالیات خواهند داد
الف - صنف درجه اول سالیانه ۱۰۰ تومان
ب - " " دوم " ۴۸ " "
ج - " " سوم " ۱۸ " "

تبصره ۱ - صنف درجه اول کسی است که میزان
فروش سالیانه اش بیش از سی هزار تومان و منتهی
پنجاه هزار تومان باشد

صنف درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش
بیش از بیست هزار تومان و منتهی سی هزار تومان باشد
صنف درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش
بیش از پنجاه هزار تومان و منتهی بیست هزار تومان باشد
تبصره ۲ - صنفی که میزان فروش سالیانه اش از پنج
هزار تومان تجاوز نمی کند از پرداخت مالیات معاف است

رئیس - آقای وثوق

(حاضر بودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - اولاً بنده راجع به مالیات اصناف رض
مالیات بر اصناف مخالف هستم باعتبار اینکه يك زحمتی
عنوان مالیات اصناف را از دفتر مالیه خارج کردم تا این
مالیات اصناف را بنده بيك نحوی موافقت میکنم که
میزان مالیات بر عایدات باشد مثلاً می بینم صنف
فروش در اینجا عایدات زیاد میبرد یا صنف خرازی
عایدات زیادی میبرد بعنوان مالیات بر عایدات يك چیزی
اخذ شود ولی بعنوان مالیات بر فروش بنده مخالفم حالا
آقای وزیر عدلیه میفرمایند که در سابق ما نظرمان این
بود که بر عایدات باشد و گفتند که بر فروش و این
باشد بهتر است حالا بنده میخواهم عرض کنم که در
تجار هر چه باشد ولی در صنف ما باز وارد شویم و
مالیات صنفی قائل شویم خوب نیست و بنده باین جهت
مخالفم لاقلاً باید بیائیم و مالیات صنفی را مالیات عایدات
قرار دهیم نه مالیات بر فروش . این يك موضوع
موضوع دیگر این است که از ماده چهارم
هم معلوم نبود اینجا مینویسد صنف درجه اول کسی است
که میزان فروش سالیانه اش بیش از سی هزار تومان
منتهی پنجاه هزار تومان باشد مثلاً دوا فروشی اگر
میزان فروش سالیانه اش از پنجاه هزار تومان تجاوز
کرده و صد هزار تومان شد داخل در تاجر میشود بخیر
اینجا نوشته منتهی تا پنجاه هزار تومان خوب اگر
بصد هزار تومان مثل اینکه آنجا تاجر درجه دوم
قرار دادیم میزان فروش آنها سی هزار تومان
پنجاه هزار تومان و اگر از پنجاه هزار تومان تجاوز کرد
داخل در تاجر درجه اول میشود یا حد تقنینی برای
قائل میشوید ؟ این هم برای واضح بودن که اگر
تجاوز کرد و بالا رفت چه خواهند کرد این را مثلاً
شخص قرار میدهد . بکنفر است بکدوا فروش است
صد هزار تومان دوا میفروشد یا سالی صد هزار تومان

خرازی میفروشد ولی دوا فروش است یا اینکه خرازی
سنت این را چکار میکنند این را بمنزله دو نفر قرار
بدهند اینهم يك توضیحی است که داده شود این است
بنده خودم را در اینجا کاملاً پیشنهاد میکنم يك
توضیحی هم بدهند که کاملاً معلوم شود ماده هم بیان کند
وزیر عدلیه - در جلسه قبل از ظهر نماینده محترم
باز کردند و فرمودند که ما با يك زحمتی مالیات
فروشی را از بین بردیم حالا بیکصورت دیگری در آمده
است بنده عرض میکنم گمان میکنم اشتباه فرموده باشند
مالیات صنفی که سابق بود و از بین رفت غیر از این مالیات
در آنوقت میگفتند و اغلب هم در مجلس مذاکره شد
هم هم موافق هستیم و بودیم که از بین برود که فرضاً
فلاشهر که از پینه دوز يك چیزی میگردانند آنوقت
پنجاه نفر بودند يك مالیاتی بوده است میباید سرشکن
شود و سه نفر هم که بوده است از آنها گرفته
شد این مربوط بآن نیست اینجا آمده ایم اصناف
مثل نجار درجه بندی کرده ایم مأخذ را هم فروش
برفته ایم در حقیقت يك مالیاتی از منافع آنها خواستیم
نه ملاکمان برای رسیدن به مالیات و منافع و درجه
بیمان فروش است و در این قسمت اخیری که فرمودند
دری روشن نیست ممکن است يك پیشنهادی بکنند و
هم تصور میکنم قابل مطالعه است این نظری که دارید
تصور میکنم که اگر قسمت اول را اینطور بکنیم که
صنف درجه اول کسی است که میزان فروش سالانه اش
بیش از سی هزار تومان بالایا باشد این همان چیز میشود
شماره بفرمایند در کمیسیون این را مطالعه خواهیم کرد

رئیس - آقای کیا

(حاضر نبودند)

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - موافقم و پیشنهادی دارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم يك عرضی داشتم
که آقای آقا سید یعقوب فرمودند و بنده هم
پیشنهادی کرده ام

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

فروشی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فروشی - مخالفت بنده در این ماده نه برای این است
که اصناف مالیات ندهند مخالفت بنده فقط برای این است که
اشتباهی والتباسی خواهد شد در موقع تفریق بین تاجر و اصناف
آنچه بنده عقیده دارم اصناف يك معنای خارجی ندارد
قانوناً حتی دلال هم تاجر است لفظ تاجر بدلال هم که
نه سرمایه دارد و نه دکان اطلاق می شود حالا يك طبقه
را ما در اینجا باسم اصناف پیدا کردیم عقیده بنده این است
که اصناف معنیش این است که آتھائی که صنعتگرند که
با دستشان کار می کنند برای اینکه اشتباه نشود می گویند
اصناف یعنی آهنگر و گیوه باف اما اصناف که بآن معنی
شما می گیرید صنعت گر هستند شعر باف گیوه باف آهنگر
دواتگر از این قبیل که صنعت را با دست می سازند و
می فروشند عقیده بنده اینست که نباید مالیات بدهند
آنها نوعی از رنجبرها هستند که با دست کار می کنند
ولی دوا فروش که مغازه اش در خیابان است سالی پنجاه
هزار تومان داد و ستد می کند بیست و پنج هزار تومانش
نفع است با این قانون او اصناف است ولی يك تاجر
قند فروش سالی پنجاه هزار تومان فروش می کند و هزار
تومان عایدی ندارد ولی چون در يك جای مسقفی حجره

دارد تاجر است عقیده بنده اینست که در این ماده باید تفریق شود بین اصناف با تاجر و تشخیص داده شود یعنی اصناف بآن معنی که با دست کار می کنند و آنها مثل این عمله ها هستند مثلاً بقال می خورد و می فروشد شاید بقالهائی در این شهر هستند که سالی ده هزار تومان و بیست هزار تومان فروش میکنند و از آن يك نك منفعت میکنند این هم صنف است این است که در موقع اجرا این ماده ناماده ۴ التباس پیدا خواهد کرد و اشکالاتی پیدا خواهد شد عقیده بنده این است که در کمیسیون بیشتر مطالعه شود و اصلا اسم صنف بآن معنی که بنده عرض می کنم یعنی اصنافی که کارگر و عمله هستند و با دستشان کار میکنند آنها باید بکلی معاف باشند و آنهایی که با اسم اصناف دولی روحاً و معنأ تاجرند داخل تاجر شوند اعم از درجه اول و دوم و سوم و چهارم اینچنان برای اصناف يك ماده دیگر معین کردن و تکلیفاتی معین کردن بنده گمان می کنم که در آتیه بین مأمورین اجرا و مردم کشمکش تولید خواهد شد و برای اینکه بنده از نجات فرار کنم می گویم که اصناف کی تشخیص میدهد اصناف را با تاجر؟ این است که این ماده خیلی کش دارد و در موقع اجرا خیلی مشکلات بر می خورد باین جهت بنده مخالفم اصلاً باید ماده برود و تفکیک شود کارگر از اصناف از اصنافی که خرید و فروش میکنند و کار تجارت میکنند تاجر يك چیزی را خودش نمیسازد از يك دست میخرد از يك دست دیگر میفروشد ولی گیوه باف گیوه را میبافد بعد از آن میفروشد این گیوه باف نباید مالیات بدهد دوازده نباید مالیات بدهد زگر نباید مالیات بدهد کفش دوز نباید مالیات بدهد ولی يك تاجر کفش فروشی که از کفش دوز میگیرد و آنجا برای خودش يك معاذه باز کرده است و میفروشد باید مالیات بدهد تاجر است اصناف نیست باید بکسی این ماده از بین برود و اینها کلاسه شود آنهایی که در عموم و خصوص تجارند تفکیک شوند آنهایی که اصنافند یعنی بمعنای کارگر بکلی معاف شوند الا

در موقع اجرا اشکالات فوق العاده تولید خواهد کرد وزیر عدلیه -- اما راجع باینکه تشخیص صنف تاجر در عمل مشکل است بنده این را هیچ معتقد نیستم بنده تصدیق می کنم که از نقطه نظر قانون تجارت صنف و دلال و تاجر بمعنی صحیح نام کلمه همه آنها تاجر حساب میشوند ولیکن در عمل اصناف امروز از هر کسی سؤال شود خودشان میدانند که تاجر کجا هستند و اصناف کجا هستند اگر آقا زحمت بکشید و تشریف ببرید توی همین بازار طهران بشما نشان خواهند داد و نفر که مطلع باشند بشما نشان خواهند داد که این جزو تاجر محسوب میشود یا جزو اصناف عرفاً بنده عرض نمی کنم که تعریف قانونی دارد طوری عرفاً از هم جدا هستند که هیچ ابداً تصور نمیشود کسی اشتباه کند و گیر کند در موقع اجرا . حالا این تعریفی که آقا کرده اند که آنکسی که با دست کار میکند و با دهان میخورد دهان که همه میخوریم با دست کار میکند این را اگر آقا ملاک قرار دهید اسباب زحمت است زیرا ملاحظه میفرمائید نوشته ایم سالی پنجاه هزار تومان اگر کمتر فروخته می کند اصلاً معاف است ولی تصدیق میفرمائید ما مقصود این نیست آنکسی که آهنگری میکند یا بقول آقا گویم میبافد از او بیائیم مالیات بگیریم (صحیح است) بل از او نمیگیریم برای اینکه کمتر است اما راجع باینکه تفکیک کردم بیشتر برای این بوده است که نسبت باصناف يك مالیات کمتری گرفته شود که نسبت با آنها ارفاق باشد ملاحظه میفرمائید درجه اول آنها را صد تومان فروخته داده ایم در صورتیکه تاجر را دویست و پنجاه تومان معین کرده ایم و خواستیم باین طبقه يك ارفاقی باشد حالا اگر موافق باشند ممکن است پیشنهاد کنند آن هم جزو تاجر باشند جمعی از نمایندگان - کافی است رئیس -- آقایان موافقین با کفایت مذاکرات فرمایند .

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهادات قرائت میشود :
پیشنهاد آقای طهرانی
مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد میکنم در ماده پنج تبصره ۱ به ترتیب ذیل ملاحظه شود :

صنف درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش هزار چهار هزار تومان و زیاد تر از هشتاد هزار تومان بود صنف درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش هزار سی هزار تومان نبوده و از پنجاه هزار تومان تجاوز نکند صنف درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش پانزده هزار تومان و از سی هزار تومان زیادتر بود .

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت عظمه
پیشنهاد میشود در تبصره اول ماده ۵ عبارت و منتهی پنجاه هزار تومان باشد از آخر تبصره حذف شود

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ و منتهی پنجاه هزار تومان حذف شود از تبصره اول ماده ۵

پیشنهاد آقای محمود رضا

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی تبصره ذیل را از تبصره ۳ ماده پنج پیشنهاد مینمایم :

تبصره ۳ علافها و طوافها و اشخاصیکه در خارج از مرز و قسبات خرید و فروش مینمایند از پرداخت مالیات معاف خواهند بود .

پیشنهاد آقای ضیاء

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی
نظر ارفاقی که نسبت به تاجر شده و رعایت حال به نیز مورد توجه نمایندگان محترم است اصلاح ماده را بترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم

ماده ۵ - اصناف بترتیب ذیل مالیات خواهند داد

الف - کاسب درجه اول سالیانه ۸۰ تومان

ب - " " " دوم " ۴۰ "

ج - " " " سوم " ۱۸ "

بقیه بر طبق تبصره های ماده ۵ با تبدیل کلمه صنف به کاسب
پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست محترم دامت عظمه

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره دوم ماده پنج سطر دوم بعد از کلمه تجاوز نمیکنند اضافه شود باستثناء خرازی فروشی و دوا فروشی از پرداخت مالیات معاف است

پیشنهاد آقای سید مرتضی خان وثوق

مقام عالی ریاست مجلس مقدس دامت شوکتہ - بنده
پیشنهاد میکنم که مشخص درجه بندی تاجر و اصناف فروش نبوده از عموم تاجر و کسبه مالیات جواز مطابق درجه بندی که در مالیه های هر محل در کمیسیونیکه از خود تاجر و کسبه تشکیل میشود دریافت دارند

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در تبصره اول کلمه منتهی حذف شود و این نوع اصلاح شود بیش از سی هزار تومان بیابا باشد
ایضاً پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره ماده پنج عتیقه فروش مستثناء شود

پیشنهاد آقای فرشی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

این بنده پیشنهاد میکنم ماده پنج اصلاح حذف شود و صنف تاجر با اصناف در ماده کاملاً تصریح و اصناف از تأدیه مالیات معاف باشند

رئیس - ماده ششم قرائت میشود :

ماده ۶ - وکلای عدلیه و اطباء بتناسط ذیل مالیات

خواهند داد

سالیانه در طهران در ایالات و ولایات
الف- طبیب و وکیل درجه اول ۱۲۰ تومان ۶۰
ب - " " درجه دوم ۴۸ " ۲۴
ج - " " درجه سوم ۶ " ۳
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - موافقم
رئیس - آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - در این ماده چون آقای وزیر عدلیه يك توضیحی فرمودند یعنی در ضمن اظهار تکیلات که گمان میکنم با آن توضیحی که فرمودند این ماده يك نواقصی داشته باشد و آن قسمت درجه بندی است که در این ماده شده چون صبح فرمودند که از روی فضیلت و ترتیب علمی درجه بندی نشده بلکه از روی عایدات است آنوقت ماده را که نگاه کنیم هیچ ملاحظه عایدی در اینجا نشده است و معین نشده است که تا چه میزان عایدات باید درجه اول باشد تا چه میزان عایدی درجه دوم و سوم باشد بنا بر این بنظر بنده این ماده يك نقصی دارد اگر از روی علم و فضل است بایستی یکدرجه بندی بشود و اگر از روی عایدی است لابد باید يك تناسبی برای عایداتشان معین شود برای خود آنها که میخواهند معین کنند درجه اول و دوم و سوم هستند از روی چه نظر این اظهار نامه را بدهند و از روی چه ترتیب این درجه بندی معین می شود . گمان میکنم لازم است یک توضیحی بفرمایند که تکلیف این قسمت معین شود .

وزیر عدلیه - اما راجع باینکه در اینجا هیچ ذکری از عایدات نشده است بنده تصور میکنم اگر آقا توجه بفرمایند در ماده ۷ ملاحظه خواهید فرمود که می نویسد افراد مذکوره در ماده ۶ که اطباء و وکلاء باشند اظهار نامه های خود را مطابق عایدات خود در ضمن اظهار نامه که میدهند باید در نظر بگیرند حالا صحبت در این است که آیا چه قدر عایدات داشته باشد

تا طبیب درجه اول بشود . این مسئله را ما سهل کنیم ما خواستیم اسباب زحمت نشود ، مثلاً اگر فلان فرد عایدی داشت درجه اول است یا فلانقدر عایدی داشت درجه دوم است . با وجود این آقا اگر لازم میدانید تشخیص شود ممکن است پیشنهاد بفرمائید
رئیس - آقای ملک موافقت ؟

ملک مدنی - بلی
رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - در اینجا بنده اشکالاتی می بینم که لازم میدانم توضیح بدهم . اولاً اینکه در بین طبیبان بعضی ها هستند که شغل آزاد دارند و بعضی ها مستخدم دولتیند آنهاست که مستخدم دولتیند بر طبق یکماده دیگری مالیات می پردازند و در اینجا هم باز باید مالیات بدهند و این دو مالیات می شود و باید در یک قسمت معاینه بشود بعلاوه اینطوری که نوشته شده است مالیات بر طبیب و وکلاء بمعقیده بنده زیاد نوشته نشده و این درجه هم که قرار داده شده عادلانه است نسبتاً . معذکراً اطباء را معاف کنند بهتر است زیرا مالیات بر طبیبان حقیقت مالیات بر مریض است . وقتی که به طبیب مالیات بدهند به بندند اطباء حالا يك ارفاقهایی بمرم و مرضی میکنند و معالجات مجانی میکنند و دواهای مجانی میدهند مخصوصاً در ولایات در مرکز هم همینطور است . اگر گاهی هم اینطور نیست ولی عموماً اینطور است که در مواقع شب و سرما و گرما يك ارفاقهایی نسبت به طبیبان بی بضاعت میکنند ولی اگر چنانچه مالیاتی قرار داده شود بر اطباء اینقدر شناسایی میشود نسبت به زحمات و آنها هم مجبورند که از تمام مردم پول بگیرند و در عین حالی که سابقاً میکردند حالا نخواهند کرد . و این بدستشان می آید که ما مالیات میدهیم و بایستی اجرت بگیریم پس اگر صلاح میدانید کلیه اطباء را از دفعه مالیات معاف میکردید و در حقیقت بفرمائید بود این یکقسمت . قسمت دیگر همان بود که عرض کردم

که این ها ممکنست مشمول دوسه ماده بشوند . یکقسمت دیگری هم هست که موضوع امتیاز فضلی است که مکرر در اینجا گفته شده و در نتیجه توضیحاتی که فرمودند احدی میشود قانع شد ولی اگر چنانچه این طبقه را مشمول ماده ۹ قرار بدهید (ماده ۹ آماده است که میگوید باید از عایداتشان مالیات گرفت) بالاخره طبقه مشمولین ماده ۶ را جزو ماده ۹ قرار بدهیم و این ماده اصلاً حذف شود و جزو ماده ۹ قرار داده شود بهتر است . نوشته شود این طبقه جزو ماده نهم است . این يك طریقی است که مراعات امتیاز فضلی هم در عمل خواهد شد . و بدوات هم صدمه وارد نمی آید آن کسی هم که بیشتر عایدی دارد نیز مالیات میدهد و اگر ممکن است از قسمت طبابت مالیات گرفته نشود اینهم يك رعایتی است که عرض شده

امیر تیمور کلای - متشکرم
وزیر عدلیه - در آن قسمتی که فرمودند اطبائی که مستخدم دولتیند چه خواهند کرد این خیلی سهل است . که خارج از وقت استخدام دولتی شان وقتی دارند که مالیات بدهند يك عایداتی پیدا کنند در نا مالیات میدهند که مالیات از حقوق دولتی و از يك طرف مالیات بر عایدات و واقعا کار دیگری ندارند که البته يك مالیات بدهند (صحیح است) اما راجع بقسمت اینکه فرمودید این مالیات بر اطباء در حقیقت مالیات بر مرضی است . بنده همیشه در قسمت اطباء نظر بان توصیه که فرمودم کرده است دارم که چو به گشتی طبیب از خود بزار . بنده همیشه میخواهم چراغ را از برای تاریکی بردارم . البته حالا هم که کسالت دارم بیشتر مایل هستم با احترام صحبت کنم و البته هم میکنم و آن احترام بنده بجای خودش هست و خیلی با احترام هستم با آنها سوء تعبیر نشود ولی آیا آقا تصور میفرمائید که مجال تا این ساعت که اطباء چیزی نمیدادند يك

ارفاق های فوق العاده در اغلب مواقع میکردند ؟ (اغلب از نمایندگان - خیر) البته بنده تصور میکنم که بعضی آقایان همینطورند که آقا گفتند یعنی ارفاقهایی کرده و میکنند ولیکن میدانید که روی نوادر نمیشود قانون گذاشت بطور عموم از اشخاصی که میشد چیزی گرفت می گرفتند مگر اینکه يك دوستی و خصوصیتی در بین بوده است . از آن شخصی که میشد چیزی گرفت می گرفتند حالا اگر کسی بود که ازش هیچ چیز در نیامد چه کار میکردند ؟ بنا بر این بنده تصور میکنم که آقا راضی نشوید در وقتی که تقریباً تمام طبقات دارای مملکت کسانی که چیز دارند و می توانند کمک کنند بصندوق مملکت و دولت می آیند و سهمشان را می برزند آنجا يك طبقه دیگری (اطباء) را بگوئیم باید کنار گذاشت و چیزی نگرفت بنده نسبت باطباء خیلی خوش بین تر از این هستم که آقا میفرمائید بنده یقین دارم اطباء نمی آیند و وزیرت خود شان را بالا ببرند و این مالیات را بر مرضی تحمیل کنند و اگر این ها را بگذاریم جزء ماده ۹ اشکالاتش بیشتر است . ماده ۹ در حقیقت مثل يك اطاق وزیر زه بنی است که در هر خانه هست که آنانیه در اطاق های دیگر هست و میگویند خوب نیست میریزند توی آن اطاق انبار ماده ۹ هم در این قانون این است . ما سعی کردیم کم کم همه را ببریم آن تو . حالا نمی خواهیم اطباء را بگذاریم آن تو . خیر . اطباء را بگذاریم آن تو . خیر . اطباء باید بیرون باشند که همه ببینند چه میدهند و همه ممنونشان باشند . ماده ۹ ما اشخاصی است که خیلی لازم نیست اسمشان را بشرح و تفصیل در اینجا ببریم آنها را میگوئیم بروند تو انبار

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :
پیشنهاد آقای دکتر ملک زاده
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتة نظر باینکه مالیات بر عایدات طبقه اطباء متضمن اشکالاتی که برای سایر طبقات از قبیل تجار و اصناف

تصور میشود نیست بعلاوه در تمام دنیا طبقه بندی اطباء از روی مقامات و مراتب عامی آنها میباشد لهذا پیشنهاد می کنم که ماده ۶ قسمت راجع باطباء بترتیب ذیل اصلاح شود:

الف - طبائیکه منافع ماهیانه آنها از چهار صد تومان تجاوز میکند در سال یکصد و بیست تومان مالیات خواهند داد.

ب - طبائیکه منافع ماهیانه آنها مابین صد و پنجاه تومان و چهار صد تومان است در سال پنجاه تومان مالیات خواهند پرداخت.

ج - طبائیکه منافع ماهیانه آنها مابین شصت و صد و پنجاه تومان است در سال پنج تومان مالیات خواهند پرداخت.

پیشنهاد آقای جشیدی و همراز

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

ماده ذیل را بجای ماده ۶ پیشنهاد می کنم:

ماده ۶- در صورتی که عواید و کلاهی عدلیه و اطباء سالیانه بیش از هفتاد و پنج تومان باشد نسبت بمزاد از مبلغ مزبور نیم عشر مالیات دریافت خواهد شد

پیشنهاد آقای فولادوند

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

بند پیشنهاد میکنم در ماده ۶ همانقسم که بین وکلاء و اطباء طهران و ایالات تفاوت قائل گردیده اند بین وکلاء و اطباء ایالات و ولایات هم همین تفاوت را قائل و رعایت فرمایند.

پیشنهاد آقای بیات

تبصره ذیل را بماده ششم پیشنهاد میکنم:

تبصره- طبائیکه دیپلم از مدارس خارجه دارند طبقه درجه اول و طبائیکه دیپلم از مدارس داخلی دارند درجه دوم طبائیکه با جواز وزارت معارف طبابت میکنند درجه سوم

پیشنهاد آقای عامری

مقام محترم ریاست معظم مجلس شورای ملی دامت شوکت

بند پیشنهاد میکنم که راجع بمالیات وکلاء عدلیه از روی دفتر قانونی که اداره احصائیه بآنها میدهد از فروردین ۲ از عواید آنها دریافت شود

پیشنهاد آقای مرآت اسفندیاری

مقام منبع ریاست مجلس

بند پیشنهاد می کنم درجات اطباء از روی تقبیل و دیپلم معین شود درجه اول دیپلم خارجه درجه دوم دیپلم داخله درجه سیم اطباء مجاز

رئیس- ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷- طبقات مذکوره در مواد ۴ و ۵ برای اشتغال بمشاغل خود باید جواز تحصیل نمایند و مبالغ مذکوره در آن مواد به عنوان حق جواز خواهند شد.

هر يك از افراد طبقات مذکوره در مواد ۴ و ۵ مکلف هستند اظهار نامه که حاکی از میزان فروش سالیانه و مشخص درجه بندی آنها خواهند بود بمالیه محل بدهند.

افراد طبقات مذکوره در ماده (۶) درجه خود را مطابق عایدات خود در ضمن اظهار نامه که خواهند داد معین می نمایند.

اشتغال بمشاغل مذکوره در مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۷ تحصیل جواز ممنوع بوده و متخلفین مجرمه معدوم تا ده برابر حق جواز محکوم خواهند شد.

رئیس- آقای اعتبار

اعتبار- در ماده ۷ ننوشته جواز را چه باید بگیرند. نانیاً تا کی اگر اینها بگیرند آنوقت جریمه به آنها تعلق خواهد گرفت؟ يك ماه در ماه اگر نگیرد جریمه تعلق خواهد گرفت؟ بعلاوه ده برابر جریمه زیاد است و بمعقیده بنده هماف سه برابر کافی است اگر تخلف کرد همان سه برابر کافی است. بعلاوه آن قسمتی که عرض کردم لازم است معین شود که در چه وقت و چه قسمتی

در مطالبه جواز کند که اگر نکرد آنوقت برای او جریمه قائل شدید؟

وزیر عدلیه - پیشنهاد بدهید آقا

رئیس- آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس- بفرمائید

شریعت زاده - بنظر بنده این ماده منشاء يك نكلات زیادی خواهد شد اولاً این مجازاتی که معین شده مناسب نیست نانیاً مشخص تخلف کی باید باشد ثانیاً این جواز نسبت به طبقه وکلاء خواستم بفهمم و از آن جوازی است که از طرف وزارت عدلیه داده شده است؟ و اگر غیر از آن است چه ضرری دارد که

بذیل شود این بهمان جواز وزارت عدلیه که در ضمن آن جواز این جواز را هم اضافه کنند و بگیرند معنی دارد که یکجا جواز توسط وزارت عدلیه داده شود و یکجا توسط وزارت مالیه این خوب نیست

تقاضا می کنم که آقای وزیر عدلیه باین مطلب اصرار داشته باشد

وزیر عدلیه - بنده تقاضا می کنم که آقا هم این نظریات خودشان را بطور پیشنهاد بیاورند روی این بفرستند به کمیسیون در آنجا اظهار نظری شود

شریعت زاده - بسیار خوب

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقای سید یعقوب - عرض دارم

رئیس- آقای وثوق

وثوق - عرضی ندارم. پیشنهاد میکنم.

بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

بعضی دیگر - کافی نیست

رئیس- آقای طاهری

دکتر طاهری - به عقیده بنده اینجا باید در ماده ۷ اظهار نامه که می نویسد حاکی از میزان فروش سالیانه باشد. باید مقصود میزان فروش سال قبل باشد زیرا میزان فروش سال آتی را که او نمی تواند تشخیص بدهد پس باید اینجا معین شود که آن چیزی که ممکن است خیلی اسباب اختلاف شود همین ماده است و باید مذاکرات زیاد بشود. این ماده از همه مواد مهم تر است. چون ماده ایست که راجع باجرای این قانون است و بایستی کاملاً واضح باشد. زیرا این ماده در طرز اجرای این قانون است سایر مواد دیگر تکلیف مالیات دهنده را معین می کند که چقدر باید مالیات بدهد و در این ماده است که چطور باید وظیفه مودی معلوم شود و وظیفه او در اجرای این قانون چه چیز است در این ماده می نویسد که اظهار نامه باید میزان فروش سالیانه را داشته باشد باید بنویسد که میزان فروش سال قبل را معین کند تا برای کسی که میخواهد تجارت با کسب کند دچار اشکال نشود زیرا همچو آدمی چطور بتواند بدون تخلف میزان فروش خود را معین بکند کسی که حالا وارد کسب و تجارت میشود و میخواهد اجازه بگیرد او نمیتواند میزان فروشش را معین کند بطوری که در ماده چهارم معین شده بدون تخلف و اگر تخلف کرد ده برابر جریمه بدهد این يك موضوع موضوع دیگر این است که وقتی که افراد طبقات مذکوره در ماده شش تقاضای جواز میکنند باید درجه خودشان را مطابق عایدات خود اظهار و تقاضای جواز کنند در صورتیکه عایدات که ماخذ جواز قرار داده نشده است این دو موضوع موضوع سوم این است که متخلفین به جریمه که معادل با سه الی ده برابر است محکوم خواهند شد و این خیلی زیاد است و باید معادل دو برابر حق جواز جریمه بدهند و مدت آنرا هم باید در يك تاریخی معین کنند که از وقتیکه ابلاغ کردند تا چه مدت باید مهلت داشته باشند اینها باید معین شود چون يك موادی است که اسباب اشکال خواهد شد.

وزیر عدلیه - که ان میکنم آقا فرمایش خود را پیش نهاد بدهند بهتر است
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است (بلی) پیشنهادات قرائت میشود:
پیشنهاد آقای طلوع

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
پیشنهاد میکنم: سطر اخیر در ماده ۷ که نوشته است
و متخلفین بجریمه معادل سه تا ده برابر حق جواز محکوم
خواهند شد حذف شود.

پیشنهاد آقای سید مرآضی وثوق
مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکت
فراز آخر ماده ۷ را بترتیب ذیل اصلاح و پیشنهاد
می نمایم: اشتغال بمشاغل مذکوره در مواد ۴ و ۵ و ۶
بدون تحصیل جواز در مدتی که این قانون معین میکند
ممنوع بوده و متخلفین بجریمه ضعف حق جواز محکوم
خواهند شد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
پیشنهاد میکنم در ماده ۷ سطر متخلفین الخ حذف
شود و این نوع اصلاح پیشنهاد میکنم
متخلفین از قانون پس از اخطار از طرف مامورین
وصول و عدم تمکین در سال اول وصول مالیات با یک
برابر بعنوان تخلف از قانون در سال دوم دو مقابل تا
موقعی که تمکین از قانون نماید

پیشنهاد آقای فولادوند
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکت
بنده پیشنهاد میکنم در قسمت اخیر ماده ۷ راجع
بجریمه و متخلفین در تحصیل جواز مشاغل باین ترتیب
اصلاح شود متخلفین در سنه ۳۰۹ بجریمه مضاعف و
در صورت تکرار یا تأخیر از سنه ۳۱۰ بیعده معادل سه
برابر حق جواز محکوم خواهند شد

پیشنهاد آقای دکتر طاهری
مقام منبع ریاست دامت شوکت

پیشنهاد میشود در ماده ۷ بعد از عبارت فروش
اضافه تبدیل شود بفرش سال قبل.

پیشنهاد آقای اعتبار
تصرفه ذیل را بماده (۷) پیشنهاد میکنم
صدور جواز برای هر سال در فروردین ماه
بعمل خواهد آمد و هر گاه تا آخر خرداد ماه
میزان فروش یا عواید سنه گذشته خود را
ننمود بجریمه معادل دو برابر حق جواز محکوم
خواهند شد

پیشنهاد آقای فرشی
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکت
این بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۷ یک مدتی که کمتر از
ماه نباشد ضرب الاجل قرار بدهند و در قسمت متخلفین
مواد ۴ و ۵ و ۶ متخلف ضعف حق جواز را بجز
جریمه پرداخت نمایند

پیشنهاد آقای طهرانی
مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم ماده ۷ در قسمت متخلفین بجریمه
سه تا ده بترتیب ذیل اصلاح شود جواز گیرندگان
آخر ماه دوم سال باید جواز تحصیل کرده باشند و در
صورت تخلف پس از اثبات دو برابر حق الجواز خواهند
داد اثبات تخلف و یا عدم تخلف بترتیب حکمیت تعیین
خواهد شد باین ترتیب یک نفر را متهم به تخلف
یک نفر هم مدعی تخلف معین و یکی هم بقرعه معین
میشود این حکمیت بکدرجه و رأی اکثریت حکمیت
قطعی خواهد بود انتخاب حکم و اظهار عقیده پیش از
یکماه نخواهد بود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
پیشنهاد میکنم در ماده ۷ تشخیص تخلف نمایندگان
خاتمه داده شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری
مقام منبع ریاست دامت عظمت
در ماده ۷ پیشنهاد می شود عبارت (افراد متخلفین

مذکوره در ماده شش درجه خود را مطابق عایدات
خود در ضمن اظهار نامه که خواهند داد معین نمایند
حذف شود.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی
بنده پیشنهاد میکنم که در آخر این ماده اضافه شود
که حق جواز در آخر سال دریافت می شود چون ظاهر
ماده هفت اینست که در اول وقت گرفتن جواز
باید بدهند

پیشنهاد آقای لاریجانی
مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی دامت شوکت
بنده پیشنهاد میکنم کله تا ده در قسمت اخیر ماده
حذف شود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری
مقام منبع ریاست دامت شوکت
پیشنهاد می شود بعد از کلمه متخلفین در ماده ۷
اضافه شود (پس از اخطار مالیه و سه ماه مهلت) و جریمه
ضعف حق الجواز قرار داده شود
رئیس - ماده هشتم قرائت می شود:

ماده ۸ - کسانی که از عواید ملکیتی و بلدی حق و
گردد باستانهای نظامیان و متقاعدین بنسب ذیل مالیات
خواهند داد

الف) هر کسی بیش از سی و پنج و منتهی پنجاه تومان
حقوق ماهیانه می گیرد نیم در صد از کل حقوق
ب) هر کس بیش از پنجاه و منتهی صد تومان حقوق
ماهیانه می گیرد نسبت به مازاد یک و نیم در صد
ج) هر کس بیش از صد و منتهی دویست تومان حقوق
ماهیانه می گیرد نسبت بمازاد دو در صد
د) هر کس بیش از دویست تومان حقوق می گیرد نسبت
بمازاد چهار در صد

رئیس - آقای فرهمند
فرهمند - عرض کنم این قسمت مربوط است به حقوق
متخلفین هر کس بیش از سی و پنج و منتهی پنجاه

تومان حقوق ماهیانه میگیرد نیم در صد بدهد تصدیق
می فرمایند که اگر مجموع این لایحه را ملاحظه بفرمائید
مالیاتهای است که بر طبقات بسته شده است و اینجا
مشوجه اشخاص میشود که عایداتشان محدود است و از
خزانه دولت میگیرند برای اینکه اگر از تاجر مالیات
گرفته میشود او بر مال التجاره اش اضافه میکند سایر
طبقات هم همینطور پس وقتی که نظر میکنید می بینید
آنهاست که باید از عایدات مشروعات مالیات بدهند و
مال سایرین را هم بدهند همه مستخدم دولتند بنده
اینجا پیشنهادی کردم که از پنجاه تومان تا صد تومان
صدی نیم و همانطور بترتیب و تناسب بالا برود منتهی
برای جبران این از سیصد به بالاتر بنده صدی پنج
پیشنهاد کردم تا ضرری متوجه دولت هم نشود

وزیر عدلیه - برای این اظهار اخیرشان بود که بنده
خصوصاً پا شدم والا میگفتم پیشنهاد کنند تا این قسمت
آخر جنبه نداشته باشد که هو کنند (فرهمند - بنده
نظر هو نداشتم) بنده در این قسمت ها شاید قدری
زیر دست تر باشم و عرض میکنم که از سیصد به بالا
وزراء هستند که آنها چند نفری بیشتر نیستند و این چند
نفر ممکن نیست که جبران آن چندین صد هزار نفر را
بکنند معذراً پیشنهادتان در کمیسیون مطالعه میشود.

رئیس - آقای زوار
زوار - موافقم
رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - موافقم
رئیس - آقای مؤید احمدی
مؤید احمدی - در لایحه دولت در ماده ۹ عایدات

اشخاص آزاد را چهار صد تومان قرار داده بود بعد از
مذاکرات در فرا کمیسیون کمیسیون عدلیه پانصد تومان
قرار داد (بعضی از نمایندگان - کمیسیون قوانین مالیه)
کمیسیون قوانین مالیه پانصد تومان قرار داد از این جهت

بنده عقیده دارم که مستخدمین تا رتبه ۲ را هم معاف کنیم که مطابق آنها باشد چون از چهل و پنج تومان به بالا که تقریباً در سال همان پانصد تومان میشود از آنها مالیات بگیرند اگرچه این حقوق جزئی است ولی این تساوی را باید رعایت کرد فرض فرمائید يك نفر مستخدم دولت مثل يك نفری که طوافی میکند یا يك نفری که ناوه کشی میکند (حالا نمیگوئیم احتراماتش بیشتر نباشد) و حال آنکه از حیث مخارج و لباس و تشریفات خانه باید يك رعایتی از او بشود چون آنها ما بالا بردیم و میزان را پانصد تومان قرار دادیم عقیده بنده این است که در مورد مستخدمین هم از چهل و دو تومان به بالا قرار بدهیم که از روی تساوی هر دو بشود سالیانه پانصد تومان و مطابق میشود با ماده ۹ و روی این زمینه پیشنهادی هم عرض کرده ام

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - مخالفم

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بعقیده بنده آقای مؤید احدی این اظهاراتی که می کنند تا درجه ارفاق است در کمیسیون راجع بان طبقه که عایداتشان تا سیصد و شصت تومان بود يك ارفاقی که باید بشود شده و اینهم يك مبلغ خیلی جزئی است بعلاوه اگر در این قسمت باز نظر بانی دارند ممکن است پیشنهاد بکنند در کمیسیون مطالعه می شود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض می کنم اینجا ما ارفاق بیشتری نخواستیم بکنیم نظری که آقای مؤید احدی داشتند تقریباً همان نظری بود که در قانون پیش بینی شده یعنی اینجا نوشتیم هر کس در سال تا معادل پانصد تومان عایدات

دارد او معاف است در این جا هم ما خواستیم همین رعایت منظور شود برای اینکه ما اگر بپنجاه و پنج و دو تومان را مأخذ بگیریم معادل می شود همان مبلغ تصدیق می فرمائید که مستخدمین تا چهل و دو تومانی باید با يك زحمت و مشقت زیادی بود مخارج خودش را اداره کند و بیشتر باید به خود زحمت بدهد ما گفتیم او هم در ردیف آنها باشد که تا پانصد تومان معافند ارفاق بیشتری نخواستیم بنده او هم مثل يك عمله است و اگر همین چهل و دو تومان را مأخذ قرار بدهیم سالیانه پانصد و چهار تومان می شود

وزیر عدلیه -

اولاً فراموش فرمائید که این دولت حد اکثرش را در سال سیصد و شصت تومان قرار داده بود ماهی سی تومان در کمیسیون آمدند اظهار نظر کردند که نسبت باشخاصی که از يك طرف دیگری دارو يك عایداتی هستند يك ارفاقی بشود دولت هم موافقت کرد و میزان را پانصد تومان قرارداد و مال مستخدمین را تا سی و پنج تومان معاف کرده و باین ترتیب که ملاحظه میکنید نسبت به مستخدمین ارفاقی شده و حال هم در عمل تفاوت زیادی نمیکند چون رتبه يك سه دو تومان میگیرد حد اقل بعد تا سی و هفت تومان میرسد حد اکثر او اگر این آدم خیلی اسباب ضرورت است وقتی که به سی و پنج تومان رسید آن دو تومان اضافه را نگیرد که مالیات بدهد (خنده نمایندگان) درریال باید بدهد دادن فرداً فرد ماهی دو ریال بر آنها اشکالی ندارد ولی برای دولت خیلی میشود (خنده) درریال هم کمتر میشود (بنابر این بنده به خود آقای وزیر میگویم که شما يك کمک بزرگی نکردید حال آنها بدولت يك ضرری زده اید در هر حال نمکن است هم پیشنهاد بدهید در کمیسیون مذاکره میشود بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است (بلی) پیشنهادات نرائت بنده

پیشنهاد آقای طلوع

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم قسمت الف و ب و ج از ماده ۸ حذف شود

پیشنهاد آقای کیا

بنده پیشنهاد مینمایم فقره ۱ ماده باین ترتیب نوشته شود.

الف) هر کس بیش از چهل و سه تومان الی پنجاه تومان حقوق ماهیانه میگیرد نیم درصد از کل حقوق

پیشنهاد آقای بزرگ نیا و مصباح فاطمی

مقام منبع ریاست دامت شوکتہ

نظر باینکه مندرجات قسمت الف از ماده هشت بعلاوه اینکه اسباب زحمت مستخدمین جزء میشود عایدات عمده هم برای دولت ندارد پیشنهاد می کنم قسمت الف از ماده حذف شود

پیشنهاد آقای فرهمند

ماده هشت را بترتیب ذیل اصلاح و پیشنهاد می نماید

- ۱ - هر کس بیش از پنجاه و منتهی صد تومان حقوق ماهیانه میگیرد نیم درصد.
- ۲ - هر کس بیش از صد و منتهی دویست تومان حقوق میگیرد يك درصد.
- ۳ - هر کس بیش از دویست و منتهی سیصد يك نیم درصد.
- ۴ - هر کس بیش از سیصد حقوق میگیرد پنج درصد.

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

مقام رفیع ریاست مجلس مقدس شورای ملی این بنده پیشنهاد می کنم فقره اول از ماده ۸ بطریق نوشته شود

۱ - هر کس بیش از ۴۲ تومان و منتهی ۵۲ تومان حقوق ماهیانه می گیرد نیم درصد از کل حقوق

پیشنهاد آقای اعتبار

قسمت الف از ماده ۸ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

الف - هر کس بیش از ۴۲ و منتهی پنجاه تومان

حقوق ماهیانه میگیرد نیم درصد از کل حقوق

پیشنهاد آقای ناصری

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتہ پیشنهاد میکنم ماده ۸ بطریق ذیل اصلاح شود

کسانیکه از عواید ملکی و بلدی و از محل اوقاف حقوق می گیرند الی آخر.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم کدلفظ باستثناء نظامیان از ماده هشت حذف شود

پیشنهاد آقای ملک آرائی

پیشنهاد می کنم مأمورین نامینیه اعم از نظمیه و امنیه جزء نظامیان محسوب شوند

پیشنهاد آقای مصدق جهانشاهی

بنده پیشنهاد میکنم صاحب منصبان نظمیه و امنیه از تأدیه مالیات از مقرری خود معاف شوند

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمتہ پیشنهاد میشود قسمت الف از ماده ۸ اینطور اصلاح شود

الف - هر کس بیش از ۳۵ و منتهی پنجاه تومان حقوق ماهیانه می گیرد نیم درصد مازاد از سی و پنج تومان

پیشنهاد آقای قاضی نوری

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم ماده هشت اینطور اصلاح شود

ماده يك - هر کس حقوق او الی پنجاه تومان برسد از مالیات معاف.

ماده دوم - کسانیکه حقوقشان از پنجاه تومان اضافه و تا یکصد تومان برسد مازاد پنجاه تومان يك و نیم درصد.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده هفتم این نوع اصلاح شود

الف - هر کس بیش از پنجاه و منتهی یکصد تومان باشد نیم در صد .

ب - هر کس از یکصد منتهی دویست تومان يك در صد

ج - هر کس از دویست تا سیصد يك و نیم در صد از سیصد بیلا يك در صد

پیشنهاد آقای طهرانی

مقام منبع ریاست مجلس

پیشنهاد میکنم در ماده هشت بترتیب ذیل اصلاح شود کسانیکه زائد از سیصد تومان حقوق میگیرند نسبت بمازاد پنج در صد مالیات بدهند

رئیس - قبل از اینکه این ماده ۹ را قرائت کنیم یاد آوری میکنم که منظور آقای دهستانی از پیشنهاد خودشان این بود که با وجود اینکه تا پنجاه هزار تومان معاف است از خرازی فروش و دوا فروش تا پنجاه هزار تومان هم مالیات گرفته شود اگر تلفظ شده نشود بر خلاف منظور ایشان بوده ماده نهم قرائت میشود :

ماده ۹ - کسانیکه از غیر از منابع فوق عایدات سالیانه بیش از پانصد تومان دارند باستثنای مواردی که آن عایدات مشمول قانون موسوم بقانون مالیات املاک اربابی و دواب مصوب ۲۰ ذیماه ۱۳۰۴ شمسی است به تناسب ذیل مالیات خواهند داد

الف (پانصد تومان تا دو هزار تومان عایدات سالیانه صدی يك

ب) از دو هزار تومان تا ۶ هزار تومان عایدات سالیانه نسبت بمازاد صدی دو

ج) از شش هزار تومان عایدات سالیانه بیلا نسبت بمازاد صدی سه

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری -

بنده در این قسمت میخواستم عرض کنم که البته منظور دولت چنانکه مذاکره شد اینجای عایدات خالص است و اینجا خواستم مذاکره شده باشد تا معلوم باشد مقصود عایدات خالص است و بملاوید ماده هم طوری تنظیم شود که شبهه نشود که در تجارن يك جواز تجارتي و يك مالیات بر عایدات هر دو باید گرفته شود و این شبهه در بین نباشد . بایستی تصریح شود کسانی که مشمول مواد دو سه چهار پنج شش هفت هستند و عایدات خالص سالیانه شان بیش از پانصد تومان است آنها باین تناسب باید مالیات گرفت . نظرم این بود که اینطور بنویسند .

رئیس - آقای زوار

زوار - ناگزیرم تذکر محترمانه با اکثریت مجلس شورای بدهم البته تشکیل فرا کسیون در تمام ممالک و بیارلمان است هست در تشکیلات فرا کسیون اقلیت و اکثریت هم هست ولی در هر صورت اقلیت مطیع اکثریت است هیچ گفتگوی هم ندارد (خنده نمایندگان - صحیح است) منظور خنده این بود ؟! که اکثریت مطیع اقلیت است (خنده نمایندگان)

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - (خطاب به آقای زوار) کمی جدی باشد

زوار - فرا کسیون يك اکثریتی دارد البته همه آقایان میدانند شب های چهارشنبه جلسه است هر لایحه که دولت می آورد به مجلس شورای ملی با اکثریت مجلس مذاکره می کنند . خود بنده ختمی عضو آن فرا کسیون هستم و همیشه حاضرم تا آخر فرایکسیون نمی فهمم آن صدا های صحیح است صحیح است که فرا کسیون هست چرا وقتی که لایحه به مجلس شورای ملی می آید همیشه پیشنهادات مخالف است ! بالاخره با اصول اکثریت مخالف است یعنی با اصول برتری بر این بنده از اکثریت مجلس شورای ملی تقاضا میکنم

وقتی در فرا کسیون حاضر هستند هر فرمایشی که دارند آنجا حرفهایشان را بزنند چنانچه میزنند هیئت يك هم آنجا حاضر است تا وقتی که يك لایحه مهمی مجلس رسید فقط اجازه بدهند که اقلیت حرف بزند ؟! برای اینکه حرفهای باندازه کافی را اکثریت در فرا کسیون زده است و چیزی باقی نمانده و الا احترام شئون اکثریت از بین میرود اگر چنانچه اکثریت واقف میکرد بالاخره که تقریباً شش ساعت هفت ساعت روزی او در فرا کسیون مذاکره شده احتیاج نداشتیم ما در مرتبه جلسه داشته باشیم . هم صبح و هم عصر

لاخره اقلیت مجلس شورای ملی هم معدودی هستند یکی بفر بیشتر نیستند ... (همه نمایندگان - زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

کلزونی - اقلیتی نیست

بعضی از نمایندگان - در مجلس باید اظهار نظر کرد زوار اجازه بدهید آقا . آقای کلزونی همدیگر را که بدو گویند ؟! بنا بر این بنده این تذکر را به اکثریت (ملک آرائی تشکر میکنم) اما راجع به فرمایشی که آقای طاهری فرمودند البته قسمت الف و ب و ج را لایحه فرموده اند بنده هر چه تصور کردم این جا می آید پانصد تومان تا دو هزار تومان عایدات سالیانه صدی يك البته کسی که سالی پانصد تومان عایدات دارد اگر يك تومان بدهد هیچ جای دنیا بر نمیخورد ثانیاً از دو هزار تومان تا شش هزار تومان عایدات سالیانه نسبت بمازاد صدی دو بطور تقریبی این مخالف عدالت است . پس بفرمائید چیزی بفرماید (خنده نمایندگان) خیلی چیز غریبی است ؟! آقا ملک را می خواهیم خیلی غریب است ؟! پول هم خواهیم بدهیم ؟! (خنده نمایندگان) ملک ما میخواهیم بدهیم ؟! (خنده نمایندگان) امینیه میخواهیم تنظیمه میخواهیم بدهیم میخواهیم وقتی هم که از عایدات سالی شش هزار تومان صدی نیم ، صدی دو میخواهیم بگیریم آن

طهرانی - اجسنت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای زوار اساساً در مجلس اقلیت و اکثریتی نبود (زوار چرا چرا) حالا عرض میکنم بنده يك نفر هستم میفرمائید اقلیت هستم در هر لایحه از لواحق دولت آن چیزی که خودم تصور کرده ام موافق صلاح و صرفه بوده است و نظریاتی نداشتم کاملاً رای داده ام و در هر لایحه که يك نظریاتی داشتم يك پیشنهادی داشته ام بوزیر وقت که حاضر بوده است و به مخبر گفته ام تا بحال بنده در دوره هفتم ندیده ام يك اقلیتی که حمله کن بدولت باشد یا مزاحم بر دولت باشد یا اسباب زحمت باشند بنده یا آقای حاج سید رضا یا يك کسی دیگر که يك مطالبی را این جا میگوید حمله کننده نیستیم ما میخواهیم دولت اینجا در جواب ما يك توضیحاتی بدهد از برای توجیه قانون که در مقام عمل اسباب اشکال نشود که ما و مرین دولت در مقام عمل از او استفاده بکنند نه اینکه نظر دیگری داشته باشیم چرا ؟ چون بنده معتقد هستم که دولت يك دولتی است که کار می کند احتیاجاتی دارد و برای رفع آن احتیاجاتش و مطابق احتیاجاتش لوازمی می آورد دولتی نیست که بنده او را خطای بدانم خطا کننده بدانم یا خدای نکرده خائن بدانم لوازمی می آورد صحبت می شود نهایت نظریاتی دارد مجلس که باید بگوید بنده نمی توانم بگویم که این جا اداره نظام است که هیچ صحبت نشود . وزراء و کلاء و اکثریت هیچکدام حاضر باین نیستند (صحیح است) وزراء هم حاضر نیستند اکثریت هم حاضر نیست (صحیح است) البته اکثریت هم می خواهد در لوازم مذاکره شود اگر غرضی در بین است بگوئید (نمایندگان - خیر - خیر) و الا این صورت مجلس است صورت مذاکرات است

بروید به بینید بنده هیچ وحشی ندارم بنده همیشه حقایق را عرض می کنم . (صحیح است) اما راجع باین مسئله که دکتر ظاهری بیان کردند خواستم توجه بدهم آقای وزیر عدلیه و همینطور اعضاء محترم کمیسیون را که متوجه باین ماده باشند این ماده را آقای وزیر عدلیه فرمودند که ما خواستیم اشخاصی که در این مواد اسامی شان مندرج نیست داخل در این ماده باشند بنده عرض میکنم که همین اندازه گمان نمیکنم کافی باشد برای مقام عمل و بنده پیشنهادی تهیه کرده ام و بمجلس می دهم مخصوصاً معین کنیم که چه کسانی هستند چون کسانی هستند در این مملکت که عوایدی از بئر مستغلات از مستغلاتشان که دولت مالیات میگیرد بعد از اخذ آن مالیات دیگر لزومی ندارد که از آنها يك مالیات دیگری هم گرفته شود (صحیح است) برای اینکه اگر آقای وزیر عدلیه توجه بفرمایند عرض می کنم که (وزیر عدلیه - بلی بفرمائید) ما باید تشویق کنیم از بنا و عمارت کردن و اگر بنا باشد يك کسی که خانه می سازد هم مالیات مستغلات از او بگیریم هم از این مالیات ازین بگیریم کم کم این پولی که دارد و می خواهد خانه بسازد (ولو برای اجاره دادن هم باشد) دیگر خرج نمی کند خرج آبادی و بنائی مملکت نمی کند و بخل میکند از خرج کردن و این خوب نیست و شما از آن نظری که دارید که عمران و آبادی مملکت باشد عقب می افتید پس این را شما استثناء نمائید و اساساً اگر موافقت بفرمائید همین جوری که تفصیلاً پیشنهاد می کنم کلیه اشخاصی که در آن مواد سابق مندرج اند و در تحت آن اسامی مالیات میدهند از این ماده ۹ خارج باشند این را گمان می کنم اصلاح بصواب باشد اینهم يك پیشنهادی است که عرض کرده ام و تقدیم می کنم وزیر عدلیه - بنده گمان می کنم در قسمتی که آقای زوار اظهاراتی کردند اینجا يك سوء تفاهمی شده است و گمان نمیکنم مقصود ایشان هم این بوده باشد

پیشنهاد آقای همراز

مانظوری که بعد هم خودتان در ضمن بیاناتتان اشاره فرموده البته دولت خودش متذکر هست که واقعاً مسائلی که پیش می آید و حتی آقایانی هم که اینجا اظهار نظر میکنند از نقطه نظر خود آن مسئله است (صحیح است) باین ترتیب فرمودند مثلاً اقلیت باشد آقای فیروز آبادی یک چیزی بنظر می رسد که اینطور باشد بهتر است يك نفر دیگر بنظر دیگر اظهار نظر می کند و این برای این است که کسی مطلبی را طوری تشخیص میدهد که مطابق نظر خودش آن جور بهتر است و مصلحت است و بالاخر اکثریت هم قطع می کند که خیر این نظر را باید بپذیرد یا آن نظر را و بنده تصور نمیکنم ایشان هم نظر دیگر غیر از این منظور داشته باشند و سوء تعبیر شده (صحیح است) اما راجع بقسمت دوم اگر قسمت اول را بنده لازم نمیدانستم بیایم اینجا و توضیحی بدهم آقایان واقعاً موافقت می فرمایند و زحمت می کشند می آیند يك آقایانی از صبح تقریباً تا يك بعد از ظهر گذشته و حالا هم تا این ساعت نشسته اند بنده میخواهم هیچ نوع خستگی روحی برای آقایان پیدا شود و يك سوء تعبیراتی اگر لازم نبود که بنده رفع آنها بکنم آنوقت عرض میکردم که راجع بقسمت دوم فرمایشات شان آقای نماینده محترم پیشنهاد بدهند ما هم در کمیسیون می بینیم که تا چه اندازه باید پیشنهادات را جمع کرده قبول کرد و البته در تمام پیشنهادات در کمیسیون ملاحظه و مذاقه میشود . بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . رئیس - پیشنهادات قرائت میشود . پیشنهاد آقای آقای طلوع مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی دامت شوق بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۹ در استثنای مالیات از اربابی و دواب اضافه شود عواید مستغلات که مخصوص بیلدیه های هر شهری است

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم که قسمت اول ماده ۹ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم : ماده ۹ - کسانی که مشمول مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۸ نیستند و عایدات خالص سالیانه آنها بیش از ۵۰۰ تومان است الی آخر . رئیس - ماده دهم قرائت میشود : ماده ۱۰ - نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه در ایران از پرداخت مالیاتهای مذکوره در این قانون معاف خواهند بود رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - بنده خواستم که عرض کنم که این ماده اصلاً محتاج الیه نیست بعلمت اینکه آنها نه تاجرند نه اصنافند نه عایدی دارند نه از عواید ما انتفاع میبرند نه حقوق از دولت ما میگیرند غرض این است که اینها خروج موضوعی دارند . وزیر عدلیه - بنده اول تصور کردم که ایشان میخواهند اینطور بفرمایند و اینطور استنباط کرده بودند که از نقطه نظر حقوق بین الملل و از نظر عهود نباید مالیات بدهند ولی در هر صورت خروج موضوعی ندارند البته اگر نظرشان این باشد که مطابق حقوق عمومی آنها معافند البته در اینجا ضرورت ذکر کردن را نداشت و الا اگر غیر از این باشد باید ذکر شود چون آنها هم دارای عایدی هستند که مخصوص خودشان است و حقوق دارند با این حال اگر هم پیشنهادی در این زمینه دارید

و ذکر این ماده را بی مورد می دانید ممکن است پیشنهاد بفرمائید.

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - پیشنهادی از آقای ناصری رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای ناصری

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتہ. پیشنهاد می کنم ماده ۱۰ بطریق ذیل اصلاح شود: نمایندگان سیاسی و قسولی خارجه در ایران از پرداخت مالیات مذکوره در ماده ۳۳ این قانون معاف خواهند بود رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۱ - هر شرکت یا مؤسسه مکلف است در فروردین ماه هر سال اسامی مستخدمین و اجزائی را که در سال قبل داشته و میزان حقوق یا مزد سالیانه آنها از بانکد تومان تجاویز می کند بمالیه محل صورت بدهد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا يك تكلیفی را معین کرده اند بدون اینکه جزائی برای متخلف آن مقرر شده باشد و الا اینکار را که می کنند در واقع دولت خواسته است باو عنایت بکنند که اطلاع بدهد تا دولت بداند که او چقدر اجزاء و مستخدم داشته است تا میزان عایدات خالص او منظور شود این يك راهنمایی است ولی باز در این ماده ن نوشته اند که در صورت تخلف چه خواهد شد و باصطلاح خودمان که در کمیسیون داریم جزای آن معین شده

وزیر عدلیه - عرض کنم که اولاً این صورت دادن از نقطه نظر این نیست که میزان عایدی خالص او معین شود خیر این در حقیقت يك وسیله کنترولی است که دولت دارد که يك صورتی بدهد که من کسانی را دارم در تجارخانه ام که ماهی پنجاه تومان حقوق میگیرند تا دولت از آنها مالیات بگیرد و راجع بمجازات هم

بنده گمان نمی کنم لازم باشد (صحیح است) البته آن موسسات جدی خودشان صورت را خواهند داد بدون اینکه محتاج مجازات باشد

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنظر بنده حسن نیت دولت معلوم است همچنین نمایندگان محترم و اعضاء کمیسیون ولی توضیح لازم است در این ماده داده شود که معاموم باشند دولت و کمیسیون این نبوده است که خواسته باشند شاگرد های دکاتها و کسانی که روز مزدند و اجیر میگیرند از آنها هم مالیات گرفته خواهد شد چون اینطور نیست نه هیئت دولت این طرز نظر دارند نه کمیسیون این نظر را داشته و بنظر بنده این توضیح لازم است زیرا که ذکر شده است اشخاصی که سال قبل حقوق داشته اند و میزان حقوق یا مزد سالیانه بیش از بانکد تومان است اینجا ممکن است در بسیاری دکاکین شاگردانی باشند که روزی دو تومان مزد بگیرند و این در سال بیش از بانکد تومان میشود بنا بر این لازم است يك توضیحی از طرف آقای وزیر عدلیه داده شود

وزیر عدلیه - بنده از آن شاگردانی که روزی دو تومان مزد میگیرند متشکرم و عرض میکنم که مالیات بدهند چرا؟ چون عایدی او بیش از بانکد تومان است. چرا چیزی ندهند و کمک نکنند. اگر چنین کسی است که شاگرد است و روزی پنجقران بگیرد میگیرد او خوب معاف باید باشد ولی وقتی که مستخدم دولت است و پنجتومان حقوق و سایر نفعیاتی که باو میشود این مالیات را میدهد هیچ دلیلی ندارد کسی که روزی دو تومان مزد بگیرد و ماهی شصت تومان میشود حقوق مالیاتی را ندهد. البته باید بدهد آقا.

عده از نمایندگان - کافی است

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۲ - مشمولین مواد ۲ و ۹ مکلفند در فروردین هر سال اظهار نامه که میزان عایدات سال گذشته

آنها را معین میکنند بمالیه محل بدهند. میزان مالیات مشمولینی را که تا اول اردی بهشت ماه اظهار نامه نداده اند مالیه معین خواهد کرد و در این صورت هیچگونه اعتراضی بمیزانی که مالیه معین کرده است از طرف مشمول پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه عذر موجه داشته و با مدارك كافی آن را نزد مالیه محل اثبات نماید رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - حقیقه آقای وزیر عدلیه من خیلی شاکر هستم و حقیقه خجل هم هستم چون میدانم شما هم تب دارید و هم یک نفر هستید که جواب همه سؤال کنندگان را باید بدهید و غالباً ما باید رحم کنیم ولی این بکامده ایست با این چیزی که این جا بیان کردید من نمی توانم بصرف پیشنهاد آن عرض کنم. این قسمت آقای شریعت زاده و بعضی ها صحبت کردند که متخلفین بزمه معادل فلان اندازه محکومند و نظریاتی هم گفته اند ولی در اینکه کدام محکمه رأیش قاطع است نظریات مختلفی مختلف بود بعضی ها پیش نهاد کردند بحکمیت رجوع بود بنده خودم هم همینجور پیشنهاد کردم که این اسباب شکل نشود. در اینجا نوشته شده که اگر آمدند و تخلف کردند مالیه مختار است که خودش بکورتی بدهد یعنی بلیه محل اینکار را میکند و آنصورت هم نمیشود محل اعتراض باشد مگر اینکه مدارك كافی بیآورد و با عذر وجه داشته باشد. اینجا خودتان تصدیق بفرمائید شما هم هستید حقوقی چطور ما می توانیم مالیه را که میخواست قاضی قرار بدهیم این اولاً. ثانیاً باز تصدیق بفرمائید که هر قانونی که آورده میشود شما باید يك هیئتی برای آن قائل بشوید و سال دوم و سوم و چهارم نفس آنرا رفع کنید کم کم و بنده مخالف این هستم که سال اول شما این را باین ترتیب بجزایان بیندازند و بقیار بدهید بمالیه محل که خودش معین کند و از آن خود اظهار نامه را مرتب کند و اعتراض هم پذیرفته شود مگر بامدارك كافی با عذر موجه. بنده عرض

میکنم آقای وزیر عدلیه این اسباب زحمت است و نمی شود قاضی خود مدعی باشد و از سال اول بمشکلات برمیخورد و خوبست لا اقل از همین سال اول اکتفا کنند بهمین اندازه که اظهار نامه بدهد و سال های بعد عملیات را بیشتر کند و کم کم بشکافد برود جلو

وزیر عدلیه - در مسائل مالیاتی وقتی که اختلاف میشود ناچار نمیشود آنرا بمحاكم قضائی رجوع کرد و اگر هم از نقطه نظر اصول و کلیات يك اعتراضاتی بر این قاعده هست که يك اداره هم خودش مدعی باشد و هم حاکم با این حال ما در مقام عمل ناچار هستیم بهمین ترتیب تن در دهیم و بگوئیم که خود وزارت مالیه دارای محاکمی باشد که آن محاکم در صدد این باشد که کار مالیاتی با اختلاف مالیاتی را رفع کنند و اگر بنا باشد اختلافات مالیه با اشخاص بمحاكم قضائی رجوع شود صرف نظر از اینکه عده محاکمی را که دولت باید ایجاد کند زیاد میشود و چه مشاغلی باید ایجاد و تهیه شود صرف نظر از این مسئله باید برای هر مرفعه چندین سال محاکمه بکنند برای اینکه محاکم قضائی پایه اش روی این قضیه است که چندین مرحله رسیدگی کند و بهمین جهت است که طول می کشد و اگر برای هر اختلاف مالیاتی بخواهیم برویم بمحاكم قضائی چندین وقت طول خواهد کشید. اما در آن قسمت از بیانات شان که فرمودند مالیه محل. بنده نمی بینم که در این جا مالیه محل باشد. مالیه محل در قسمت اول ماده است که میگوید مشمولین مواد ۲ و ۹ مکلفند در فروردین ماه هر سال بمالیه محل اظهار نامه بدهند اما در قسمت دوم می نویسد میزان مالیات مشمولین را که تا اول اردی بهشت اظهار نامه نداده اند مالیه معین خواهد کرد خصوصاً با توجه باینکه مالیه محل نیست که معین کند. او ممکن است صورت بدهد که این اشخاص اظهار نامه نداده اند و بنظر من اینها اینقدر باید مالیات بدهند چون اینقدر عایدات دارند بعد وزارت مالیه بموجب يك ترتیبات و تشریفات این کار را انجام میدهد پس آن

احتیاطی را که آقای نماینده محترم میل دارند ما تا اندازه این احتیاط را کرده ایم و در قسمت دوم مالیه محل نیست. مالیه است. معینا اگر يك راهی که سهل تر باشد بنظر تان میرسد عملی تر است ممکن است پیشنهاد بفرمائید بشرط اینکه در مرحله اول و قدم اول کار را فلج نکند و اگر همچو راهی دارید بفرمائید ما هم قبول می کنیم

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - پیشنهاد آقای فتوحی قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فتوحی

پیشنهاد می کنم در ماده ۱۲ قید شود در هذالسنه ۱۳۰۹ برای تسلیم اظهار نامه تا سه ماه از اول سال گذشته مهلت داده خواهد شد

رئیس - ماده سیزدهم قرائت می شود:

ماده ۱۳ - کسانیکه برای فرار از مقررات این قانون پایه مالیات خود را کمتر از واقع قلمداد کنند پس از اثبات امر بترتیبی که در ماده ۱۴ مذکور است پرداخت جریمه معادل سه برابر مالیاتی که مہیابست پرداخته شود محکوم خواهند بود

تبصره - تقشیش در دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي و شخصی برای تعیین پایه مالیات اکیدا ممنوع است
رئیس - آقای کلزونی

کلزونی - بنده غرض این است که آقای وزیر محترم عدلیه يك توضیحی بدهند که به بینیم چطور تطبیق میکنند این ماده را با زندگی و تجارت و معاملات مردم مثلا اگر چنانچه ترتیب معامله و تجارت اینطور بوده که هر کسی د سال يك مبلغ معین و محدودی معامله داشت یا اصلا يك قیودی برای خودش فرض کرده بود که بر طبق آن قیود از مبلغ معین نمی توانست تجاوز کند یا در عالم تجارت و معامله عدم تجاوز ممکن بود این ماده بجای خودش صحیح بود لکن بنده تصور میکنم

يك تاجر يكسال نمی تواند یعنی پیش نمی آید و با غیر موافقت نمی کند که معامله عمده کرده باشد و چون در سال گذشته اش فرض کنیم سی هزار تومان در سال اول سال جاری من باب مثل عرض میکنم برسد لکن قیود يك نفر از مال التجاره ترقی می کند این آدم چون ترقی کرد است مال التجاره در صدد می برآید يك مبلغ زیادی بخرید کند و حمل کند در صورتیکه جواز می که تجار کرده است بر طبق سال گذشته بوده است و این یک چیز عادی است که بنده عرض میکنم چیز فوق العاده نیست اصلا ترتیب تجارت مبتنی بر همین است خوب شما چطور این را خائن می خوانید بدلیل اینکه مجازاتش می کنید میگوئید نکند معامله بنده استند می کنم زندگانی جامعه را محدود نکنید اگر میفرمائید معامله بکنند پس راه فراری برای او قائل شوید فرار چیست؟ بنده عرض میکنم جواز گرفته بر یک هزار تومان معامله اگر اجازه میدهید که در ضمن تجدید اجازه کند و از سی هزار تومان ترقی بدهد هزار تومان بسیار خوب این را تصریح بفرمائید و اگر این را تصریح می فرمائید بالعکس این اجازه را بدهید که اگر کسی از برای صد هزار تومان جواز گرفته در ضمن پیش آمدی دید که نمی تواند صد هزار تومان بخرید کند و جوازش را خواست تنزل بدهد از درجه يك چهار این را هم اجازه بدهید یعنی هم برای تنزل چهارم در نظر گرفته شود مثلا يك نفر تاجر آمد جواز گرفت یا از برای تجارت درجه اول یا درجه چهارم هر گاه پس از يك ماه از گرفتن جواز یا در بیابستری شد یا مجبور بمسافرت شد یا پیش آمدهائی شد او را ورشکست کرد بافوت کرد یا همچو مقضی شد که تجارت کند شما او را مجبور می کنید و مسئول دانید و پول از او میگیرید یا از مالش تصرف میکنید این که کاری نکرده جنابتی نکرده خلافی نکرده

کرده پول هم بدهد؟ استدعا میکنم این مطالب را توضیح بدهد که يك راه حلی پیدا شود
وزیر عدلیه - اولاً بنده امیدوار هستم که هر چه عرض میکنم اگر آقا موافقت نمی فرمائید لا اقل ترتیب حسابی که بنده میزنم آقا موافقت کنند اما این باب مالیات این مالیات راجع بعوائد سال گذشته است راجع بفروش سال گذشته است ملاحظه بفرمائید بگوید در فروردین هر سال باید وضعیات سال گذشته بود را خبر بدهد یعنی بگوید من در سال گذشته چون از پنجاه هزار تومان فروش کردم درجه اول هستم لکن امسال در وسط سال ما نمی آیم بالا ببریم و این بیاریم بعد در فروردین سال آتی اگر چنانچه امسال آندری که سال اول فروش کرده نفرورخته بدهد خودش را در این دیده که ترك کند یا يك جا بیاید باین تر که مالیات را کمتر بدهد خوب میرود بگوید آقا چون در سال گذشته باندازه سال قبل از آن نمی نکرده ام می خواهم يك درجه تنزل کنم آنها هم نمیکنند و بهش اشکال نمی کنند (کلزونی - اگر ضمن سال خواست چه میشود؟) در ضمن سال نمیشود این اشکال این راجع بسال گذشته است و اشکالی هم در يك اشکال شما هم این است که میگوئید من در الان خیال بکنم که درجه دوم هستم (در وسط سال) بعد هم فلان مال التجاره دیدم نفع زیادی دارد بخرم و بفروشم چه می شود بنده عرض می کنم طوری نمی شود نتیجه این عمل و حساب این سال برای سال آتی معلوم شود و سال آتی که میخواهید بفروردین ماه اظهار نامه بدهید این عمل را هم در میگیرید حالا اگر تصور می فرمائید که عبارت يك طوری است که قابل تعبیر و تفسیر است است يك پیشنهادی بدهید مطلب دیگر اینکه بنا شد غیر يك یادداشتی بر دارند و ما این قسمت را بیرون صحبت کنیم این قسمت که عرض می کنم

بنا بود در خود خبر اصلاح شود متأسفانه نشد ولی نظر اکثریت بر این بود که (در فرا کسیون هم صحبت شد) و بین ماده سیزده و چهارده يك تلفیقی بشود و چندان ضرری ندارد که این دو ماده جدا باشند و اگر با هم باشد بهتر است که هر گاه بین مؤدی مالیات و مالیه اختلاف حاصل شد و معلوم شد که قصد تقلب نداشته مجازات نداشته باشد و باین ترتیب اغلب اعتراضات آقایان هم ممکن است از بین برود (صحیح است) و يك پیشنهادی هم گویا بنا بود آقای عدل بدهند که این دو ماده یکی بشود و البته این پیشنهاد هم تاثیر دارد (نمایندگان صحیح است - مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادات واصله قرائت میشود:
پیشنهاد آقایان مؤید احمدی - ملک مدنی - دکتر طاهری

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - پیشنهاد می نمایم تبصره ماده سیزدهم باین عبارت نوشته شود:
تبصره - تقشیش در منازل و حجرات و دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي و شخصی برای تعیین میزان و پایه مالیات اکیدا ممنوع است
پیشنهاد آقای ملک آرائی:

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده سیزدهم این قسم نوشته شود
تبصره - تقشیش در دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي و شخصی و منازل برای تعیین میزان مالیات اکیدا ممنوع است
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:
پیشنهاد میکنم در ماده سیزدهم عوض کلمه معادل سه برابر تبدیل شود بضعف.
پیشنهاد آقای مخبر فرهمند:
تبصره ماده ۱۳ را بر ترتیب ذیل پیشنهاد می نمایم:
تبصره - تقشیش در دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي و شخصی و همچنین در منازل برای تعیین میزان و پایه مالیات اکیدا ممنوع است

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - هر گاه بین مالیه و مودی مالیات راجع بمیزان عایدات اختلاف حاصل شود بجز در مورد مذکوره در ماده ۱۲ این قانون هر يك از طرفین حق دارند به کمیسیون که مطابق ترتیب مشروح در ماده ده قانون موسوم بقانون مالیات املاک اربابی و دواب (مصوبه ۲۰ دی ماه ۱۳۰۴ تشکیل خواهد شد رجوع نمایند و رأی اکثریت کمیسیون قاطع است

رئیس - آقای فرهمند

نخب فرهمند -- عرض کنم که در ماده چهارده که می نویسد هر گاه بین مالیه و مودی مالیات راجع بمیزان عایدات اختلافی حاصل شود بجز در مورد مذکوره در ماده ۱۲ این قانون بعد در ماده دوازده مینویسد میزان مالیات مشمولینی را که تا اول اردی بهشت ماداظهارنامه نداده اند مالیه معین خواهد کرد ممکن است آن کسی که بایستی آن میزان مالیات خودش را بدهد ناخوش باشد یا بیک علتی نتواند خودش را حاضر کند و صورت بدهد مالیه هم آن صورتی را که تهیه می کند باید مبتنی بر يك مدارکی باشد آنوقت اگر بنا باشد که هر چه که او معین میکند و میدهد روی همان قسمت مالیات گرفته شود و قاطع باشد بنده تصور می کنم که این يك چیزی باشد خارج از عدالت و حالا بنده چون در آنوقت می خواستم صحبت کنم نشد یعنی مشغول نوشتن اجازه ها بودم حالا پیشنهاد می کنم

وزیر عدلیه - بنده گمان می کنم اگر آقا بکفندی

توجه فرمایند بماده ۱۲ رفع اشکال شان میشود. ماده ۱۲ میگوید: هر کس مکلف است از این افرادی که ذکر شده است در فروردین ماه اظهارنامه بدهند اگر ندادند میزان را مالیه معین میکند و فقط ما يك راه هم باقی گذاشته ایم و آن داشتن عذر موجه است اگر کسی واقعاً ناخوش بود یا نتوانست حاضر شود البته

بعد از فروردین ماه هم حق دارد بیايد اظهارنامه خودش را بدهد ولی اگر عذر موجه نداشت و اظهارنامه نداد آنوقت دیگر ما قبول نمیکنیم که او با مالیه اختلاف پیدا کند. اصل حربه ما همین است که اگر اظهارنامه را بدون عذر موجه تا آخر فروردین ماه نداد مالیه خودش معین خواهد کرد و البته هر کس برای اینکه مالیه معین نکند که شاید بیش از اندازه و حد واقعی تعداد بکند سعی می کند خودش صورت بدهد و اظهارنامه ندهد اگر نخواست این کار را بکند تقصیری بر ما نیست و راه نباید اینقدر برای او باز گذاشت فقط ما يك راه برای او باز گذاشیم و انهم عذر موجه و مرض است که اگر معذور شد تاجر بواسطه يك موانعی نتوانسته حاضر بشود در آن مدت معین و يك مدارکی هم ارائه داده و معذور باشد واقعاً تقصیری از طرف او بعمل نیامده است این قسمت استثناء شده و الا اگر برای هر موضوع راه را باز بگذاریم که برود با مالیه اختلاف حاصل کند و در آن راه بیندازد این را تصدیق بفرمائید مالیات نیست این مثل این است که ما به نشینیم و با هم مشاعره کنیم عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:
پیشنهاد آقای لاریجانی:
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوق
پیشنهاد می نمایم که قسمت اول ماده ۱۲ بترتیب
اصلاح شود:
هر گاه بین مالیه و مودی مالیات راجع بمیزان عایدات اختلافی حاصل شود هر يك از طرفین حق دارند به کمیسیون الخ

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای لاریجانی:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوق
پیشنهاد می نمایم که قسمت اول ماده ۱۲ بترتیب
اصلاح شود:
هر گاه بین مالیه و مودی مالیات راجع بمیزان عایدات اختلافی حاصل شود هر يك از طرفین حق دارند به کمیسیون الخ

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۴ عبارت جز در مورد مذکوره در ماده ۱۲ این قانون حذف شود و ماده ۱۳ يك ماده شود.

رئیس - آقای فرهمند هم با پیشنهاد آقای

بد یعقوب موافقت و آن را قبول دارند چون اگر بایند پیشنهاد شان را بنویسند مدتی طول خواهد کشید بنا بر این همان را امضا می کنند. ماده ۱۵ - این قانون ده روز پس از تصویب قی اجرا گذارده می شود

رئیس - آقای کیا

آقای نوری - بنده میخواهم عرض کنم که بین ماده يك ماده دوازده و ماده پانزده يك ارتباطی است و خوبست ماده آخری قدری روشن تر از این نوشته شود زیرا در ماده میگوید: از تاریخ اجرای این قانون در اینجا میگوید روز پس از تصویب (وزیر عدلیه - اشکالی ندارد ده روز پس از تصویب تاریخ اجرای این قانون است) بعد ماده ۱۲ میگوید میزان مالیات مشمولینی را که تا اول اردی بهشت ماه اظهارنامه نداده اند اظهارنامه بدهند را باید بدهند و الا مالیه اقدام می کند عرض می کنم که اولاً اگر این اردی بهشت اردی بهشت سنه ۱۳۱۰ بد خبلی خوب است

دکتر عظیمی - همینطور هم هست

کیا - اگر اینطور است که موقع اجرا را خوبست بن کنند که در ۱۵ فروردین باشد عوض اینکه ده روز معین کنند و تاریخ اجرا نوشته شود چه روزی است چه تاریخی است آنوقت قضیه حل میشود اما اگر روز که می فرمائید اگر ماده ۱۲ تخصیص پیدا کند سنه سیصد و ده البته میشود قبول کرد و اشکالی ندارد داشت خوبست توضیحی بفرمائید

وزیر عدلیه -- عرض کنم که این ماده که فرمودید

راجع بسنوات بعد است و از برای سال ۱۳۰۹ بنده می خواهم این جا عرض کنم يك قدری مواد طوری نوشته شده است که درست روشن نیست برای دادن اظهارنامه ها ولی آقایان پیشنهاداتی داده اند و ممکن است جناب عالی هم پیشنهادی بدهید برای اینکه این قسمت را کاملاً روشن و واضح کنیم و در اینکه روز تاریخ اجرا را معین کنیم آنها هم ممکن است از برای شور دوم همان موقع تاریخ اجرائش را هم در مجلس معین کنیم عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- ماده الحاقیه پیشنهاد آقای طاوع قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طاوع

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می نمایم

ماده الحاقیه - خرده مالکینی که مشمول قانون مالیات املاک اربابی هستند تا ده جریب املاک آباد و صیفی کاری از پرداخت مالیات ارضی معاف خواهند بود

رئیس -- آقایانیکه با ورود در شور دوم موافق هستند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد

[۳ -- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس -- اگر اجازه بفرمائید جلسه آینده سه شنبه ۱۲ فروردین ماه سه ساعت قبل از ظهر باشد (صحیح است) دستور هم شور ثانوی او ایج موجوده (صحیح است)

(مجلس ساعت هفت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر